

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسرار اسلامی مکه و مدینه

نویسنده : رسول جعفریان

www.IRPDF.com

بزرگترین منبع کتابهای الکترونیکی رایگان

مقدمه

مشتاقان حرم خدا و رسول-ص- با سفر به دو حرم شریف، در جستجوی یادگارهایی هستند که رسول خدا، امیر مؤمنان و دیگر صحابیان مخلص رسول الله-ص- از خود بر جای نهاده‌اند.

آنان علاقه‌مندند تا آثار متبرک موجود در حرمین را شناخته و با حضور در آنها تعلق خاطر خود را به آن بزرگواران نشان دهند و با خواندن نماز و دعا، توشه‌ای برای آخرت خویش بگیرند.

تلاش چند ساله معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری-مد ظله العالی- سبب شده است تا کتابهای چندی در این زمینه در اختیار زائران و مشتاقان قرار گیرد. در شمار نخستین آثاری که در این باره نشر یافته، همین کتاب بود که با عجله و با استفاده از مآخذ چندی آماده و نشر گردید.

در آن زمان نویسنده بیش از هر چیز از مآخذ بهره برده و توفیق تحقیق میدانی پیش نیامده بود تا این که در طی سالهای گذشته، اثر مزبور چندین بار به چاپ رسید. دوستان و مشتاقان در ضمن تشویق، یادآور نکاتی می‌شدند که برای تکمیل و رفع نواقص و خطاهای کتاب بسیار مفید بود. نویسنده نیز در طی چند سفر با تحقیقات میدانی کوشید تا کتاب حاضر را کاملتر و کم نقص‌تر عرضه کند.

اینک که تحریر جدید این کتاب در اختیار عزیزان قرار می‌گیرد، بالغ بر یک دوم به حجم آن افزوده شده و از بسیاری از موارد رفع اشکال شده است. هدف عمده ما نوشتن اثری کم حجم برای استفاده عموم زائران می‌باشد. گفتنی است هنوز هم تذکرات شما عزیزان می‌تواند راهنمای نویسنده در چاپهای بعدی کتاب باشد.

رسول جعفریان

جغرافیای کلی جزیره العرب

جزیره العرب زمینی است خشک که از سه طرف در حصار آب قرار گرفته؛ در ناحیه غرب آن، دریای احمر (سرخ) قرار دارد که حد فاصل جزیره العرب و قاره آفریقا است. جنوب آن به اقیانوس هند محدود می‌شود و در شرق آن دریای عمان و خلیج فارس واقع است که جزیره العرب را از ایران جدا می‌سازد. تنها در قسمت شمالی با عراق و شامات پیوند زمینی دارد.

جزیره العرب از نظر جغرافیایی به چند ناحیه تقسیم می‌شود:

۱. حجاز؛ سواحل شرقی دریای احمر را به نام حجاز می‌شناسند. طبعاً حجاز شامل بخشی از ناحیه غربی جزیره العرب است.

۲. تهامه؛ بخشی از سرزمین جزیره العرب را تهامه می‌نامند که در جنوب حجاز قرار دارد. در تعریفی دیگر، خود حجاز دو ناحیه غربی و شرقی دارد؛ ناحیه شرقی آن، که کوهستانی است، حجاز نامیده می‌شود و قسمت غربی‌اش، که دشتی سرازیر به سوی دریای احمر است، تهامه نام دارد.

۳. نجد؛ قسمت میانی جزیره العرب، از شمال به سمت جنوب که در واقع همسایه شرقی حجاز است، نجد نامیده می‌شود.

۴. عروص؛ این نام به بخش وسیعی از جزیره العرب، که در ناحیه شرقی است، اطلاق می‌شود. در این قسمت، شهرهای احسا و قطیف واقع است. در حاشیه شرقی و جنوب شرقی جزیره، کشورهای قطر، بحرین و عمان قرار دارند.

۵. یمن؛ این سرزمین شامل نواحی جنوبی جزیره العرب است و یمن جنوبی و یمن شمالی را در بر می‌گیرد که خود دو کشور مستقل‌اند.

بدین ترتیب، جزیره العرب افزون بر آن که از لحاظ جغرافیایی به مناطق مختلف تقسیم می‌شود، از لحاظ سیاسی نیز کشورهای چندی در آن قرار دارند. امروزه مهمترین بخش جزیره العرب، کشور عربستان سعودی است.

حجاز

کلمه حجاز از «حاجز» گرفته شده و به معنای «مانع» است. این نام بدین دلیل است که رشته کوه «سراة» که از شمال تا جنوب جزیره کشیده شده، دو قسمت را از یکدیگر جدا کرده که در یک سوی آن نجد و در سوی دیگر تهامة قرار گرفته است. بدین ترتیب، این کوهها مانعی هستند میان این دو ناحیه، و حجاز شامل این منطقه کوهستانی به سمت غرب است. حجاز نیز چون دیگر نواحی جزیره العرب، بسیار خشک و کم آب است و تنها در برخی از وادیها، آبهای فصلی و یا چاه وجود دارد که از قدیم برخی از قبایل عرب را گرد خود جمع کرده است. به همین دلیل، مناطق مسکونی دائم، کمتر در حجاز وجود داشته و در زمان ظهور اسلام تنها چند ناحیه مانند مکه، طائف، یشرب و خیبر به عنوان مراکز شهری شناخته می شده است.

بخش اول

مکه مکرمه

شهر مکه در فاصله هشتاد کیلومتری شرق دریای سرخ قرار دارد و در طول ۴۰ درجه و ۹ دقیقه و عرض ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه خط استوا واقع شده و ۳۳۰ متر از سطح دریا فاصله دارد.

فلسفه پیدایش این شهر، که «ام القرى» نیز نام گرفته، دو چیز است:

۱- مرکزیت عبادی

۲- مرکزیت تجاری.

این شهر «بکه» نیز نامیده شده است. درباره نامگذاری آن به «مکه» اقوال مختلفی نقل شده؛ از آن جمله: مکه در اصل «مک+رب» و مک به معنای «بیت» است؛ در این صورت، مکه یعنی بیت العرب یا بیت الله. در نقلی دیگر آمده است که «بک» به عنوان یک پسوند، به معنای واحه و وادی آمده؛ مثل «بعل بک» که به معنای وادی بعل است. بدین ترتیب، بر اساس نامی که بطلمیوس برای مکه ذکر کرده یعنی «ماکارابا»، باید این شهر را به نام «وادی رب» بشناسیم. برخی هم «مکارابا» را از کلمه عربی «مقرب» گرفته اند؛ اصطلاحی که به احتمال مربوط به کسانی باشد که نزدیکتر به خدا یا خدایان هستند.

معانی بسیاری برای بکه و مکه گفته اند که بیشتر آن حدسی است. (۱) یکی از اجزای اصلی، در این نامگذاریها رب و خانه رب است و این نشان دهنده شکل گیری این شهر بر گرد خانه خداوند است.

نام دیگر مکه «بلد الامین» و «بلد الحرام» است که این نام به تناسب مرکزیت عبادی این شهر، بر آن اطلاق شده است.

در نوشته های تاریخی قدیمی، از مکه یاد شده است و دلیلش آن است که مسیر تجارت از شامات به سمت یمن، از این ناحیه عبور می کرده است. تاریخ بنای مکه را باید در زمان بنای کعبه جستجو کرد.

مکه در میان دره ای واقع شده و کوهها اطراف آن را گرفته است. تنها چند راه خروجی به سمت یمن، دریای سرخ و شام وجود دارد. پایین ترین نقطه آن، بطحا است که در امتداد آن از معلا مکه به سوی مسفله کعبه قرار

گرفته است. مسیر بطحا در وادی ابراهیم قرار دارد که محل عبور سیلابهایی است که از بخش بالای مکه در مسیر مسجد الحرام فعلی به سمت پایین یعنی کعبه سرازیر شده و از آنجا به بخش مسفله مکه می‌رود.

مکه قدیم به طور عمده در دو سوی بوده، در سمت معلا گستره آن تنها تا محل مسجد الرایه بوده است.

قرآن از زبان حضرت ابراهیم-ع- مکه را «وادی غیر ذی زرع» نامیده، یعنی جایگاه خشکی که با کم آبی مواجه است. پیشتر، چاه زمزم وسیله تامین آب آنجا بود، که با گذشت زمان چاههای دیگری نیز در اطراف آن به وجود آمد.

مکه دارای فضایل بی شماری است، به ویژه خداوند در استجابت دعای ابراهیم-ع- حرمت فراوانی برای این شهر و اهل آن به عنوان اهل الله قائل شده است.

۱- مکه و کعبه پیش از اسلام

بنای کعبه به دست ابراهیم (ع)

تاکید دسته‌ای از روایات بر آن است که کعبه به دست حضرت آدم-ع- ساخته شد. در این روایات، آغاز مراسم حج نیز زمان حضرت آدم دانسته شده و حتی نامگذاری برخی از نواحی اطراف مکه و نیز مشاعر، در مورد حضرت آدم و همسرش حوا توجیه شده است. اگر این روایات را بپذیریم، باید بگوییم مدت زمانی پس از آدم، خانه کعبه چندان محل توجه نبوده تا آن که حضرت ابراهیم-ع- بار دیگر آن را تجدید بنا کرده است.

در نگاه تاریخی قرآن، تاریخ مکه و کعبه با تاریخ انسان و حاکمیت او بر کره خاکی برابر است. آنچه قرآن مجید بدان تصریح کرده، آن است که کعبه به دست ابراهیم-ع- ساخته شده است. در عین حال، قرآن این دیدگاه را نفی نمی‌کند که زمانی دراز پیش از آن، این خانه وجود داشته و سپس تخریب شده است.

«و آنگاه که برای ابراهیم جای خانه [کعبه] را تهیه دیدیم که چیزی را با من شریک مساز و خانه مرا برای طواف کنندگان و به نماز ایستادگان و رکوع کنندگان سجده‌گر پاکیزه کن.» (۲) «و در میان آدمیان بانگ حج در ده تا پیاده و بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری آمده باشد، سوی تو آیند.» (۳) «و آن هنگام که ابراهیم پایه‌های آن خانه [کعبه] را با اسماعیل بالا می‌برد، گفتند: پروردگار ما! از ما بپذیر، چرا که شنوای دانا تویی.» (۴) در آیه ۲۸ سوره حج و آیات ۳۵ تا ۳۷ سوره ابراهیم نیز از پیوند کعبه با ابراهیم-ع- سخن گفته شده است. ابراهیم-ع- پس از بنای کعبه از خداوند خواست تا این مکان را حرم امن قرار دهد و خداوند نیز دعای وی

را اجابت کرد. همین امنیت و حرمت بود که در طی قرن‌ها، مکه را از تجاوز قبائل بدوی حفظ کرد و آن را «شهری امن» یا به تعبیر قرآن «البلد الامین» و «البلد الحرام» قرار داد.

داستان آمدن ابراهیم-ع- از این قرار است که او به دنبال مشکلی که با همسرش ساره پیدا کرد، همراه هاجر و فرزندش اسماعیل-ع- بدین دیار آمد و آنها را تنها گذاشت و بازگشت. پس از آن که چاه زمزم پدید آمد و اسماعیل-ع- و مادر وی هاجر نجات یافتند، آن دو در آنجا به زندگی مشغول شدند تا زمانی که اسماعیل-ع- سی ساله شد و ابراهیم-ع- بار دیگر به مکه آمد. در این زمان بود که آنها با کمک یکدیگر خانه کعبه را ساختند.

به دنبال ساخته شدن خانه خدا، عرب‌های قبیله جرهم که در آن نواحی زندگی می‌کردند و اسماعیل از میان آنان همسری اختیار کرده بود، به توحید و خدا پرستی گرویدند و پس از آن مراسم حج هر ساله برگزار می‌شد.

نگاهی به داستان آمدن هاجر و اسماعیل-ع- بدین دیار و آنچه که درباره ابراهیم-ع- و پسرش و مساله قربانی کردن او بیان شده و نیز مطالبی که درباره رفتن هاجر میان صفا و مروه برای جستجوی آب نقل کرده‌اند، نشان می‌دهد که بیشتر سنت‌های مربوط به حج، برگرفته از همین وقایع است. یعنی وقایع زندگی انسان‌های پاک و موحد، که یادگار دین توحید و آیین حنیف بوده‌اند، سر مشقی برای دیگر انسان‌های موحد شد و به عنوان شعائر خداوند باقی ماند. حج در واقع احیای شعائر الهی و پاسداری از دین توحیدی است.

خداوند دین اسلام را «دین حنیف» نامیده و نام «مسلمان» را برای پیروان اسلام از زبان حضرت ابراهیم-ع- دانسته و خانه را نیز «کعبه»، «بیت الحرام»، «بیت العتیق» و «مسجد الحرام» نامیده است. برخی، «بیت المعمور» را نیز نام دیگری برای کعبه دانسته‌اند.

ساختمان کعبه‌ای که به دست ابراهیم-ع- ساخته شد، بر اساس برخی نقل‌ها بدین ویژگی‌ها بوده است: ارتفاع حدود ۴/۳۲ متر، دیوار شرقی ۲۴ متر، دیوار غربی ۲۳/۱۰ متر، دیوار شمالی ۱۶/۵ متر، دیوار جنوبی ۱۵ متر. در آن زمان خانه کعبه سقفی نداشته و دیوارهای آن از سنگ بوده است.

مکه و کعبه بعد از اسماعیل-ع-

پیشتر گفته شد که اسماعیل-ع- در میان عرب‌های نواحی اطراف مکه بزرگ شد و از میان آنان همسری برگزید. نسلی را که از وی به وجود آمد، با نام «عرب‌های عدنانی» می‌شناسند. اینان در واقع عرب نیستند، بدان جهت که نژاد اسماعیل-ع- از مردمان بین النهرین بود. از این روست که به آنها «مستعربه» (عرب شده) می‌گویند. در برابر عدنانی‌ها، قحطانی‌ها یا عرب‌های جنوبی هستند که به عرب اصیل یا عرب «عربه» معروفند.

قبیله‌ای که اسماعیل -ع- در میان آنها بود، «جرهم» نام داشت که بعدها از میان رفتند و در تاریخ گم شدند، به طوری که نشانی از آنان نماند. در دوره تسلط جرهم بر مکه بود که مردم موحد این ناحیه، پس از سالها یگانه پرستی بت پرست شدند. آنان به تقلید از یکی از بزرگان خود به نام عمرو بن لحي، بتی را که وی از شام به مکه آورده بود (هبل)، مورد پرستش قرار دادند. در عین حال که اعتقاد به خانه کعبه و خدای کعبه (رب البیت) نیز داشتند. روز به روز، بر تعداد بتها افزوده شد تا آنجا که به هنگام ظهور اسلام، بنا به اظهار برخی از منابع، قریب ۳۶۰ بت در اطراف خانه کعبه قرار داشته است.

بعد از جرهم، قبیله خزاعه بر مکه تسلط یافت و سپس به تدریج قریش توانست مکه را از دست آنها خارج سازد و خود بر اوضاع مسلط شود. تاریخ احتمالی تسلط قریش بر مکه، حدود دو قرن پیش از هجرت بوده است.

قریش در مکه

قصی بن کلاب داماد رئیس قبیله خزاعه بود. او توانست پس از مرگ پدر همسرش، با گرد هم آوردن و متحد ساختن خانواده‌های متفرق قریش، که در اطراف مکه زندگی می‌کردند، بر مکه تسلط یابد. قصی در آبادانی مکه کوشید و دار الندوه را برای مشاوره رؤسای خاندانهای قریش ساخت و سرو سامانی به مکه داد. وی اداره امور مکه را تحت عنوانهای «پرچمداری»، «پرده‌داری کعبه»، «سقاییت حجاج» و... تقسیم کرد و هر قسمت را به یکی از خانواده‌ها سپرد. نوشته‌اند که او در بازسازی کعبه نیز تلاشهایی داشته است. پیش از قصی، اطراف کعبه تا فاصله زیادی از سکنه خالی بوده است؛ اما قصی آنها را در نزدیکی کعبه گرد آورد و تنها به اندازه طواف، محدوده‌ای را باقی گذاشت.

پس از قصی، فرزندان وی عبد مناف و عبد الدار و بعد از آن نیز هاشم فرزندان عبد مناف و عبد المطلب فرزندان هاشم در مکه نفوذ فراوانی داشتند. در زمان هاشم بود که مکه به یک مرکزیت تجاری مهم تبدیل شد و قریش به کار تجارت در بلاد دور دست پرداختند. قرآن در سوره قریش به این مساله اشاره کرده است.

زمانی که قصی بن کلاب قریش را در مکه فراهم آورد، هر طایفه‌ای از آنان را در بخشی از مکه سکونت داد. او قسمت «وجه کعبه» یعنی معلا یا بالای مکه را، که شامل شعب ابی طالب به سمت بالا می‌شد، برای خود و فرزنداناش برگزید. به همین دلیل فرزندان وی همه در این بخش سکونت داشتند. بخش اجیاد (شامل اجیاد کبیر و صغیر در پشت کوه ابو قبیس) را به بنی مخزوم داد. منطقه مسفله مکه در اختیار بنی جمح قرار گرفت و بنی سهم در ثنیه سفلی، که امروزه به نام «شبیکه» معروف است، سکونت داده شدند. طایفه بنی عدی را (که عمر از آن تیره است) در پایین ثنیه مزبور، جایی که امروزه به جبل عمر معروف است، سکونت داد. (۵)

ابرهه و مکه

قبایل عرب در گوشه و کنار جزیره العرب برای زیارت و تجارت به مکه می آمدند. برخی از آنها که تمایل به چنین کاری نداشتند، کعبه‌هایی در دیار خود ساخته بودند. گفته‌اند که تعداد این کعبه‌ها بیش از ده بوده است که البته مورد توجه چندانی قرار نمی گرفتند. زمانی که ابرهه حبشی بر یمن تسلط یافت، همین حسادت در او پدید آمد، وی که مسیحی بود، خواست تا عربها به جای زیارت کعبه به زیارت کلیسای ساخته او بروند. به نظر می رسد او در پی توسعه مسیحیت بوده است. اما وقتی با مقاومت عربها روبرو شد، تصمیم گرفت به مکه حمله کند و کعبه را ویران سازد. این واقعه در سالی که رسول خدا-ص- متولد شد (عام الفیل)، رخ داده است. ابرهه به مکه حمله کرد، اما به قدرت الهی گرفتار عذاب گشت و خود و سپاهیانش کشته شدند. سوره فیل در قرآن به این واقعه مهم تاریخی اشاره کرده است. پس از این قضیه بر اهمیت کعبه افزوده شد و عربها احترام بیشتری به آن و ساکنان مکه می گذاشتند.

بنای کعبه به دست قریش

زمانی که رسول خدا-ص- سی و پنج سال داشت، کعبه به دنبال جاری شدن سیل از طریق معلاۀ مکه به سمت مسجد الحرام ویران شد.

پس از آن، قریش اجتماع کردند و مصمم بر ساختن مجدد آن شدند. آنان شرط کردند که در ساختمان خانه جز مال حلال به کار نگیرند، اما چون مال حلالی که به دست می آمد کافی نبود! از این روی هر طایفه از قریش ساختن گوشه‌ای از آن را به عهده گرفت و بدین سان ساختمان کعبه سامان یافت. آنگاه که ساختمان کعبه به پایان آمد، نوبت به نصب حجر الاسود رسید، سنگ مقدسی که بسیار مورد عنایت بود. آنان در نصب سنگ با یکدیگر مجادله کردند و نزدیک بود که به کشتار منجر شود، اما درایت رسول خدا-ص- باعث شد تا سنگ را در پارچه‌ای نهادند و هر کس گوشه‌ای از آن را گرفت و تا نزدیکی محل نصب آوردند. آنگاه رسول خدا-ص- آن را گرفته، در جایگاه خود قرار داد.

ارتفاع کعبه در این بنا تا ۸/۶۴ متر رسید. سقفی نیز برای آن قرار داده شد که آب آن به وسیله ناودانی، در ناحیه‌ای که حجر اسماعیل قرار داشت و اکنون نیز همانجاست، می ریخت. داخل کعبه نیز با رنگ آمیزی و تصاویری از ابراهیم و نیز مریم مقدس در حالی که عیسی-ع- را در بغل داشت! تزیین شده بود.

از مهمترین وقایعی که در فاصله ساختن کعبه به دست قریش تا ظهور اسلام در مورد کعبه روی دادن، تولد امیر مؤمنان علی-ع- در خانه کعبه است. در این باره نقلهای تاریخی بسیاری وجود دارد که جای تردید برای

محققان باقی نمی‌گذارد. این شرافتی است برای امیر مؤمنان-ع-و مادرش فاطمه بنت اسد که رسول خدا-ص-او را چونان مادرش دوست می‌داشت، چرا که بهر روی رسول خدا-ص-بخشی از دوران طفولیت را در خانه ابو طالب سپری کرده بود.

پی‌نوشتها

۱- در این باره نگاه کنید به فصلنامه «میقات حج»، ش ۲، صص ۲۱۹-۲۰۵. در آنجا فهرستی از نامهای مکه هم آمده است. مقاله مفصل‌تر از محمد مهدی فقیهی تحت عنوان نامهای مکه در فصلنامه «میقات حج» ش ۴، صص ۱۵۱-۱۳۲ به چاپ رسیده است.

۲- حج: ۲۶

۳- حج: ۲۷

۴- بقره: ۱۲۷

۵- فاکهی، اخبار مکه، ج ۳، ص ۲۶۰

۲- مکه و کعبه بعد از اسلام

ظهور اسلام در مکه تا هجرت

محمد، پیامبر خدا در عام الفیل متولد شد و با تولد او نور خداوندی بر کره خاکی تابیدن گرفت. طاق کسری فرو ریخت، دریاچه ساوه خشکید و آتش آتشکده فارس خاموش شد. آن حضرت، پدر بزرگوارش را ندید و مادرش نیز در ششمین سال تولد او زندگی را بدرود گفت. تا دو سال جدش عبدالمطلب، شخصیت برجسته مکه، سرپرستی او را بر عهده داشت و آنگاه که او در گذشت، ابو طالب، عموی بزرگوارش وی را سرپرستی کرد. در بیست و پنج سالگی خدیجه را به همسری برگزید و پس از گذشت پانزده سال از این پیوند، (در چهل سالگی) به پیامبری برانگیخته شد. او فردی مورد اعتماد، امین و صادق بود که در اواخر هر سال، یک ماه را به عبادت در غار حرا بسر می‌برد و هرگز کسی از وی خاطره‌ای بد در ذهن نداشت. پیامبر تا سه سال دعوت آشکار نداشت و توانست به طور مخفی، جمعی از مردمان پاک فطرت را به دین مبین اسلام در آورد. نخستین مسلمان، علی-ع- و دومین آن، حضرت خدیجه کبری-سلام الله علیها- بود. با آشکار شدن دعوت، دشمنی قریش نیز آغاز شد. ابو جهل، عتبه بن ربیع و ابو سفیان بدترین آزارها را نسبت به وی و پیروانش رساندند؛ اما آنان نیز سر سختانه مقاومت کردند.

در سال پنجم بعثت، گروهی از مسلمانان مخفیانه از مکه هجرت کردند و با عبور از دریای سرخ، به حبشه رفتند تا از فشار مشرکان در امان باشند. سالهای پس از آن، پیامبر-ص- در تحت حمایت ابو طالب و دیگر افراد بنی هاشم-غیر از ابو لهب- در مکه زندگی می‌کرد. حمایت ابو طالب نقش بسیار مهمی در حفاظت از رسول خدا-ص- داشت. زمانی که قریش نتوانستند ابو طالب را به ترک حمایت از رسول خدا-ص- وادار کنند، پیمان اتحادی را بر ضد بنی هاشم امضا کردند. این پیمان که در سال هفتم بعثت امضا شد، بنی هاشم را محصور در شعب ابی طالب کرد و قریش از داشتن روابط اقتصادی و خانوادگی با آنان خودداری کردند. شکستن این پیمان از دید قریش تنها زمانی ممکن بود که بنی هاشم دست از حمایت رسول خدا-ص- بردارند و او را به قریش تحویل دهند!

سر انجام پس از سه سال سختی و مرارت، قریش با سرافکندگی پیمان خود را لغو کرده و بنی هاشم با سرافرازی زندگی عادی خود را از سر گرفتند.

دیری نپایید که دو یار دیرین پیامبر، ابو طالب و خدیجه، یکی پس از دیگری رحلت کردند و سال دهم بعثت به مناسبت درگذشت این دو یار، «عام الحزن» یعنی سال اندوه نامگذاری شد.

در سال یازدهم بعثت بارقه امیدی از سوی یثرب درخشید و تنی چند از مردم آن سرزمین با اسلام آشنا شدند. سپس در سالهای دوازدهم و سیزدهم بر شمار آنها افزوده شد. بدین ترتیب، اسلام که در مکه و در کنار خانه خدا در حصار مشرکان بد طینت زندانی شده بود، در بیرون مکه و در یثرب خود را آزاد یافت.

مکه خاطره سیزده سال نخست بعثت را به همراه دارد که در یک سو دشمنان مشرک رسول خدا-ص- قرار داشتند و در سوی دیگر آن حضرت با یارانی معدود اما مقاوم که در زیر شکنجه‌های سهمگین مشرکان فریاد «احد، احد» آنان فضای شهر مکه را پر کرده بود. آن زمان قبله مسلمانان به سوی بیت المقدس بود، اما مسجد الحرام و کعبه مقامی بس والا داشت.

رسول خدا-ص- در سال سیزدهم بعثت، به دعوت مردم یثرب راهی آن دیار شد و مکه برای مدتی کوتاه در اختیار مشرکان قرار گرفت. بعدها در سال هفتم هجرت بود که توانست سه روز برای عمره به مکه درآید، و سر انجام، در سال هشتم هجرت این شهر را، که مرکز توحید ابراهیم بود، از لوٹ وجود مشرکان نجس و بتها پاک گرداند.

پیش از آن، در سال دوم هجرت، قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر کرد و این نشان داد که مکه و کعبه پایگاه اصلی اسلام بوده و خواهد بود. این اقدام علاوه بر پیروزی فرهنگی بر یهود، پیروزی بر قریش نیز بود که کعبه را در انحصار خود و عقاید شرک آلودشان قرار داده بودند.

توسعه مسجد الحرام در سال هفدهم هجرت

پیروزی اسلام در مکه، باعث شد تا خانه خدا و اطراف آن، از لوٹ بتها پاک شود و اذان بلال که شعار توحید بود، در فضای مکه طنین افکند. تا این زمان هیچ حصارى در اطراف مسجد الحرام نبود. تنها در اطراف کعبه، آن سوی محدوده‌ای که برای طواف وجود داشت، خانه‌های عربها بنا شده بود. با گسترش اسلام و افزوده شدن بر شمار مسلمانان، احساس شد که باید محدوده طواف وسیع‌تر شود. از این رو، خلیفه دوم دستور داد تا خانه‌های اطراف را بخرند و خراب کنند و به محدوده مسجد بیفزایند. همچنین، او دستور داد تا دیواری در اطراف مسجد بکشند و درهایی نیز در آن گشوده شود و مشعلهایی بر فراز دیوارها نصب گردد تا در شب روشنائی دهد. پرده‌های جدید کعبه جای پرده‌های پیش را گرفت و از آنجا که کعبه و مسجد در معرض سیل بود، کوشش شد تا سیل بندهایی در اطراف آن احداث شود تا از هجوم آب و سرازیر شدن آن به مسجد جلوگیری کند. در این زمان به مردمی که در اطراف کعبه ساکن بودند دستور داده شد بناهای خود را بالاتر از کعبه نبرند تا موقعیت کعبه و مسجد نمایان باشد.

پس از توسعه‌ای که خلیفه دوم در سال هفدهم هجری صورت داد، خلیفه سوم در سال بیست و شش هجرت، بار دیگر به محدوده مسجد افزود. او دستور داد تا خانه‌هایی را در اطراف مسجد بخرند و آنها را ضمیمه مسجد سازند. میان او و برخی از صاحبان خانه‌ها درگیری پیش آمد که سرانجام برخی از آنها راضی شدند و برخی نیز ناراضی باقی ماندند. خلیفه سوم، همزمان با توسعه مساحت مسجد، دستور داد تا رواق‌هایی نیز برای مسجد ساخته شود. تا آن زمان مسجد، یعنی محیط اطراف کعبه، بدون سقف بود و این نخستین بار بود که در بخش‌هایی از آن سقف ساخته شد.

تخریب و بنای مجدد کعبه در سال ۶۴ ه.ق.

در سال ۶۴ ه.ق. عبد الله بن زبیر شورش کرد و شهر مکه را به عنوان مرکز حکومت خود برگزید. سپاهیان شام که در پی براندازی حکومت زبیریان بودند، برای تصرف آن ابتدا به مدینه رفتند و پس از سرکوبی قیام آن شهر، به سوی مکه آمدند. آنها بر فراز کوه‌های اطراف رفته، شهر مکه را در حصار خود گرفتند و با نصب منجنیق، شهر مکه را با آتش و سنگ مورد حمله قرار دادند. در این درگیری‌ها، پرده کعبه آتش گرفت و پس از آن کعبه نیز ویران شد. در همین حال، خبر مرگ یزید به سپاهیان شام رسید و آنان باز گشتند.

عبد الله بن زبیر، علی رغم مخالفت برخی از اصحاب، باقی مانده دیوار کعبه را نیز برداشت و مجدداً از اساس آن را ساخت. او کوشید در بنای جدید، تغییری را که قریش در ساختمان کعبه داده و مقداری از مساحت آن را در سمت حجر اسماعیل کاسته بودند، به کناری نهد و کعبه را به همان شکل پیش از بنای قریش در آورد. بعلاوه، ابن زبیر در ناحیه حجر اسماعیل بر مساحت مسجد افزود و دو در برای کعبه قرار داد.

چند سال بعد، شهر مکه در سال ۷۳ ه.ق. به دست حجاج بن یوسف ثقفی گشوده شد و عبد الله بن زبیر به قتل رسید. حجاج بن یوسف با نوشتن نامه‌ای به عبد الملک بن مروان خلیفه وقت، از وی خواست تا اجازه دهد کعبه را به شکل قبلی در آورد و آنچه را که ابن زبیر بر آن افزوده بود، کم کند. عبد الملک اجازه داد تا کعبه مجدداً دارای یک در باشد و آن مقدار که از حجر اسماعیل داخل در کعبه شده بود، بر حجر افزوده شود. نوشته‌اند که بعدها عبد الملک از این دستور خود پشیمان شد، چرا که گفته می‌شد عبد الله بن زبیر بر اساس روایتی از رسول خدا -ص- آن تغییرات را ایجاد کرده بود.

سالها بعد، منصور عباسی در اندیشه بازسازی آن بر اساس بنای ابن زبیر بود که مالک بن انس او را از این کار نهی کرد و گفت که کعبه را ملعبه دست ملوک قرار ندهد، به طوری که هر روز کسی از آن کم و زیاد کرده، هیبت آن را از بین ببرد.

مصالح ساختمانی مورد استفاده در بنای کعبه، سنگهای سیاهی بود که از کوههای اطراف می‌آوردند. به همین دلیل بنای آن بسیار مستحکم و استوار است.

قرار گرفتن کعبه در امتداد وادی ابراهیم، سبب می‌شد که سیل به آن آسیب رساند. در اصل مسیر این سیل و وادی، همان طریق (راه) مسجد الحرام است که آب را به سمت حرم سوق می‌دهد. پیش از این از زمان صدر اسلام در محل مسجد الرایه که آن را مسجد الردم الاعلی می‌نامیده‌اند، سیل بندی ساخته می‌شد. با این حال بیشتر اوقات سیل به سوی مسجد الحرام روانه شده و آن را مملو از آب می‌کرد. مردم مکه برای هر یک از این سیلهای هولناک نامی انتخاب می‌کردند و شمارش آنها را داشتند. (۱) فهرست سیلهایی که تا سال ۱۳۵۰ قمری در مکه جاری شده و در کتابهای تاریخ ثبت گردیده، هشتاد و پنج سیل است. (۲) بعد از آن هم در سال ۱۳۸۴ سیل مهمی در مکه آمد که عکسهای آن باقی است.

در سال ۱۰۳۹ در مکه سیلی آمد که منجر به خرابی مهمی در بنای کعبه شد. گزارش این سیل و نیز گزارش تجدید بنای دیوارهای افتاده را ملا زین العابدین کاشانی از علمای برجسته شیعه در رساله کوچکی به نام «مفرحة الانام فی تاسیس بیت الله الحرام» نوشته است. (۳) او در آغاز رساله خود نوشته است:

«روز چهار شنبه نوزدهم شعبان ۱۰۳۹ سیل عظیمی داخل مسجد الحرام شد و آب به درون کعبه شریفه در آمد به قدر قامت فقیر و یک شبر و دو انگشت... و خرابی بسیار در مکه معظمه واقع شد و چهار صد و چهل و دو کس در سیل هلاک شدند؛ از آن جمله معلمی مع سی طفل در مسجد الحرام بوده و سیل از ابواب مسجد داخل می‌شده، نتوانسته‌اند که بیرون آیند و کسی نیز نتوانست به ایشان رسید و آب از سر ایشان گذشت...»

وی سپس شرحی مبسوط از چگونگی مسجد الحرام و تجدید بنای دیوار کعبه و نقش خود در آن بیان کرده است. گویا از زمان آن تجدید بنا تا کنون، جز اصلاحات جزئی، بنای کعبه تعمیر نشده است. (۴)

توسعه مسجد الحرام در سال ۹۱ ه.ق.

ولید بن عبد الملک یکی از خلفای اموی است که خلافتش از سال ۸۶ تا ۹۶ ه.ق. به طول انجامید. وی در دوره‌ای حکومت می‌کرد که خزانه بیت المال مملو از غنائم و اموالی بود که به عنوان خراج از اطراف و اکناف به شام می‌رسید. او خلیفه‌ای بود اهل رفاه و علاقه‌مند به ساختن بناهای با شکوه و پر عظمت! از این رو، علاوه بر ساختن مسجدی در دمشق و توسعه مسجد النبی و بسیاری از اماکن مدینه، بر مساحت مسجد الحرام نیز افزود و آن را باز سازی کرد. ولید بن عبد الملک رواقهایی در اطراف مسجد ساخت و آنها را با ستونهایی عظیم

سرپا نگاه داشت. این ستونها به صورت زیبایی تزیین شده و در قسمتهایی از آنها طلا به کار رفته بود. ولید ناودان خانه خدا را نیز از طلا ساخت که اکنون هم به همین نام شهرت دارد.

ساختمان مسجد در عهد عباسیان

منصور، دومین خلیفه عباسی (خلافت از ۱۳۶ تا ۱۵۸ ه.ق.)، در سفری که برای حج به مکه آمد، مشاهده کرد که مسجد گنجایش جمعیت مسلمانانی را که برای ادای حج می‌آیند، ندارد. از این رو، مصمم شد تا با خریدن خانه‌های اطراف و ضمیمه کردن آنها به مسجد، به توسعه آن اقدام کند. مردمی که صاحب خانه‌های اطراف بودند با او مخالفت کردند، اما سپس به فروش خانه‌های خود رضایت دادند.

در این افزایش، مساحت مسجد، نسبت به آنچه پیش از آن بود، دو برابر شد. این افزایش در جهت شمال و غرب مسجد صورت گرفت. این بار نیز رواقهایی برای مسجد در اطراف آن ساخته شد. علاوه بر آن، مناره‌ای نیز در رکن غربی مسجد احداث گردید. تزیینات مسجد بر روی دیوارها و ستونها نیز قابل توجه بود. بنای مسجد در سال ۱۴۰ هجری خاتمه یافت.

مهدی عباسی فرزند منصور، (خلافت از ۱۵۸ تا ۱۶۹ ه.ق.) در سال ۱۶۱ ه.ق. مصمم به افزایش مجدد مساحت مسجد شد و خانه‌های بیشتری را خریداری و به مسجد ضمیمه کرد. همو بود که درهای متعددی را در اطراف مسجد گشود که تا قرن‌ها بعد به همان صورت باقی ماند. در نقشه‌ای، درها و اسامی آنها مشخص شده است.

مهدی عباسی در سال ۱۶۴ از کاردانان خواست که طراحی بیاوند تا مسجد از ناحیه جنوبی نیز وسعت یابد، به طوری که به صورت تقریبی، مسجد به شکل مربعی در آید که کعبه در میانه آن قرار گیرد. بدین ترتیب، مجدداً مساحت مسجد افزایش یافت و رواقهایی در اطراف آن ساخته شد و ستونهایی بر افراشته گردید. این ستونها هنوز بر جای مانده و کتیبه‌ای که یادگار دوره مهدی عباسی است بر آن باقی مانده است.

پس از مهدی عباسی، در زمان معتضد و مقتدر عباسی، قسمتهای کوچکی به بخشهای شمالی و غربی مسجد افزوده شد. و این در نقشه‌ای که خواهد آمد، نشان داده شده است. پس از آن، جز بازسازیهای اصلاحی که هر از چندی وسیله خلفا و امیران در مسجد الحرام صورت می‌گرفت، مساحت مسجد افزایش نیافت تا آن که در عهد سعودیها در دو مرحله، بر وسعت مسجد در حد بسیار زیادی افزوده شد. آخرین مساحتی که تا قبل از افزایش سعودیها برای مسجد ذکر شده، در حدود سی هزار متر مربع است.

مسجد الحرام در دوره سعودیها

در سال ۱۳۶۸ ه.ق.، عبد العزیز سعودی دستور داد تا مسجد را از هر سو توسعه دهند. این توسعه که از سال ۱۳۷۵ ه.ق. آغاز شد، مساحت مسجد را تا ۱۶۰۸۶۱ متر رساند. این مقدار مساحت برای جمعیت نمازگزاری بالغ بر سیصد هزار تن در نظر گرفته شده بود. تعداد درهای مسجد نیز در این افزایش تا رقم ۶۴ رسید.

در سال ۱۴۰۹ ه.ق.، ملک فهد مصمم شد تا با افزایش جدیدی در مساحت مسجد، از خود یادگاری بر جای بگذارد! این افزایش در سمت غربی مسجد صورت گرفت که شامل ۷۶۰۰۰ متر مربع بود.

در افزایش جدید، علاوه بر ساختمانهای زیادی که بنا شد، از نظر تزیینات و نیز وسایل رفاه برای رفت و آمد حجاج و همچنین ایجاد طبقه فوقانی، نصب وسایل تهویه، نور و... کارهای زیادی صورت گرفته است، به طوری که جز در قسمت مربوط به کعبه و برخی از ستونهای قدیمی، مسجد شباهتی به وضعیت سابق آن ندارد.

پی‌نوشتها

۱- فهرست سیلهای مکه تا قرن سوم را بنگرید در اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، صص ۱۰۴-۱۱۲. نیز فهرست سیل بندها را هم در همانجا ص ۱۱۲ ملاحظه فرمایید.

۲- ازرقی، اخبار مکه، ملحقات، ج ۲، ص ۳۲۶؛ همچنین بنگرید مقاله «حوادث تاریخی مکه» از محمد هادی امینی، فصلنامه «میقات حج»، ش ۱، صص ۷۲-۶۸ که درباره این سیلها و سیل بندها به تفصیل سخن گفته است.

۳- این رساله به کوشش مؤلف این سطور، در فصلنامه «میقات حج» سال دوم، شماره مسلسل پنجم چاپ شده است.

۴- روزهایی که مشغول تجدید تدوین این کتاب بودم، خبر رسید که در مسجد الحرام اطراف کعبه را با پردهای پوشانده و مشغول تعمیر آن هستند. هنوز گزارشی از نوع تعمیری که قرار است در آن انجام شود به دست ما نرسیده تا آن را ثبت کنیم.

بخشهای مسجد الحرام

ساختمان کعبه

پیشتر گفتیم که بنای کعبه از زمان عبد الله بن زبیر تاکنون، به همان شکل باقی مانده است. این بنا ۱۴/۸۵ متر ارتفاع دارد و طول قسمتی که در کعبه در آن سو واقع شده ۱۱/۵۸ و طول قسمت حجر اسماعیل ۱۰/۲۲ متر است. بنای کعبه از سنگهای سیاه و سختی ساخته شده که با کنار زدن پرده از روی آن، کاملاً آشکار است. پایه‌های آن از سرب مذاب ساخته شده و بدین ترتیب بنایی است محکم و استوار. کف داخلی خانه کعبه از سطح زمین به اندازه ۱/۵ متر بالاتر است. پیش از بنای قریش، کعبه دو در داشته است: یکی در ناحیه شرقی و دیگری در ناحیه غربی، که از یکی وارد و از دیگری خارج می‌شده‌اند، اما قریش تنها در ناحیه شرقی آن دری نصب کرد. همان گونه که گذشت بعدها ابن زبیر در دیگری نیز گشود که به وسیله حجاج بن یوسف بسته شد و اکنون نیز همان در باقی مانده است. این در تاکنون چند بار عوض شده، آخرین بار در سال ۱۳۹۸ ه.ق. به دستور خالد بن عبد العزیز در جدیدی ساخته و نصب گردید. ساختمان کعبه نیز از ششصد سال پیش تا قرن اخیر تعمیر نشده بود، ولی در سال ۱۳۷۷ ه.ق. به دستور سعود بن عبد العزیز در آن تعمیراتی صورت گرفت.

سقف کعبه به صورت دو سقفی است و با پایه‌های چوبی، که در میانه آن در یک ردیف قرار گرفته، نگهداری می‌شود. اطراف آن سنگهای مرمر نصب شده و در کنار آن پلکانی قرار دارد که برای رسیدن به سقف بالایی تعبیه شده است.

افزون بر توضیحی که گذشت توضیح ذیل را از زبان مسؤول فعلی کعبه که از خاندان آل شیبه بوده و اینان از پیش از اسلام سدانت کعبه را در اختیار داشته‌اند، می‌آوریم:

«بنای آن از سنگ سخت (الحجارة الصلبة الزقاء) است. ارتفاع آن در حدود پانزده متر (به طور دقیق ۱۴/۸۵) و طول جهتی که حجر (اسماعیل) در آن است و وجه برابرش ده متر و ده (به طور دقیق ۱۰/۲۲) سانتی متر است و طول دو ضلع دیگر دوازده (به طور دقیق ۱۱/۵۸) متر است. زاویه‌های کعبه نیز تقریباً به سمت جهات اربعه، شمال، جنوب، شرق و غرب است. حجر الاسود در ارتفاع یک متر و نیمی از زمین قرار گرفته و در کعبه نیز دو متری از زمین مطاف ارتفاع دارد و با نردبان باید بالا رفت. کعبه از دریا حدود ۳۰۰ متر بالاتر است و موقعیت آن در ۲۱ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و درجه چهل و دقیقه نه طولی و شرقی است. محل کعبه تقریباً در وسط مسجد الحرام است و بیشتر به ضلع شرقی - جنوبی مسجد الحرام نزدیک است تا به دو ضلع دیگر.

اطراف کعبه، میدان مطاف است و این یک دایره مستطیلی است که قطر شمالی-جنوبی آن ۵۱ متر و قطر شرقی-غربی آن ۴۱ متر است. دایره مطاف که خارج از مستطیل کعبه است در غرب و جنوب با فاصله ۵۱ متر و شرق و شمال ۴۱ متر است. زمانی که ما در جهت شرقی از طرف باب السلام یا باب النبی وارد مسجد الحرام شویم و به کعبه نگاه کنیم، می‌بینیم این خانه، از پارچه‌ای سیاه که آیاتی از قرآن را بر آن بافته‌اند، پوشیده شده و با احتشام و جبروت جلوه کرده. این آیات قرآنی با رشته نقره‌ای طلا فام بر آن بافته شده و اطراف آن را گرفته است. کعبه نیز پوشیده از نقره‌ای است که با طلای خالص روی آن را گرفته و آیاتی که با طلای تمام بر روی آن برجسته شده است.» (۱)

پرده کعبه

گفته شده که برای نخستین بار حضرت اسماعیل-ع-پرده‌ای بر روی کعبه کشیده است. بعدها قریش نیز چنین می‌کردند و پرده‌داری کعبه برای آنان منصبی ویژه به حساب می‌آمد. رسول خدا-ص-نیز پس از فتح مکه پرده آن را عوض کرد. بعدها همیشه یکی از کارهای خلفا و امیران توجه به همین پرده و تعویض سالانه آن بوده است. گفتنی است که بافتن پرده کعبه از نظر سیاسی، بسیار با اهمیت و برای بافنده آن مایه افتخار بوده است. در میان دولتهای اسلامی، در زمانی که در هر گوشه‌ای از دنیای اسلام دولتی حاکم بود، آنهایی موفق به داشتن این افتخار می‌شدند که از قدرت سیاسی بالاتری برخوردار بودند. زمانی که دولت سعودی قوام یافت، کوشید تا خود این اقدام را انجام داده و به این وسیله نفوذ دیگر دولتها را در زمینه امور دینی حج قطع کند. به هر روی گزارش زیر درباره وضعیت پرده در دوران سعودی است:

«زمانی که عبد العزیز در سال ۱۳۴۳ ه.ق. برابر ۱۹۲۴ م. زمام امور حجاز را به دست گرفت، در سال ۱۳۴۶ ه.ق. برابر ۱۹۲۷ م. فرمان داد تا کارگاه بافت ویژه‌ای برای تهیه و بافت جامه کعبه مشرفه احداث گردد و بی درنگ کار احداث آن در ماه محرم سال ۱۳۴۶ ه.ق. آغاز و در ماه رجب سال مذکور پایان یافت. در این کارگاه جامه کعبه تهیه گردید. این جامه از ابریشم طبیعی و خالص به وسیله سعودیها و هندیها بافته شد.

کارگاه مزبور به همین منوال همه ساله یک پوشش را برای کعبه مشرفه تهیه می‌نمود تا این که سال ۱۳۵۲ ه.ق. ۱۹۳۲ م. فرا رسید. در این سال نخستین جامه کعبه تنها به وسیله خود عربستان سعودی تهیه شد.

در سال ۱۹۵۸ م. بار دیگر مصر به تهیه جامه کعبه رغبت نشان داد و پس از اصرار مصر، ملک عبد العزیز موافقت نمود تا مصر به تهیه جامه کعبه بپردازد. اما بار دیگر مصر در سال ۱۳۸۱ ه.ق. ۱۹۶۱ م. روی علل سیاسی از آماده نمودن پرده امتناع ورزید و آنگاه ملک عبد العزیز تصمیم گرفت تا کارگاه بافندگی جامه کعبه را بار دیگر آغاز نماید. کارگاه مزبور از سال ۱۳۸۴ ه. کار خود را شروع کرد و تا امروز ادامه دارد.

عربستان سعودی در سال ۱۳۵۷ ه.ق. ۱۹۳۸ م. کارگاه تولید و آماده سازی پرده کعبه مشرفه را در مساحت ۱۵۰۰ متر احداث نمود. در ابتدا کلیه وسایل و ابزار آن دستی و معمولی بود، اما در سال ۱۳۹۲ ه.ق. ۱۹۷۲ م. دستور داده شد تا کارگاه جدید در مساحت صد هزار متر مربع احداث گردد، ملک فهد که در آن وقت پست معاون دوم رئیس شورای وزیران و وزیر کشور را عهده دار بود، سنگ بنای آن را گذاشت و در سال ۱۳۹۵ ه.ق. ۱۹۷۵ م. هنگامی که ولیعهد کشور بود آن کارگاه را افتتاح نمود.

کارگاه جدید شامل دو بخش است:

در بخش نخست آن پوشش داخلی کعبه و پرده و کمر بند آن بافته شده و روی آن به رشته های نقره ای طلا فام، تزیین می گردد، اما در بخش دوم آن که به ابزارهای مدرن مجهز می باشد، جامه خارجی کعبه مشرفه بافته می شود.

بخشهای دیگر این کارگاه عبارتند از:

- ۱- بخش بافندگی خودکار که در آن قالی ها و فرشهای مساجد تولید می گردد.
- ۲- بخش رنگ آمیزی که در آن ابریشم مورد استفاده جامه کعبه رنگ آمیزی می گردد.
- ۳- بخش اصلاح و مرمت کاری که عهده دار اصلاح ماشینهای بافت و ابزار مدرن در این کارگاه می باشد.

ویژگیهای جامه کعبه

جامه کعبه از ۵۴ قطعه ترکیب یافته که طول هر قطعه آن ۱۴ متر و پهنای آن ۹۵ سانتی متر است، مساحت کلی آن به ۲۶۵۰ متر مربع بالغ می گردد. کمر بند آن از ۱۶ قطعه ترکیب یافته و محیط آن ۴۵ متر و پهنای آن ۹۵ سانتی متر است.

برای تهیه جامه کعبه به ۶۷۰ کیلو گرم ابریشم سفید خالص نیاز است تا با ۷۲۰ کیلو گرم مواد رنگ آمیزی صورت گیرد، اما کمر بند و پرده دروازه کعبه رشته های نقره ای و طلا فام نیاز دارد که وزن مجموع آن به ۱۲۰ کیلو گرم می رسد.

کسوه کعبه دارای دو بخش است؛ یکی پوشش ظاهری که همیشه رنگ سیاه دارد و دیگر پرده داخلی که دارای رنگ غیر سیاه است.

پرده دروازه کعبه، که به «برقع» مسمی است، از عین پارچه ابریشمی سیاه ساخته شده و در روی آن آیات قرآن کریم نگارش یافته است و با عین رسم الخط در بالای آن نوشته شده است. این کسوه در مکه مکرمه ساخته شده و به کعبه مشرفه اهدا گردیده است. در پایین آن این جمله نقش گردیده است: «خادم الحرمين الشريفين الملك فهد بن عبد العزيز آل سعود تقبل الله منه».

هزینه تهیه جامه کعبه مشرفه به ۱۷ میلیون ریال سعودی بالغ می‌گردد.

آیات قرآن در روی جامه کعبه:

در روی جامه، کلمه «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله» در میان مربع‌ها با رشته‌های ابریشمی بافته شده، و در دو کنار راست و چپ آن، در میان مربع بزرگ لفظ «جل جلاله» بشکل شماره ۸ نقش گردیده است، و در خالیگاه آن لفظ «یا الله» نقش می‌باشد.

روی کمر بند کعبه و در قسمت شرقی آن با رشته‌های نقره‌ای طلافام، آیه مبارکه «و اذ جعلنا البيت مثابة للناس ...» تا «و تب علیا انک انت التواب الرحیم» با خط زیبا نقش گردیده است.

در قسمت جنوبی کمر بند، یعنی در میان رکن حجر الاسود و رکن یمانی، این آیه مبارکه نقش است: «بسم الله الرحمن الرحیم، قل صدق الله ...» تا «و الله شهید علی ما تعملون».

در قسمت غربی کمر بند، یعنی میان رکن یمانی و حجر اسماعیل، آیه مبارکه: «و اذ بانا لابراهیم ...» تا «و لیطوفوا بالبيت العتیق» نقش گردیده است. اما در قسمت شمالی کمر بند، این عبارت درج است: «هذه الکسوة صنعت فی مکه المکرمه بامر خادم الحرمين الشريفین».

در روی پرده دروازه کعبه، آیاتی از قرآن کریم مثل: رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا به اشکال گرد و مربع نقش گردیده است، و در پایین تر آن، آیه مبارکه: «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین» و پس از آن آیه الکرسی نقش یافته است.

همه این نوشته‌ها با رشته‌های نقره‌ای طلافام با خط زیبا و قشنگ نقش گردیده است. (۲)

در روایات اهل بیت، گرفتن پرده کعبه و تضرع و دعا در آن هنگام، مورد تاکید قرار گرفته و نقل شده است که حضرت علی بن الحسین -علیهما السلام- فراوان چنین می‌کرد.

تا اندی قبل بنی شیبه که سدانت کعبه در دست آنها بود پرده قدیم را گرفته میان خود تقسیم می کردند. آنها این کار تحت نظارت دولت انجام می دادند. اکنون گویا به دلایل خاصی که شاید مهمترین آنها جلوگیری از امر تبرک به پرده کعبه باشد، برخی از علمای وهابی پیشنهاد حفظ پرده و عدم تقطیع و تقسیم سالانه آن را داده اند. به دنبال آن قرار شده که پرده حفظ گردد و در برابر آن، دولت سالانه پولی به آل شیبه بپردازد.

ارکان کعبه

چهار زاویه کعبه به عنوان چهار رکن شناخته می شود. زمانی که کلمه «رکن» بدون پسوندی به کار می رود، مقصود همان رکنی است که حجر الاسود در کنار آن قرار دارد. در انتهای ضلعی که در کعبه واقع است، رکن عراقی و در سوی دیگر حجر اسماعیل، رکن شامی و پس از آن، رکن یمانی قرار دارد. به عبارت دیگر، در دو سوی حجر اسماعیل، رکن شامی و عراقی است و در دو رکن مقابل آن، رکن یمانی و رکن حجر الاسود قرار گرفته است.

از میان این چهار رکن، فضیلت رکن یمانی و رکن اسود از دو رکن دیگر بیشتر است. روایات زیادی از شیعه و سنی درباره فضیلت و اهمیت این رکن نقل شده است. در روایتی از امام باقر ع- نقل شده که رسول خدا ص- دو رکن یمانی و اسود را استلام می کرد و آنها را می بوسید و صورتش را بر آنها می نهاد. در روایتی دیگر از امام صادق ع- آمده که رکن یمانی دری از درهای بهشت است و از روز گشوده شدنش، بسته نشده است. همچنین، رکن یمانی از موارد استجاب دعا ذکر شده است.

حجر الاسود

حجر الاسود یا سنگ سیاه، جزئی بسیار مقدس از مسجد الحرام است که در کنار کعبه قرار گرفته. از زمان بنای کعبه، حجر الاسود در کنار آن قرار داشته و پیش از اسلام و پس از آن، مورد اعتنای کامل بوده و به لحاظ همین تقدس است که رسول خدا ص- آن را نگاه داشت و دیگر سنگهایی را که به شکل بت ساخته شده بود، به دور ریخت. حجر الاسود، در جریان تخریب کعبه در اثر سیل در فاصله دوری از مسجد قرار گرفت. قریش برای نصب آن با یکدیگر به دشمنی پرداختند، اما همان گونه که گذشت- با درایت رسول خدا ص- همه قریش در فضیلت آن سهیم شدند و عاقبت به دست آن حضرت نصب گردید. به مرور زمان، از حجم نخستین این سنگ کاسته شد و حتی اجزای آن از یکدیگر جدا گردید. آخرین بار قسمتهای مختلف آن را به یکدیگر متصل کردند و آن را در محفظه ای نقره ای قرار دادند و تنها به آن اندازه که برای بوسیدن و استلام لازم بود، جای خالی گذاشتند.

در روایات بسیاری که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، حجر الاسود از سنگهای بهشتی دانسته شده که همراه آدم-ع-به زمین آمده است. همچنین، در روایتی از پیامبر-ص-حجر الاسود به منزله دست راست خداوند خوانده شده که در روی زمین قرار گرفته است و مردم با دست کشیدن روی آن و بوسیدنش، با خداوند بیعت و اطاعت خود را از او تثبیت می‌کنند. در نقلی از ابن عباس آمده است که اگر کسی با رسول خدا-ص-بیعت نکرد، و سپس حجر الاسود را استلام کرد، با خدا و رسول بیعت کرده است. در روایات آمده است: این سنگ در آغاز سفید بوده، که با رسیدن دست انسانهای گنه کار به آن سیاه گردیده است.

در سال ۳۱۷ ه.ق. یکی از فرقه‌های منسوب به اسماعیلی مذهب‌ان که به قرامطه شهرت داشتند، حجر الاسود را از کنار کعبه برداشتند و به احسا بردند. آنان به مدت ۲۲ دو سال-چهار روز کمتر-(تا سال ۳۳۹ ه.ق.) سنگ را در آنجا نگاه داشتند و سپس در عید قربان سال مزبور، آن را به جای نخست باز گرداندند. (۱) پس از آن، در طی سالهای پس از آن، حجر الاسود مکرر-به طور عمد یا غیر عمد-از جایش کنده شد و هر بار اجزائی از آن خرد و جدا شد. و باز به هم چسبانیده شد. اکنون مجموعه آن در هاله‌ای از نقره قرار داده شده است.

حجر الاسود در حال حاضر در کنار کعبه، در ارتفاع ۱/۵ متری زمین قرار دارد. در روایات بر استلام و بوسیدن حجر الاسود سفارش بسیار شده و در نقلها آمده است که رسول الله-ص-مقید به استلام و بوسیدن آن بوده است.

حجر الاسود نقطه آغاز و پایان طواف بوده و برابر آن سنگ سیاهی روی زمین تا انتهای مسجد کشیده شده است. به علاوه چراغی سبز رنگ بر دیوار مسجد برابر حجر الاسود نصب شده تا راهنمای طواف کنندگان باشد.

پی‌نوشتها

۱- مصاحبه با عبد العزيز بن عبد الله الشيبی، مجله الاسبوعية الحديثه، ۲۶ ذی قعدة- سال ۱۴۱۶

۲- مصاحبه با عبد العزيز بن عبد الله الشيبی، مجله الاسبوعية الحديثه، ۲۶ ذی قعدة- سال ۱۴۱۶

ملتزم

قسمتی از دیوار کعبه را که در یک سوی آن حجر الاسود و در سوی (۱) دیگرش درب کعبه قرار دارد، «ملتزم» می‌نامند. این محل از آن روی ملتزم نامیده شده، که مردم در آن قسمت به دیوار ملتزم می‌شوند و دعا می‌خوانند. در روایتی آمده است که رسول خدا-ص-صورت و دستهای خود را بر روی این قسمت دیوار قرار می‌داد. همچنین، از پیامبر نقل شده که فرمود: ملتزم، محلی است که دعا در آنجا مستجاب می‌شود و هیچ بنده‌ای نیست که در آنجا خدا را بخواند و خداوند دعایش را مستجاب نکند.

مستجار

درست در مقابل ملتزم، در سوی دیگر کعبه، دیوار کنار رکن یمانی را «مستجار» می‌نامند. زمانی که خانه کعبه دو در داشته، در دیگر آن در این محل بوده که مسدود شده است. اینجا نیز از مکانهای استجاب دعا شمرده شده و محلی است که مردم بدانجا پناه می‌آورند؛ به همین دلیل مستجارش می‌نامند.

حطیم

یکی از محل‌های مقدس مسجد الحرام، و در کنار کعبه، جایی است که آن را «حطیم» می‌نامند. مردم در این قسمت برای دعا جمع می‌شوند و به یکدیگر به سختی فشار می‌آورند. در این که آیا حطیم همان فضای میان حجر الاسود و باب کعبه است یا وسعت بیشتری دارد، اختلاف است. از روایات چنین استفاده می‌شود که قسمتی از سطح مسجد الحرام که تا دیوار کعبه امتداد می‌یابد، حطیم نامیده می‌شود. بنا به اظهار برخی از محققان، حطیم قسمتی است که از حجر الاسود آغاز شده، به سمت زمزم و از آنجا تا مقام ابراهیم و پس از آن حجر اسماعیل ادامه می‌یابد. این محدوده را تا دیوار کعبه حطیم می‌نامند. برخی حطیم را محدوده داخلی حجر دانسته‌اند. حطیم از آغاز مورد توجه مسلمانان بوده و مردم برای استغاثه و دعا در آنجا جمع می‌شده‌اند. خواندن نماز در این قسمت فضیلت بسیار دارد و مورد سفارش قرار گرفته است.

حجر اسماعیل

در فاصله میان رکن عراقی و شامی، دیواری است قوسی شکل با ارتفاع ۱/۳۰ متر که آن را «حجر اسماعیل» می‌نامند. حجر اسماعیل نیز یادگاری است از زمان ابراهیم و اسماعیل-علیهما السلام- که خانه کعبه را بنا کرده‌اند. بنابراین، قدمت آن به زمان بنای کعبه به دست ابراهیم-ع- می‌رسد.

نقلهای تاریخی حکایت از آن دارد که اسماعیل-ع-در همین قسمت، کنار بیت الله الحرام زندگی می‌کرده و خیمه‌گاه او در این سوی بوده است. مادرش هاجر نیز با وی در همین جا می‌زیسته و پس از رحلت، در همین حجر دفن شده است. از آنجا که حجر اسماعیل داخل در مطاف است، می‌تواند نشانه‌ای باشد بر عظمت آن. در اصل حجر اسماعیل جزئی از کعبه به شمار می‌آید. در بنای کعبه، حجر اسماعیل نیز بازسازی شده است. گویا نخستین بار، منصور عباسی حجر اسماعیل را با سنگهای سفید که در اطرافش نصب کرد، پوشانید. پس از آن، در دوره مهدی و نیز هارون عباسی این سنگها تعویض و نو شده است. ناودان طلا نیز که بر بام کعبه نصب شده در سمت حجر اسماعیل قرار دارد. (۲)

مقام ابراهیم

یکی از نقاط بسیار مقدس مسجد الحرام، محلی است به نام «مقام ابراهیم». این مقام، یکی از شعائر الهی خوانده شده و خداوند درباره آن فرموده است: «و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی.» (۳)

این مکان مربوط به زمانی است که ابراهیم-ع-دیوارهای کعبه را بالا می‌برد. زمانی که دیوار بالا رفت و دیگر دست بدان نرسید، سنگی آوردند و ابراهیم-ع-بر روی آن ایستاد و سنگها را از دست اسماعیل-ع-گرفت و دیوار کعبه را بالا برد. در روایت دیگری آمده است که ابراهیم بر روی این سنگ ایستاد و مردم را به حج فرا خواند. بر روی این سنگ اثری از انگشتان پای آن حضرت دیده می‌شود. این سنگ به شکل تقریبی، مربع است با طول و عرض ۴۰ سانتی متر و ارتفاع تقریبی ۵۰ سانتی متر و رنگ آن، رنگی میانه سفید و سیاه و متمایل به زرد است. از زمان مهدی عباسی بدین سو، این سنگ با طلا پوشانده شده و در محفظه‌ای قرار گرفته است تا صدمه نبیند.

در گذشته، بر روی این محل، قبه‌ای بزرگ از آجر و سنگ و چوب بنا شده بود که اطراف آن را با آیات قرآن مزین کرده بودند. از آنجا که این قبه قسمتی از مسجد را به خود اختصاص داده و از فضای مطاف کاسته بود، در سال ۱۳۸۵ ه.ق. به دستور دولت سعودی تخریب گردید و ضریحی کوچک بر روی آن ساخته شد. بدین ترتیب، مساحت مطاف، نزدیک به پنج متر افزایش یافت.

زمزم

چاه زمزم از دیگر آثار مسجد الحرام است که با نامهای: «چاه اسماعیل»، «حفیره عبد المطلب»، «شفاء سقم»، «عافیه»، «میمونه»، «طعم»، «برکه»، «بره» و... شناخته می‌شود. این چاه در سمت شرقی مسجد الحرام قرار دارد و همانند دیگر مشاهد حج، از آثار ابراهیم، اسماعیل و هاجر است. در روایات آمده است، پس از آن که

ابراهیم-ع-، همسر و فرزندش را ترک کرد، تشنگی بر آنها غالب شد و خداوند به وسیله جبرئیل، چاه زمزم را برای حفظ جان اسماعیل-ع- و هاجر پدید آورد. بدین صورت، چاه زمزم آیه‌ای است از آیات الهی.

در گذشته، این چاه آب مکه را تامین می‌کرد؛ گرچه بعدها چاه‌های دیگری نیز در مکه و اطراف آن ایجاد شد. عرب‌ها برای این چاه تقدس بسیار قائل بودند و حتی گویند که ساسان بن بابکان جد سلسله ساسانی نیز از این چاه آب نوشیده است! وجود این چاه و اهمیت آن برای مردم مکه، باعث شد تا در قریش منصب سقایت به وجود آید. این منصب در اوان ظهور اسلام، در دست عباس عموی پیامبر-ص- بود. گفته شده که در جاهلیت مدت زمانی این چاه پر شده بود و سپس عبدالمطلب آن را از نو گشود. از آن زمان تا به امروز این چاه مورد استفاده قرار می‌گیرد، گرچه هر از گاهی آب آن پایین و بالا می‌شود. در روایات اهل بیت-علیهم السلام-، نوشیدن از آب زمزم سفارش شده و همه مسلمانان به متبرک بودن آن باور دارند. اکنون دولت سعودی نیز ظرف‌هایی از آب زمزم را به عنوان هدیه در اختیار حجاج قرار می‌دهد.

هنگامی که بنی عباس سقایت را حق خانوادگی خویش می‌دانستند، قبه‌ای بر روی زمزم ساختند که قرن‌ها بر پا بود و بازسازی می‌شد. در طرح توسعه‌ای که در عهد سعودی‌ها به اجرا درآمد، در کنار تخریب قبه مقام ابراهیم، ساختمانی نیز که بر چاه زمزم بود، خراب شد و تنها پلکانی برای رفتن به زیر زمین و استفاده از آب نصب گردید. بعلاوه، آب زمزم به وسیله لوله کشی به خارج از مسجد الحرام انتقال داده شد. (۴)

مسعی

مسعی، محلی است که حجاج باید در آنجا میان کوه صفا و مروه، به سعی بپردازند. خداوند در قرآن از صفا و مروه به عنوان «شعائر الله» یاد کرده است. صفا و مروه دو کوه کوچکی است که در دامن کوه ابو قبیس و کوه قعیقان قرار دارد. امروزه خیابان‌های جدید آنها را از یکدیگر جدا ساخته و صفا را نیز دو نیم کرده است.

کوه صفا در قسمت جنوبی مسجد الحرام و کوه مروه در ناحیه شمال شرقی آن واقع است. با افزایشی که در مساحت مسجد الحرام صورت گرفت، مسجد به مسعی پیوند خورد و درهایی از طریق مسجد به مسعی گشوده شد. در روزگار ما، مسعی آخرین حد مسجد الحرام به حساب می‌آید.

سعی بین صفا و مروه نیز همانند دیگر مشاهد حج، یادگار اسماعیل و هاجر است: زمانی که هاجر برای یافتن آب، هفت بار میان کوه صفا و مروه رفت و برگشت. در جاهلیت نیز سعی بین صفا و مروه صورت می‌گرفت، جز آن که بتی در این سو و بتی در سوی دیگر قرار داشت که سعی کنندگان به آنها می‌رسیدند و بت‌ها را استلام می‌کردند؛ اسلام یادگار هاجر را نگاه داشت و آنچه را مشرکان از سر شرک بر آن افزوده بودند، به دور ریخت.

مسعی به دو قسمت رفت و برگشت تقسیم شده است. طول آن ۳۹۴/۵ و عرض آن ۲۰ متر است. ارتفاع طبقه اول ۱۲ و ارتفاع طبقه فوقانی آن ۹ متر است. شیعیان، همانگونه که در طبقه دوم و سوم مسجد الحرام طواف نمی‌کنند، در طبقه دوم مسعی نیز به سعی نمی‌پردازند.

در وسط این راه، قسمتی نیز برای افرادی که از راه رفتن عاجزند، احداث شده است. مسعی هیجده در دارد که شماری از آنها در سمت شرقی مسجد و برخی نیز به سمت خارج از حرم است. مجاری نسبتاً بزرگی هم در کناره مسعی تعبیه شده است تا در هنگام سیل، آب را به جهات دیگری هدایت کند و مسعی آسیب نبیند.

در حال حاضر بخشی از کوه صفا باقی مانده که سعی کنندگان، در هنگام رسیدن به آن، پای خود را به آن می‌زنند. گفتنی است که بخشی از کوه، زیر پای سعی کنندگان سنگ فرش شده و نیازی به این کار نیست. از کوه مروه تا سال ۱۳۷۴ شمسی (۱۴۱۶ ق.) بخشی مانده بود. در طی این سال بخش باقی مانده به هدف گسترش محدوده دور زدن سعی کنندگان برداشته شده و در انتهای آن دری به بیرون گشوده شده است. طبعاً بخشی از کوه مروه، در محل دور زدن زیر پای سعی کنندگان است. (۵)

مساجد تاریخی مکه

مقدمه‌ای درباره مساجد و اماکن متبرک

پیش از آن که به شرح مساجد متبرک و تاریخی مکه و مدینه بپردازیم، لازم است نکته‌ای را درباره «مسجد و تبرک» بیان کنیم:

رسول خدا-ص- نخستین بار در قبا مسجدی ساخت و پس از آن در مرکز مدینه مسجد النبی را بنا کرد، مسلمانان به دلیل آن که رسول خدا-ص- در این دو مسجد نماز خوانده، توجه و اعتنای کامل داشتند، به ویژه به محلی که آن حضرت نماز خوانده بود. پس از آن هر قبیله‌ای، در هر نقطه‌ای تصمیم به ساختن مسجد می‌گرفت، از آن حضرت دعوت می‌کرد تا در محلی از محله قبیله آنها نماز بخواند. پس از آن، قبیله مزبور همان نقطه را به عنوان مکانی متبرک مسجد می‌کردند. حتی خانه‌هایی که به دلیلی رسول خدا-ص- در آنها نماز خوانده بود، برای مسلمانان به عنوان محلی متبرک شناخته شد. بعدها مورخان و محدثان کوشیدند تا فهرست کاملی از مکانهایی که رسول خدا-ص- در آن نماز خوانده، به دست آورند. این کار دشواری نبود، زیرا از ابتدا تمامی این مکانها به صورت مسجد در آمده بود.

در سالهای پس از درگذشت آن حضرت، کسانی بر خلاف این اعتقاد، به بهانه آن که این قبیل امور منتهی به شرک می‌شود! از تبرک جلوگیری کردند. در آن سالها کسی به اعتراض این افراد محدود، وقعی ننهاد و همچنان این امکنه موقعیت خود را حفظ کرد تا این که در قرن هشتم ه.ق. یکی از علمای اهل سنت با ایجاد انشعابی جدید در مذهب مرسوم اهل سنت، عقاید تازه‌ای را مطرح کرد؛ این شخص که ابن تیمیه نام داشت، سخت به مساله «تبرک جویی» حمله کرده، نماز خواندن در مولد النبی، مسجد البیعه در منا و غار حرا و این قبیل مکانها را غیر جایز! شمرد. (۶) ابن تیمیه این قبیل کارها را شرک می‌دانست. علمای معاصرش، او را طرد کردند.

اندیشه کهنه ابن تیمیه، بار دیگر در اواخر قرن دوازدهم هجری، توسط محمد بن عبد الوهاب در سرزمین نجد احیا شد و اکنون مذهبی که در دنیای اسلام به نام «وهابیت» شهرت دارد و حاکم بر جزیره العرب است، مروج این اندیشه می‌باشد.

تنها نکته‌ای که در این مختصر، در برابر این اندیشه و در مورد این اماکن مطرح می‌کنیم این است که مهمترین دلیل بر نادرستی اندیشه وهابیت، باقی ماندن محل مکانهایی است که رسول خدا-ص- در آنجا نماز خوانده است. این به خاطر تلاشی است که سلف صالح از صحابه به بعد در حفظ این مکانها داشته‌اند. اگر کسی همچون پیروان مذهب وهابیت بر این باور است که باید پیرو سلف صالح بود، چگونه می‌تواند این اقدام آنها را در حفظ این اماکن نادیده بگیرد؟ زمانی که خانه عتبان بن مالک که یکبار رسول خدا-ص- در آنجا نماز خوانده، بیش از دوازده قرن باقی می‌ماند، چطور ممکن است اظهار کنیم که آنها باور به متبرک بودن محل نماز خواندن رسول خدا-ص- نداشته‌اند؟

جالب است که در صدر اسلام کسانی از زائران، در پیش چشمان همین تابعین و سلف، در زیارت از مسجد قبا، درست همان کوچه‌ها و راههایی را طی می‌کردند که رسول خدا-ص- در زیارت از این مسجد و نماز خواندن در آن طی کرد. (۷) جالب‌تر آن که صحابه و تابعین، کوشیده‌اند تا فهرست هر جایی را که رسول خدا-ص- قدم گذاشته ثبت کنند. فاکهی فهرستی از این اماکن را تحت عنوان «المواضع التي دخلها رسول الله-ص-» در کتاب خود از قول راویان اخبار آورده است. (۸)

نکته دیگر آن که دولت سعودی راه جدیدی را که میان مکه و مدینه ساخت، طریق الهجره نامید. این خود به نحوی مساله تبرک را مطرح می‌کند. شاید به همین دلیل بود که برخی از متعصبان، احیای این نام را برای این راه نوعی شرک دانستند. (۹)

طبیعی است که افراط در هر امری مذموم است و نباید مسائل کم اهمیت بیش از مسائل اساسی مذهب مورد توجه قرار گیرد، اما این دلیل نمی‌شود که ما شیوه‌ای را که مورد پسند سلف از صحابه و تابعین و علمای اهل

بیت و پیشوایان معصوم-علیهم السلام-بوده، به عنوان شرک کنار بگذاریم و اگر خود باوری داریم، با وجود اعتقاد میلیون‌ها مسلمان به تبرک، آن هم از هر مذهب و مرام که در حوزه اسلام قرار دارد، عقیده خویش را بر آنها تحمیل کنیم.

پی‌نوشتها

- ۱- شرح مفصل این واقعه تحت عنوان «فتنه قرامطه در مکه» در فصلنامه «میقات حج» شماره پنجم به قلم آقای یعقوب جعفری تحریر شده است.
- ۲- درباره حجر اسماعیل بنگرید به مقاله‌ای با همین عنوان از محمد امین پور امینی در فصلنامه «میقات حج»، ش ۸، صص ۱۱۶-۱۰۲ و ش ۹، صص ۱۳۰-۱۰۷
- ۳- بقره: ۱۲۵
- ۴- درباره زمزم ملاحظه فرمایید مقاله «زمزمه زمزم» از سید علی قاضی عسکر، فصلنامه «میقات حج» ش ۱۰، صص ۸۴-۱۰۵ و مقاله «چاه زمزم» در فصلنامه «میقات حج»، ش ۵، صص ۱۴۸-۱۳۷
- ۵- درباره کوه صفا و مروه بنگرید مقاله «صفا و مروه» از سید علی قاضی عسکر در فصلنامه «میقات حج»، ش ۹، صص ۱۰۶-۸۸
- ۶- اقتضاء صراط المستقیم، ص ۴۲۴
- ۷- تاریخ المدینة المنوره، ج ۱، ص ۵۷
- ۸- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۹۱
- ۹- مجموع فتاوی و مقالات بن باز، ج ۳، ص ۳۳۴

مساجد داخل مکه

مسجد الجن

این مسجد مشهورترین و مسجد کهن مکه است. موقعیت آن در پایین کوه حجون به متحرم، حدود پنجاه متر بعد از پل حجون و در حاشیه قبرستان حجون است. خیابان کوچکی است در کنار مسجد با نام «شارع مسجد الجن» که هنوز تابلوی قدیمی آن بر دیوار وجود دارد.

از نامهای دیگر این مسجد، «مسجد الحرس» است. به نقل از رقی، این نام از آن جهت است که صاحب الحرس، که در مکه گشت شبانه داشت، به این محل می آمد و در آنجا با عرفا-چهره های شناخته شده و برگزیده قبائل- و حراس دیگر، از شعب عامر و ثنیة المدنین، دیدار می کرد.

بنا به نقل برخی از روایات، نامگذاری آن به مسجد جن به جهت رابطه ای است که با سوره جن دارد. می دانیم که سوره جن یکی از سوره های قرآن است. خداوند در این سوره فرموده است: جنها آیات الهی را شنیده و به آنها ایمان آوردند. (۱) گویا این آیات در محلی که به نام مسجد جن شهرت دارد، نازل شده است. برخی نامیده شدن آن را به مسجد البیعه، به دلیل بیعت جن با آن حضرت دانسته اند.

برخی روایات تاریخی به این نکته اشاره کرده اند که رسول خدا-ص- محل مسجد را برای عبد الله بن مسعود مشخص و معین فرمود.

از تاریخ بنای این مسجد، اطلاعی در دست نیست، اما می دانیم که مسجد در قرن دوم و پس از آن، به همین نام سرپا بوده و مورخان در طول قرون مختلف از آن یاد کرده اند.

مسجد جن در ناحیه شمالی مسجد الحرام، اندکی پس از پل حجون، واقع شده است. در شرق مسجد، خیابان مسجد الحرام و در غرب آن، خیابان جن قرار دارد و مسجد تقریباً در محل تلاقی این دو خیابان قرار گرفته است.

محل فعلی مسجد دقیقاً در محل قبلی آن است و در بازسازی جدید، مساحت آن به ۶۰۰ متر مربع رسیده است. بنای مسجد محکم و مناره ای در رکن شمال شرقی آن قرار دارد.

مسجد الاجابه (مکه)

این مسجد پایین‌تر از میدان معابده، در ابتدای شارع ابطح، در طریق مسجد الحرام و در ابتدای شارع الاجابه واقع است. مسجد الاجابه از مساجدی است که فاکهی در قرن دوم از آن یاد کرده است. در اصل، این مسجد در آغاز شعبی واقع شده است که در تاریخ به نام شعب آل قنفذ شناخته می‌شود. این شعب در درون کوه العیر قرار دارد.

مسجد مزبور در شمار مساجد کهن شهر مقدس مکه است. نامهای مختلف این مسجد عبارتند از «مسجد آل قنفذ»، «مسجد الاجابه» و «مسجد الاستراحه».

فاکهی می‌نویسد: در این شعب، خانه آل خلف بن عبد الله بن سائب بوده که به آنها آل عبد ربه بن السائب می‌گویند و در برابر قصر محمد بن سلیمان قرار دارد. نام دیگر آن شعب اللثام است. این همان شعبی است که دست چپ تو بالای باغ خرمان است و این زمان خانه خلفیین از بنی مخزوم است. حضارمه (مردمان منسوب به حضرموت) هم در این شعب سکونت دارند. شعب مزبور به شعب الخلفیین شناخته می‌شود. در آنجا مسجدی است که گفته می‌شود رسول خدا -ص- در آنجا نماز خوانده است. از زهیر بن قنفذ نقل شده که پیامبر، روز را در غار حرا بسر می‌برد و شب از حرا پایین آمده به (محل) مسجد می‌رفت که پشت‌خانه ابو عبیده بود و به شعب الخلفیین شهرت داشت. در این وقت خدیجه هم از مکه می‌آمد و آنها در نزدیکی این شعب با یکدیگر بودند تا از یکدیگر جدا شوند. (۲)

درباره این مسجد چند نکته گفتنی است:

نخست آن که: باغ خرمان در برابر مسجد الاجابه، اندکی به سمت حرم بوده و اکنون دقیقاً جایی است که شهرداری مکه (امانة العاصمة المقدسة) در آن قرار گرفته. اندکی از خیابان به سمت ریع اذخر را نیز باید داخل در باغ خرمان دانست.

دوم آن که: مسجد الاجابه حداقل تا قرن سوم به این نام شهرت نداشته است. آنچه فاکهی آورده عنوان «مسجد آل قنفذ» است.

سوم آن که: کتیبه‌ای در مسجد الاجابه موجود است که اشاره به بازسازی آن دارد که قرن دهم هجری است به علاوه دو بیت شعر نیز درباره بازسازی این مسجد بر کتیبه‌ای دیگر در این سوی محراب آمده است.

ابن بطوطه در سفرنامه خود از مسجد الاجابه با این عبارت یاد کرده و می‌نویسد: آنجا مسجدی است که رسول خدا-ص- در سفر عمره، پس از بازگشت در آنجا استراحت کرد و اکنون مردم آن را از روی تبرک می‌بوسند. (۳) ابن فهد هم در حوادث سال ۷۲۰ نوشته است: در این سال مسجد الاجابه تعمیر شد. این مسجد سمت چپ رونده به سوی منا و در نزدیکی ثنیّه اذخر است و گفته می‌شود که رسول خدا-ص- در آن نماز خوانده است. (۴) همو در حوادث سال ۸۳۱ آورده: امیر سیف الدین شاهین عثمانی در این سال مسجد الاجابه را که در شعبی نزدیک ثنیّه اذخر است تعمیر کرد. (۵) چهارم آن که: تا این جا چند وجه درباره دلیل حضور رسول خدا-ص- در این محل، از عبارت دیگران نقل کردیم. یکی همان اشاره ابن بطوطه است که حضرت در بازگشت از عمره در اینجا استراحت کرده‌اند. دیگر آن که حضرت روزها در غار حرا مانده و شب را در اینجا با خدیجه-س- بوده است. ابن فهد هم نقل کرده است که گفته‌اند: جن‌ها در اینجا با رسول خدا-ص- دیدار کردند.

جمیل کتبی نویسنده معاصر مکی نوشته است: این مسجد را «مسجد الاستراحه» گفته‌اند چون مکانی است که رسول خدا-ص- در بازگشت از منا در روز سیزدهم در سفر حجّه الوداع، در اینجا استراحت کرده است. (۶) به نقل همو، گفته‌اند که حضرت در کودکی در اینجا گوسفندان را به چرا می‌آورده است. (۷) آشکار است که اینها اقوال شفاهی بوده که این نویسندگان از مردم می‌شنیده‌اند. مهم اشاره فاکهی است که گفته است: نقل شده که حضرت در اینجا نماز خوانده است.

در سال ۱۳۹۴ ه. ق. ساختمان قدیمی مسجد خراب گردید و بنای جدیدی در همان محل قبلی ساخته شد. بنای فعلی آن مربع شکل و دارای مساحتی در حدود ۴۰۰ متر مربع است. مناره‌ای نیز در محل اتصال دیوارهای جنوب و غرب آن قرار دارد. این مسجد از مساجد دایر مکه به شمار می‌آید.

مسجد المتکا

در میان مساجد شهر مقدس مکه، از مسجدی با نام مسجد متکا یاد شده است. این مسجد در اجیاد صغیر، در شعبی کوچک که به پشت کوه ابو قیس چسبیده بوده، قرار داشته است.

ازرقی در ذیل مدخل اجیاد صغیر می‌نویسد: این شعب کوچکی است که به کوه ابو قیس چسبیده و در برابر آن، اجیاد کبیر در ابتدای خانه هشام بن ابی العاص و خانه زهیر بن ابی امیه تا برسد به مسجد المتکا قرار دارد. (۸) همو در جای دیگری درباره مساجدی که حضرت در آنها نماز خوانده می‌نویسد: و مسجد باجیاد و موضع یقال له المتکا. پس از آن چند نقل آورده که عدم قطعیت موضع مذکور را به عنوان محل اقامه نماز پیامبر-ص- نشان می‌دهد. با این حال می‌نویسد: قطعی است که رسول خدا-ص- در اجیاد نماز خوانده است. (۹) محقق

کتاب اخبار مکه ازرقی نوشته است: مسجد المتکا در شعبی است که چاه عکرمه در آن است و آن در اجیاد صغیر، در دامنه کوه خندمه واقع شده است.

زهیر کتبی از نویسندگان معاصر نوشته است: مسجد متکا در این اواخر منهدم گردید و به جای آن هتل قاهره ساخته شد. این هتل هم پس از مدتی خراب شد و هتل کعکی جای آن بنا گردید. (۱۰) در حال حاضر روبروی باب اجیاد خیابانی است که ابتدای آن دست چپ کسی که از حرم داخل آن خیابان می‌آید مستشفی العام است. بعد از آن پلی است و پس از حدود یک صد متر دست راست، هتل کعکی است و روبروی آن هتل ایلاف قرار دارد که در ورودی آن هتل البته تا خیابان فاصله دارد. قاعد تا باید فاصل هتل کعکی تا مسجد الحرام بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر باشد.

مسجد شجره

مسجدی با این نام -جدا از مسجد شجره معروف که میقات است- در شهر مکه وجود دارد که در شمار کهن‌ترین مساجد این شهر است.

فاکهی در خبری آورده است: نقل کرده‌اند که رسول خدا در مسجد شجره نماز خوانده است. این مسجد پایین‌تر از محله یاجج قرار دارد. فاکهی در خبر دیگری آورده: هر زمان که عبد الله بن عمر به مکه می‌رفت، ابتدا در مسجدی فرود می‌آمد که شجره نزدیک آن بود. وقتی آن را خلوت می‌دید در آن نماز می‌خواند و اگر خلوت نبود به جای دیگری می‌رفت. فاکهی سپس ضمن شعری آورده که یاجج در بطحا بوده است. (۱۱) بطحا در محوطه‌ای میان میدان معابد فعلی تا حوالی مسجد الجن است. (۱۲) این هم گفتنی است که عبد الله بن عمر مقید بود که هر کجا رسول خدا -ص- توقف کرده یا نماز خوانده، نماز بخواند.

فاکهی در جای دیگری آورده: از جمله مساجدی که نماز خواندن در آنها مستحب است و آثار رسول خدا -ص- در آن هست، مسجدی است که آن را مسجد شجره می‌خوانند. این مسجد در قسمت اعلائی مکه در پشت دار منارة البیضا، در کنار کوه و در برابر حجون و مقابل مسجد الحرس (مسجد الجن) است. در آنجا درختی بوده که رسول خدا -ص- آن را صدا کرده و درخت نزد آن حضرت آمده است. وی سپس پنج روایت درباره این معجزه پیامبر -ص- در محل مسجد مزبور نقل کرده است. (۱۳) در یکی از این روایات آمده است که حضرت رکانه بن عبد یزید بن هاشم را به اسلام دعوت کرد. او گفت: ایمان نخواهم آورد تا درخت را صدا کنی و او نزد تو آید. حضرت روی به درخت کرده فرمودند: به اذن خداوند نزد من آی! و درخت نزد آن حضرت آمد.

ازرقی هم از مسجد شجره یاد کرده و نوشته است که آن مسجد در برابر مسجد الجن است. آنگاه اشارتی به معجزه حضرت رسول-ص- در آنجا کرده است. (۱۴) زهیر کتبی درباره وضعیت فعلی مسجد شجره می‌نویسد: این مسجد در همسایگی مسجد جن (در مسیر شخص عازم حرم) و در نزدیکی میدان سلیمانیه (و اکنون پل سلیمانیه) قرار دارد. نام فعلی آن مسجد، مسجد الجن دراوی (منسوب به ابراهیم جندراوی) است (۱۵) مسجد مورد نظر، حدود صد متر پایین‌تر از مسجد جن و در امتداد شارع الجن و طریق مسجد الحرام، درست قبل از پل سلیمانیه است. طول و عرض تقریبی آن دوازده در بیست متر می‌باشد و در حال حاضر تابلوی مسجد رقم ۴۳ را نشان می‌دهد.

گفتنی است که روبروی مسجد شجره، مسجد کوچک دیگری است که باید کهن باشد، اما هیچ‌گونه آگاهی درباره این که ممکن است همان مسجد شجره باشد، نیافتیم.

مسجد ردم الاعلی یا مسجد الرايه

فاکهی در کتاب خود (اخبار مکه) از مسجدی با این نام یاد کرده است. «ردم» به معنای سد است. اعلی هم قسمت عالی مکه (المعلأه) یعنی همین طریق مسجد الحرام (مسیر منا) است در برابر مسفله که بخش پایین مکه از اجیاد به آن سو است. (۱۶) فاکهی می‌نویسد: این مسجد در بخش اعلائی مکه در کنار الردم الاعلی و در نزدیکی چاه جبیر بن مطعم بن عدی بن نوفل قرار داشته است. به این چاه «بئر العلیا» هم گفته می‌شده است. او می‌افزاید: گفته شده که رسول خدا-ص- در اینجا نماز خوانده است.

از یکی از صحابه نقل شده که رسول خدا-ص- را دیدم که نماز ظهر و عصر را در نزدیکی بئر علیا می‌خواند. عبد الله بن عباس بن محمد در این محل مسجدی بنا کرد و در کنارش حوضی ساخت که در آن آب ریخته می‌شد. برخی از فقه‌های مکه می‌گفتند که خانه‌های مکه قدیم از اینجا بالاتر نبوده و همه خانه‌ها بین مسجد الحرام تا اینجا بوده است. (۱۷) بئر جبیر بن مطعم هم که تا این اواخر بوده، طبق اظهار نظر محقق کتاب ازرقی در نزدیکی مسجد الحرام قرار داشته است.

در اینجا سیل بندی بوده که در مسیر وادی ابراهیم قرار داشته است. مسیر این سیل، درست در طریق مسجد الحرام قرار داشته و از کنار کعبه می‌گذشته و به سمت اجیاد می‌رفته است. ایجاد این سد برای حفاظت از خانه‌های مردم و خانه خدا بوده است.

فاسی در ذیل حوادث سال ۶۰۱ نوشته است که در این سال مسجد الرايه تعمیر شد. (۱۸) ابن فهد در ذیل حوادث سال ۸۰۱ نوشته است که در این سال مسجد الرايه تعمیر شد. (۱۹) در سال ۸۵۲ نیز طی مراسمی از

محل مسجد الرایه تا مسعی شمع روشن کرده‌اند. (۲۰) بر پایه نظر عبد الملک بن دهیش محقق کتاب فاکهی، این مسجد همان است که اکنون در آغاز بازار جودریه- که ایرانیان آن را بازار ابو سفیان می‌خوانند- قرار دارد. یک سمت آن به سوی بازار و سمت دیگر در همان طریق مسجد الحرام است. مسجد مزبور بسیار بزرگ است و اکنون به نام مسجد الرایه شناخته می‌شود که نامی جدید است.

مسجد الرایه در سال ۱۳۶۱ ه.ق. نیز مجدداً باز سازی شده است. آخرین بار در سال ۱۳۹۴ ه.ق. به دلیل مشکلات طرحهای توسعه، محل آن اندکی تغییر کرد و اینک به ناحیه شمالی محل سابق انتقال یافته است! مساحت فعلی آن ۲۳۲ متر مربع است.

مسجد الغنم

فاکهی از محله‌ای در قرن مسقله- که گاه مصقله هم نوشته می‌شود یاد کرده و آن محلی است که رسول خدا- ص- پس از فتح مکه در آنجا نشست و مسلمان شده‌های شهر مکه با آن حضرت بیعت کردند. (۲۱) ازرقی آنجا را مسجدی می‌داند که پیامبر پس از فتح مکه در آن با مردم بیعت کردند. این مسجد در محله قرن مسقله بوده است. وی می‌نویسد: این مسجد در قسمت اعلائی مکه نزدیک سوق الغنم در قرن مسقله بوده است. (۲۲) محقق کتاب از ابن ظهیره نقل کرده که گفته است: وهذا المسجد لا يعرف الآن. (۲۳) اما همو در مورد دیگری در پاورقی نوشته است: سوق الغنم در قدیم در وادی بود که در شرق کوه الرقمتین قرار داشت و اکنون سوق الجودریه- به قول ایرانیها بازار ابو سفیان- نام دارد. در آنجا مسجد کوچکی است با نام مسجد الغنم، و بعید نمی‌نماید که همان مسجدی باشد که ازرقی از آن در محله قرن مسقله یاد کرده است. (۲۴)

گفتنی است که در ابتدای بازار مزبور، از سمت حرم به سمت بالا، دست چپ، زاویه کوچک حدود دوازده متری بوده که مصلی بوده و حدود دو سال پیش خراب شده و مغازه‌ای با نام السریحی للخردوات و الهدایا ساخته شده است. در جستجوی محدود ما مسجد دیگری در این منطقه شناخته نشد. شخصی از مغازه‌داران آن حدود گفت که این زاویه نامش زاویه الامام الطبری بوده است.

از این مسجد هم با عنوان مسجد البیعه یاد شده که عبد الملک دهیش معتقد بود از میان رفته است. عاتق بن غیث بلادی متخصص تاریخ مکه اظهار داشت که مسجد البیعه یا مسجد الغنم همان است که روبروی اداره تلفنخانه، پایین‌تر از پل حجون است. او گفت که قرن مصقله دقیقاً همانجاست. بدین ترتیب به طور دقیق نمی‌توان درباره محل این مسجد سخن گفت.

پی‌نوشت‌ها

- ۱-جن: ۱ و ۲
- ۲-فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۱۸۰ و ۱۸۱، نو نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۸۶ و ۲۸۷
- ۳-الرحله، ص ۱۶۴
- ۴-اتحاف الوری، ج ۳، ص ۱۷۲
- ۵-اتحاف الوری، ج ۴، ص ۲۰
- ۶-مکه فی وجدانی، ص ۱۰۲
- ۷-اتحاف الوری، ج ۴، ص ۲۰
- ۸-ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۹۰
- ۹-ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۰۲
- ۱۰-مکه فی وجدانی، ص ۹۹
- ۱۱-فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۳۴ و ۳۵
- ۱۲-فاکهی می‌گوید: بطحا منطقه میان مسجد حرس (جن) تا باغ خرمان (شهرداری فعلی مکه پایین‌تر از میدان معاوده) است. اینجا را ابطح می‌گویند. اخبار مکه، ج ۳، ص ۷۹
- ۱۳-فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۲۷-۳۰
- ۱۴-ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۰۱
- ۱۵-مکه فی وجدانی، ص ۱۰۱. در کتاب «مکه فی القرن الرابع عشر» از آن با نام «مسجد الدندراوی» یاد شده که باید خطا باشد.
- ۱۶-تمامی مشاعر مقدسه در قسمت معلا قرار دارد و به همین دلیل آن بخش بر بخش مسفله برتری و فضیلت دارد. نک: فاکهی، اخبار مکه، ج ۳، ص ۹۹
- ۱۷-فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۱۹
- ۱۸-شفاء الغرام، ج ۱، ص ۲۶۱، العقد الثمین، ج ۵، ص ۲۹۰
- ۱۹-اتحاف الوری، ج ۳، ص ۴۱۶، العقد الثمین، ج ۷، ص ۷۶
- ۲۰-اتحاف الوری، ج ۴، ص ۲۷۸
- ۲۱-فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۱۳۷
- ۲۲-ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۰۱
- ۲۳-ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۰۱
- ۲۴-ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۷۱

مسجد مختفی

تا سالها قبل، مسجدی در پشت‌خانه آن حضرت در شعب ابی طالب بوده که به نام «مسجد مختفی» شناخته می‌شده است. به نقل فاکهی، خانه ابو لهب در کنار خانه خدیجه و رسول خدا-ص- بوده است. (۱) او همراه همسرش به آن حضرت آزار می‌رساندند. فاکهی می‌نویسد: در خانه خدیجه سنگی خارج از خانه بود که بنا به نقل سلیم بن مسلم، یا فردی دیگر از مردم مکه، رسول خدا-ص- در وقتی که مخالفان از خانه عدی بن حمرا و خانه ابو لهب سنگ بر خانه آن حضرت می‌ریختند در پشت این سنگ مخفی می‌شد. اندازه این سنگ یک ذراع و یک وجب بوده است. (۲) این محل به «مسجد مختفی» شهرت داشته و تا قبل از خراب شدنش، در زمان روی کار آمدن عبد العزیز سعودی، بنای کوچکی داشته است.

فاسی از آن با عنوان «مسجد المختبی» یاد کرده و نوشته است: مسجدی در سوق اللیل در نزدیکی مولد النبی است که آن را مسجد مختبی گویند و مردم در ایام تولد آن حضرت به آنجا می‌روند. (۳) این هم گفتنی است که در زمان فاکهی، یعنی قرن سوم هجری، در شعب علی بن ابی طالب که در درون همان شعب ابی طالب قرار دارد مسجدی بوده که آثاری از رسول خدا-ص- در آن بوده است. فاکهی پس از نقل این خبر می‌نویسد: که معراج از شعب ابی طالب بوده است. (۴) اکنون این شعب به نام «شعب علی» که همان امام علی بن ابی‌الب-ع- است شناخته می‌شود.

مسجد حمزه

این مسجد منسوب به حمزه است و در منطقه مسفله، در نزدیکی تلاقی خیابان ابراهیم و خیابان حمزه بن عبد المطلب قرار دارد.

مسجد حمزه، مسجد کوچکی بود و در بازسازی آن، که به سال ۱۳۷۵ ه.ق. صورت گرفت، مساحتش به ۱۶۰ متر مربع رسید. حمزه بن عبد المطلب، عموی رسول خدا-ص- و از سرداران بنام سپاه اسلام بود. او در مکه به رسول خدا-ص- ایمان آورد و سبب تقویت اسلام در مکه شد. بعد از هجرت، در جنگ بدر شجاعانه جنگید و در جنگ احد به شهادت رسید. رسول خدا او را سید الشهدا نامید.

مسجد بلال

این مسجد منسوب به بلال است و بر فراز کوه ابو قیس بوده که مساحتی حدود یکصد متر مربع داشته است. در طرحهای جدید توسعه و بنای کاخهایی که برای میهمانان دولت سعودی بر فراز کوه ابو قیس ساخته شده، این مسجد از میان رفته و اکنون اثری از آن بر جای نمانده است!

بلال بن ابی رباح، از نخستین گروندگان به اسلام بود. او شکنجه‌های سخت از سوی مشرکان دید، اما مقاومت کرد و با فریاد «احد، احد» خود آنها را آزار داد. وی پس از فتح مکه، بر بام کعبه ایستاد و بانگ اذان سر داد. برخی هم گفته‌اند که روی کوه ابو قبیس اذان گفته و محل اذان گفتن وی مسجد شده است. چنین به نظر می‌رسد که بعدها کسی به یاد و نام بلال این مسجد را بر فراز ابو قبیس ساخته است.

مسجد ام هانی

ام هانی خواهر امیر مؤمنان -ع- و از زنان معروف قریش است که زمانی رسول خدا -ص- قصد داشت وی را به زنی بگیرد، اما او به دلایلی عذر آورد و رسول خدا -ص- نیز عذر او را پذیرفت. خانه وی در نزدیکی کوه صفا بوده است. گفته شده که خانه وی در توسعه مسجد الحرام در زمان مهدی عباسی به داخل مسجد افتاده است.

ازرقی نوشته است که بنی هاشم صاحب خانه ام هانی بوده‌اند که در نزدیکی مناره واقع شده و در توسعه مسجد در زمان مهدی عباسی در سال ۱۶۷ داخل مسجد قرار گرفت. (۵) دری از درهای مسجد الحرام نیز که در برابر این خانه بوده به نام «باب ام هانی» بنت ابی طالب نامیده می‌شده است. (۶) رسول خدا -ص- پس از فتح مکه، به اولین خانه‌ای که وارد شد خانه ام هانی بود. بعدها عبد الله بن مسعود هم که به مکه می‌آمد به خانه ام هانی می‌رفت. این نشان می‌دهد که خانه او، خانه‌ای بزرگ و اعیانی و محل استقبال از بزرگان بوده است.

با این حال در اواخر قرن نهم از مسجدی با نام مسجد ام هانی در نزدیکی حرم یاد شده (۷) که ممکن است در اصل نزدیک به خانه وی بوده باشد.

مسجدی در راه ذی طوی

فاکهی می‌نویسد: در شمار مساجدی که آثاری از رسول خدا -ص- در آنها هست، مسجدی است در ذی طوی، در سر دو راهی تنعیم و جده. مصحح در پاورقی نوشته است که این مسجد دست راست کسی قرار داشت که به سمت ذی طوی می‌رفت، درست سر دو راهی تنعیم -جده. اما در توسعه خیابان از بین رفته است؟! (۸)

مسجد ابو بکر

یکی دیگر از مساجد قدیمی مکه، مسجدی است منسوب به ابو بکر، گفته‌اند که رسول خدا -ص- به هنگام هجرت، که در شب به سوی غار ثور می‌رفت و ابو بکر وی را همراهی می‌کرد، حرکت خود را از آنجا آغاز نمود. این

مسجد نیز در منطقه مسفله در نزدیکی مسجد حمزه قرار دارد. مسجد مزبور از قرن سوم به این سو، در مصادر تاریخی یاد شده است.

مسجد فعلی در محل قبلی مسجد بنا شده و فاصله آن تا مسجد الحرام چند صد متر و مساحت آن در حدود ۱۶۰ متر مربع است.

مساجد اطراف مکه

مسجد تنعیم

در راه مکه-مدینه، منطقه‌ای است به نام نعمان که در میان دو کوه ناعم و نعیم قرار گرفته. این منطقه حدود دو فرسنگ با مکه فاصله دارد. تنعیم نام درختی است که در بادیه شناخته شده است.

مسجدی که در این ناحیه وجود دارد و به نام مسجد تنعیم شناخته می‌شود، از میقاتهای عمره مفرده است. زمانی این مسجد به نام مسجد عایشه هم شهرت یافته زیرا رسول خدا-ص-به او دستور داده بود تا از این محل محرم شود.

مسجد تنعیم در قرون گذشته مورد توجه مورخان و سفرنامه نویسان بوده و بارها بازسازی شده است. از جمله بازسازیها در دوره عثمانی انجام گرفته، ولی فاقد سقف بوده است. در سال ۱۳۹۸ ه.ق.، این مسجد بار دیگر بازسازی شد و مساحت آن حدود ۱۲۰۰ متر است.

مسجد علی-ع-در تنعیم

از این مسجد جز یک یادداشت مختصر چیزی نداریم و آن همان است که ابن فهد درباره ابن زبیر و محل محرم شدن او آورده است: عبد الله ابن زبیر از محلی در برابر مسجد عایشه که به مقدار یک تیر از آنجا فاصله داشته، محرم شد و این محل نزدیک مسجدی بود که منسوب به علی-ع-بوده است. (۹) گفتنی است که وی این مطلب را در ذیل حوادث سال ۶۴ هجری آورده است.

مسجد جعرانه

یکی دیگر از میقاتهای عمره مفرده، منطقه جعرانه است. رسول خدا-ص-پس از بازگشت از جنگ حنین برای مدتی قریب پانزده روز در جعرانه توقف نمود و غنایم جنگ با هوازن را میان مردم تقسیم کرد. در جعرانه

مسجدی وجود دارد که به نام مسجد الرسول معروف است. درباره این که آیا رسول خدا-ص- در محل فعلی این مسجد نماز گزارده است، روایت تاریخی خاصی وجود ندارد، جز آن که آن حضرت چندین روز در این منطقه بوده است.

مسجد الرسول در سمت چپ وادی جعرانه قرار دارد. این مسجد در سال ۱۲۶۳ ه.ق. توسط همسر یکی از شاهان حیدر آباد هند بازسازی شد که از وی کتیبه‌ای نیز در مسجد به یادگار مانده است. مسجد جعرانه بار دیگر در سال ۱۳۷۰ و سپس در سال ۱۳۸۴ ه.ق.، توسط وزارت اوقاف سعودی در مساحت بیشتری بازسازی شد. مساحت فعلی مسجد ۱۶۰۰ متر مربع و معماری آن شبیه مسجد تنعیم است.

مسجد شجره

جدای از مسجد شجره که میقات است و جدای از مسجد الشجره که در داخل شهر مکه قرار دارد، مسجدی دیگر با همین نام در منطقه حدیبیه در نزدیکی مکه بوده است. می‌دانیم که رسول خدا-ص- در سال ششم هجرت برای انجام عمره به مکه آمد، اما مشرکان مانع شدند و آن حضرت برای این که با آنها درگیر نشود، راه را به طرف غرب کج کرد و در حدیبیه که در مسیر قدیمی جده واقع است، توقف کرد و سپس نماینده‌ای به مکه فرستاد و پس از آن که این نماینده باز نگشت، در زیر درختی با اصحاب خود بیعت کرد تا در برابر دشمن بایستند. این بیعت را به نام بیعت رضوان و بیعت شجره می‌شناسند. با بازگشت نماینده رسول خدا-ص- جنگ منتفی شد و پس از آن صلح حدیبیه به امضا رسید.

در جای این درخت، مسجدی بوده است که شجره نامیده می‌شد و توسط دولت سعودی تخریب گردید. درخت مزبور نیز توسط خلیفه دوم از ریشه کنده شد! (۱۰) فاکهی از مسجدی در حدیبیه یاد کرده که نامش مسجد آل کرز بوده و مردم بر این باور بوده‌اند که رسول خدا-ص- در آنجا نماز خوانده است. (۱۱) اکنون مؤلف آگاه نیست که آیا این مسجد در حدیبیه وجود دارد یا نه.

مسجد غدیر خم

در سه مایلی منطقه جحفه، در محل غدیر خم، جایی که رسول خدا-ص- علی بن ابی طالب را به امامت منصوب کرد، مسجدی با نام «مسجد غدیر» بوده است. در روایات اهل بیت-علیهم السلام- از این مسجد یاد شده و نماز خواندن در آن توصیه گردیده است. (۱۲) گزارش این مسجد در قرنهای مختلف، در کتابهای تاریخی ثبت است. به دلیل روایات مربوط به مسجد غدیر، فقهای شیعه در آثار خود استحباب خواندن نماز توسط زائران را در این مسجد یاد آور شده‌اند. (۱۳)

مشاعر مقدس و مساجد آنها

عرفات

عرفات، نام منطقه وسیعی است با مساحت حدود ۱۸ کیلومتر مربع که در شرق مکه، اندکی متمایل به جنوب در میان راه طائف و مکه، قرار گرفته است. این منطقه به وسیله کوههایی که به شکل نیم دایره در اطرافش قرار دارد، مشخص شده است. زائران بیت الله الحرام در روز عرفه یعنی نهم ذی حجه در این منطقه حضور دارند. این حضور، در اصطلاح فقهی «وقوف» نامیده می شود و از ارکان حج تمتع است. عرفات خارج از محدوده حرم قرار دارد و اطراف آن با علائم و تابلو به طور دقیق مشخص شده است.

گفته اند نام عرفات مربوط به زمانی است که جبرئیل مراسم حج را به آدم-ع-آموزش داد و در پایان به او گفت: «عرفت؟» (آیا شناختی؟). و در نقلی دیگر آمده است که آدم و حوا پس از هبوط از بهشت و آمدن به روی کره خاکی، در این منطقه همدیگر را یافتند و یکدیگر را شناختند (تعارفا).

در شمال شرقی عرفات «جبل الرحمه» قرار دارد. این کوه مستقل از کوههایی است که منطقه را در حصار خود گرفته. روایت شده است که رسول خدا-ص- خطبه حجه الوداع را بر فراز این کوه ایراد کرد. (۱۴)

مسجد نمره

در سمت غربی عرفات، مسجدی است بزرگ به نام «مسجد نمره». این مسجد را به نام «مسجد ابراهیم» و «مسجد عرفه» هم می خوانند. مسجد نمره احتمالاً در قرن دوم هجری بنا شده و پس از آن همواره مورد توجه مورخان و سفرنامه نویسان بوده است. محتمل است که مسجد از قرن نخست بر پا بوده و بعدها تجدید بنا شده است.

مساحت مسجد در عهد مهدی عباسی، حدود هشت هزار متر مربع بوده و این نشانه اهمیتی است که این مسجد در قرن دوم هجری برای مسلمانان داشته است. مسجد نمره در سال ۵۵۹ ه. ق. به دست جواد اصفهانی وزیر، بازسازی شد و مساحت آن تا حدود ۱۴۴۰۰ متر افزایش یافت. گویا این مسجد در آن زمان بدون سقف و رواق بوده است؛ سپس در عهد عثمانیها رواقهایی برای آن ساخته شد.

بنای فعلی مسجد در عهد سعودیها ساخته شده و مساحت آن حدود هجده هزار متر مربع است. اکنون این مسجد دارای رواقهای متعدد و نیز چهار مناره است که در شرق و غرب آن قرار دارد.

مشعر الحرام

فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعر الحرام (۱۵) در راه باز گشت از عرفات به سوی مکه، وادی مازمین واقع شده که در میان دو کوه قرار دارد. «مازم» به معنای راه تنگ و یا تنگه است و این اشاره به دو راه رفت و برگشت تنگ این ناحیه می باشد. با عبور از این وادی به «مزدلفه» می رسیم که مشعر الحرام در آنجا واقع شده است. در سوی دیگر مشعر الحرام، وادی محسر قرار دارد. (۱۶) منطقه مشعر با علائم خاصی مشخص شده و وقوف در آن از ارکان حج تمتع است. نام مزدلفه را از آن روی انتخاب کرده اند که محل اجتماع مردم است.

مسجد مزدلفه

در فاصله شش کیلومتری مسجد نمره و پنج کیلومتری مسجد خیف در منا، مسجد مزدلفه قرار دارد. این مسجد در آغاز عهد عباسی مساحتی حدود چهار هزار متر مربع داشته و تنها دارای حصار در اطراف بوده و سقفی نداشته است. مسجد مزبور بارها بازسازی شده است. عثمانیها در سال ۱۰۷۲ ه.ق. آن را بازسازی کردند. در سال ۱۳۹۹ ه.ق. بنای جدید آن خاتمه یافت. اکنون مساحت مستطیل شکل آن حدود شش هزار متر مربع است.

منا

منا، پس از گذشتن از وادی محسر آغاز می شود؛ جایی که حجاج از روز دهم تا دوازدهم - و برخی تا روز سیزدهم - در آن می مانند. فاصله شمال مکه تا منا شش کیلومتر است. نزدیکترین موقعیت منا به مکه، جمره عقبه است؛ جایی که نخستین بار مسلمانان یثرب با رسول خدا - ص - بیعت کردند و بیعت آنها با نام «بیعة العقبه» شهرت یافت. دورترین قسمت آن نیز وادی محسر است که میان مزدلفه و منا قرار دارد.

گفته اند کلمه «منا» برگرفته از این سخن جبرئیل به آدم - ع - است که: «تمنی الجنة؟» (آیا آرزوی بهشت داری؟)

چند مسجد در منا وجود داشته که برخی از میان رفته و برخی موجود است.

مسجد خیف

مسجد خیف، مهمترین مساجد منا به شمار می رود. درباره محل و فلسفه پیدایش آن، روایت جالب توجهی وجود دارد. می دانیم که در سال پنجم هجرت، مشرکان مکه به تحریک یهودیان، پیمان اتحادی را با برخی از قبایل

عرب امضا کردند تا به مدینه حمله کنند و ریشه اسلام را از اساس بر کنند. محلی که آنان برای امضای این پیمان انتخاب کردند، جایی بود که بعدها مسجد خیف در آنجا بنا گردید. این بدان معنا است که در محلی که مشرکان پیمان ضد اسلام بستند، مسجدی بنا شد که تا ابد شکست اتحاد قریش با قبایل عرب را فریاد کند.

خیف به محلی گویند که در آنجا از شدت کوهستانی بودن منطقه کاسته شده اما هنوز به صورت دشت در نیامده است. چنین منطقه‌ای در دامنه کوه صفایح قرار گرفته و مسجد نیز در همین ناحیه ساخته شده است.

مسجد خیف شاهد خطبه مهم رسول خدا -ص- در حجة الوداع بوده که در روایات متن آن خطبه نقل شده است. به علاوه در روایات پیشوایان معصوم -علیهم السلام- آمده است کسی که در منا است، تا می‌تواند نمازهایش را در مسجد خیف بخواند، چرا که در آن هفتاد پیامبر -ص- نماز خوانده‌اند. در نقلی هم آمده است که مسجد خیف مدفن آدم -ع- است.

مسجد خیف از نخستین مساجد است و نخستین مشاهدات تاریخی از آن را از قرن سوم در دست داریم. در سال ۲۴۰ ه. ق. سیل آن را تخریب کرد. سپس بر جای آن مسجدی بنا گردید و سیل بندی نیز ساخته شد تا حفاظی برای مسجد باشد. مساحت مسجد در آن زمان ۱۵۰۰ متر مربع بوده است.

در اطراف مسجد خیف، رواقهای کوچکی نیز بوده است. این مسجد در سال ۵۵۶ ه. ق. به دست جواد اصفهانی وزیر بازسازی شد. مسجد خیف در قرن نهم هجری بنای با شکوهی داشته است.

مسجد خیف تا پیش از این بازسازی، یک چهار دیواری داشت. وسط آن بقعه‌ای بوده که منار هم داشته و مشهور به مقام ابراهیم بوده است. شیخ عباس قمی در مفاتیح نوشته است که کنار مناره نماز مستحبی (۶ رکعت) خوانده شود. در آن زمان کف مسجد، شنی بوده است.

آخرین بازسازی مسجد در سال ۱۳۹۲ ه. ق. به دست دولت سعودی با بنای نسبتاً بزرگ و رواقهای متعدد و مساحتی در حدود ۲۳۶۶۰ متر مربع انجام گرفته است. طول این مسجد ۱۸۲ و عرض آن ۱۳۰ متر است.

درب این مسجد تنها در ایام منا باز است و در طول سال مسدود می‌باشد. متأسفانه در آن ایام هم، محل استراحت افراد بی سرپناه بوده و هیچ جای عبادت در آن نیست. تنها در وقت نماز امکان خواندن نماز در آن هست.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- فاکهی، اخبار مکه، ج ۳، ص ۲۷۰
- ۲- فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۷
- ۳- العقد الثمین، ج ۱، ص ۶۵
- ۴- فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۳۳
- ۵- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۳۴
- ۶- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۹۱
- ۷- غایه المرام باخبار سلطنه البلد الحرام، ج ۲، ص ۵۵۸
- ۸- فاکهی، اخبار مکه، ص ۲۷
- ۹- اتحاف الوری، ج ۲، ص ۷۶
- ۱۰- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۷۷ و ۷۸
- ۱۱- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۸۲
- ۱۲- الکافی، ج ۴، ص ۵۶۶، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۵
- ۱۳- فهرستی از این اقوال فقها را ملاحظه فرمایید در مقاله «مسجد غدیر» از محمد جعفر طبسی، فصلنامه «میقات حج»، ش ۱۲، صص ۱۴۰-۱۳۸؛ مقاله مفصلی در تعیین محل غدیر در مجله «تراثنا»، ش ۲۵، توسط استاد شیخ عبد الهادی الفضلی نوشته شده است.
- ۱۴- درباره عرفات نک: به مقاله آقای سید علی قاضی عسکر در فصلنامه «میقات حج»، ش ۱۲، صص ۱۶۲-۱۴۲ و مقاله آقای محمد امین پور امینی در همین شماره.
- ۱۵- بقره: ۱۹۸
- ۱۶- درباره حدود وادی محسر نگاه کنید به فصلنامه «میقات حج»، ش ۳، صص ۱۸۲-۱۷۳

مسجد البیعه

پیش از این اشاره کردیم که برای نخستین بار مسلمانان یثرب در مکه، در محل جمره عقبه با رسول خدا-ص- بیعت کردند و پس از آن بود که اسلام در مدینه گسترش یافت، در محل این بیعت، مسجدی ساخته شده که به نام «مسجد البیعه» شهرت یافته است.

بنای فعلی، بسیار کهن است و کتیبه‌ای کوفی در آن وجود دارد. این مسجد به نقل از ابن فهد، در سال ۱۴۴ ه.ق. ساخته شده است. وی در ذیل حوادث آن سال نوشته است: در این سال مسجدی بنا شد که آن را مسجد البیعه می‌نامند؛ این مسجد در نزدیکی عقبه قرار دارد، جایی که حد نهایی منا از طرف مکه است. محل آن هم در شعبی است که دست چپ کسی است که از منا به سوی مکه می‌رود. فاصله مسجد البیعه تا جمره عقبه یک غلوه یا اندکی بیشتر است. (۱) غلوه فاصله‌ای است که یک تیر می‌رود. همو در ذیل حوادث سال ۶۲۰ می‌نویسد که خلیفه عباسی مستنصر بالله، در این سال مسجد البیعه را که در نزدیکی منا است تعمیر کرد. (۲)

مسجد البیعه از مساجد مورد توجه حجاج طی قرن‌ها بوده است. ابن تیمیه که سنت زشت دوری از اماکن متبرک را پایه‌گذاری کرده به صراحت از این مسجد و این که محل متبرک باشد بدگویی کرده است. (۳) این نشان می‌دهد که در عصر وی مسلمانان به شدت به این مسجد علاقه‌مند بوده‌اند.

مساحت مسجد در آخرین بازسازی ۳۷۵ متر مربع و بدون سقف بوده است. سزاوار است تا حجاجی که چند روزی را در منا هستند، سری به این مسجد زده و با آمد و شد خود این مسجد مهم تاریخی را از مظلومیت بدر آورند، زیرا همانطور که گفته شد از محل این مسجد است که اسلام از حصار تنگ مکه بیرون آمده به محیط مدینه نفوذ کرد و راه پیروزی را به سرعت طی کرد. فاکهی در کتاب اخبار مکه خود به طور مفصل داستان بیعت عقبه را ذیل عنوان مسجد البیعه آورده و اسامی کسانی از انصار را که در آن شب ترسناک در عقبه با رسول خدا-ص- بیعت کردند یاد کرده است. (۴)

مسجد النحر

در منا مسجد دیگری به نام مسجد الکبش یا مسجد النحر بوده که در میان جمره اولی و جمره وسطی قرار داشته است. وجه تسمیه آن از این قرار بود که در آنجا خداوند به جای اسماعیل-ع- ذبیحی برای ابراهیم-ع- فرستاد. همچنین، گفته شده که رسول خدا-ص- در این مسجد نماز ظهر را بجای آورده و قربانی خود را در کنار مسجد ذبح کرده است.

مسجد کوثر

مسجد کوثر یکی دیگر از مساجد منا بود و گفته‌اند که سوره کوثر در این مسجد بر رسول خدا-ص-نازل شد. این مسجد در جریان ساختمان پلهایی که در اطراف منا ایجاد شده، از بین رفته است.

مسجد صفایح

در جنوب مسجد خیف و در دامنه کوه صفایح، مسجدی بوده به نام «مسجد صفایح». در این مسجد، غاری بوده که آن را به نام «غار مرسلات» می‌شناخته‌اند. گفته‌اند که سوره مرسلات در این محل نازل شده است.

آثار مذهبی و تاریخی مکه مکرمه

شعب ابو طالب

منطقه کوهستانی اطراف مکه باعث شده تا شعبهای بسیاری در مکه و اطراف آن به وجود آید. شعب، حد فاصل دو کوه را می‌گویند که وسعت آن به اندازه‌های مختلف می‌باشد. گفتنی است که فاصله دو کوه، که مرز خروجی شهر می‌باشد، ثنیه نامیده می‌شود.

زیادی شعب در مکه باعث پیدایش این ضرب المثل شده است که: «اهل مکة اعلم بشعابها»؛ یعنی مردم مکه شعبهای خود را بهتر از دیگران می‌شناسند.

گذشت که وقتی قصی بن کلاب بر مکه مسلط شد، هر خانواده‌ای از قریش را در جایی از مکه سکونت داد. او «وجه کعبه» را که شامل شعب ابی طالب به سمت معلا مکه بود برای خانواده خود و فرزندان عبد مناف و عبد الدار برداشت. این شعب به لحاظ نزدیکی به کعبه، بهترین نقطه مکه بوده و در اصل حد فاصل کوه ابو قبیس و کوه خندمه است. شعب مزبور در اختیار خاندان بنی هاشم بوده و در دوره‌های مختلف به نامهای متفاوتی از قبیل شعب بنی هاشم، شعب ابی طالب، شعب علی بن ابی طالب و شعب ابی یوسف نامیده می‌شده است. چهره‌های برجسته این خانواده در این شعب به دنیا آمده و در آنجا زندگی کرده‌اند.

محل شعب شامل فضای وسیعی است که پس از مسعی قرار گرفته و اکنون سنگفرش شده است. در اصل زمانی که زائر از مسجد الحرام خارج شده و از باب العباس یا باب السلام بیرون آمده و از مسعی هم عبور

کند، به فضای بازی می‌رسد که در پایین کوه ابو قبیس سنگفرش شده است. ادامه این مسیر تا آن اندازه که دستشوییها در دست چپ قرار گیرد و بعد از اندکی، آغاز شعب ابی طالب است. این همان شعبی است که رسول خدا-ص- همراه خاندان خود تا سه سال در محاصره سایر خاندانهای قریش قرار گرفت و با مشقت و رنج، آن دوران را پشت سر گذاشت. ابو طالب به عنوان بزرگ بنی هاشم، مهمترین نقش را همراه فرزندان جعفر و علی-ع- در دفاع از رسول خدا-ص- بر عهده داشت.

این شعب محل تولد رسول خدا-ص- و نیز محل معراج آن حضرت بوده است. (۵) در حال حاضر تنها بخشی از خانه‌های شعب ابی طالب باقی مانده که نام آن سوق اللیل است. محله سوق اللیل شامل خانه‌هایی است که در روی کوه، مقابل مسعی ساخته شده است. بسیاری از خانه‌هایی که در شعب بوده حتی در این سوی مسعی بوده و در توسعه مسجد در سنوات مختلف از میان رفته و در مسجد قرار گرفته است. از جمله آنها خانه ام هانی دختر ابو طالب است، که در توسعه مسجد در زمان مهدی عباسی که یکی از بزرگترین توسعه‌های مسجد بوده، در مسجد واقع شده است. (۶)

مولد النبی-ص-

خانه‌ای را که رسول خدا-ص- در آن متولد شده، با نام «مولد النبی» می‌شناسند. آنگاه که رسول خدا-ص- به مدینه هجرت کرد، این خانه در اختیار عقیل، فرزند ابو طالب بود و پس از آن در اختیار اولاد و نوادگان وی قرار داشت. بعدها خیزران، همسر هارون، آن را خریداری کرد. مسلمانان این خانه را گرامی می‌داشتند و به ویژه در شب تولد پیامبر-ص- مراسمی در آنجا برگزار می‌کردند. در پی روی کار آمدن دولت سعودی، همزمان با خراب کردن این قبیل اماکن، محل مولد النبی هم تخریب شد. تنها با اصرار شیخ عباس قطان شهردار وقت مکه و درخواست وی از ملک عبد العزیز قرار شد تا در آنجا کتابخانه‌ای بنا کنند که امروزه به نام «مکتبه مکه المکرمة» شناخته می‌شود. (۷) اکنون بسیاری از مسلمانان ترکیه پشت در این کتابخانه نماز می‌خوانند.

خانه حضرت خدیجه کبری

خانه‌ای که منسوب به حضرت خدیجه-س- می‌باشد، محل زندگی مشترک پیامبر-ص- و همسرش خدیجه و مولد فاطمه-س- بوده است. این خانه مورد عنایت مسلمانان و یکی از بهترین مکانهای مکه شناخته می‌شده است. در نقشه‌ای که از این خانه در دست است، مصلاهی رسول خدا-ص- و مولد فاطمه-س- در آن مشخص شده است. متأسفانه این محل نیز توسط دولت سعودی تخریب گردید و تنها با اصرار شهردار مکه، مدرسه‌ای برای حفظ قرآن، به جای آن ساخته شد. گویا بعدها این مدرسه هم از میان رفته است.

نکاتی درباره چند محل تولد

ساختمان مولد النبی-ص- که در سوق اللیل بوده، اکنون به عنوان «مکتبه مکة المکرمه»، تنها ساختمانی است که در فضای باز پشت مسعی و روبروی کوه ابو قبیس بر جای مانده است. در فاصله اندکی از آن محل، خانه خدیجه بوده که مولد حضرت فاطمه زهرا آنجا بوده است. این محل به «دار ام المؤمنین» معروف بوده است.

فاسی می‌نویسد: سه نقطه در این خانه وجود دارد که مورد زیارت است: نخست: مولد فاطمه، دوم: جایی که آن را قبه الوحی می‌نامند. سوم: المختبا.

بعد می‌افزاید: در آن، جاهای دیگری وجود دارد که به صورت مسجد است. بنا به نقل محب الدین طبری، این خانه بهترین مکانها پس از مسجد الحرام در مکه است. (۸)

در نقطه‌ای دیگر از همین شعب ابی طالب، محلی به عنوان مولد علی-ع- شناخته شده که البته این، در تعارض با نقلی است که محل تولد حضرت را داخل کعبه دانسته است. در جای دیگری از مکه مولد حمزه بوده است. محل آن، بنا به نقل فاسی، در پایین مکه (مسفله) نزدیک باب الیمین بوده است. محل دیگری به عنوان مولد جعفر در نزدیکی دار ابی سعید نزدیک دار العجله بوده است. فاسی گوید: برخی آن را مولد جعفر بن ابی طالب می‌دانند اما بر بالای آن کتیبه‌ای است که بر رویش نوشته شده: «مولد جعفر الصادق و دخله النبی-ص-» فاسی می‌افزاید: منافاتی ندارد که هم رسول خدا-ص- به آن داخل شود و هم مولد جعفر صادق باشد. گفتنی است که محل تولد امام صادق-ع- در مدینه بوده نه در مکه. فاسی خبری هم درباره مولد عمر دارد و نوشته است آن در کوهی بوده که مردم مکه التوبی می‌نامند و در پایین مکه (مسفله) بوده است. فاسی در ادامه می‌افزاید: چیزی که صحت این خبر را تایید کند ندیده‌ام. (۹)

خانه ارقم بن ابی ارقم

ارقم، یکی از نخستین گروندگان به اسلام بود. خانه او بر فراز کوه صفا قرار داشت و محل امنی برای مسلمانان محسوب می‌شد. رسول خدا-ص- در سال چهارم بعثت همراه یارانش در آنجا بسر می‌برد و کسانی که قصد مسلمان شدن داشتند، در آنجا نزد آن حضرت می‌رفتند. این خانه در تاریخ اسلام اهمیت بسیار داشته، تا آنجا که به صورت یک مقطع تاریخی در آمده و حوادث دوران مکه، با ذکر این که: قبل از خانه ارقم رخ داده یا بعد از آن، مشخص می‌شده است. این خانه نیز توسط خیزران خریداری شد و به نام او در تاریخ شهرت دارد. مسلمانان با آگاهی نسبت به ارزش این خانه، آن را مسجد کردند. این مسجد در طرحهای جدید توسعه، از میان رفته و اثری از آن بر جای نمانده است!

کوه حرا، و غار حرا

کوه حرا به نام «جبل النور»، «جبل القرآن» و «جبل الاسلام» نیز معروف است. این کوه که یکی از مکانهای مقدس مکه و از آثار مذهبی باقیمانده از عصر رسالت به شمار می‌رود، در شمال شرقی مکه، در مسیر جاده‌ای واقع شده که به سمت عرفات می‌رود و در فاصله ۱/۵ کیلومتری سمت راست آن جاده قرار دارد.

در غار به سمت شمال است و فضای آن گنجایش تقریبی پنج نفر نشسته را دارد. ارتفاع غار نیز به اندازه قامت یک انسان است.

غار حرا محل عبادت رسول خدا-ص- بوده و آن حضرت روزهایی از ایام سال، به ویژه ماه مبارک رمضان را در آنجا بسر می‌برده است. در همین غار بود که نخستین بار بر رسول خدا-ص- وحی نازل گردید و آیات آغازین سوره علق برای آن حضرت خوانده شد. از این رو، این غار از جمله بهترین و متبرک‌ترین نقاط مکه محسوب می‌شود و مسلمانان آگاه و توانمند برای زیارت بدانجا می‌روند. کوه ثبیر نیز که در برابر کوه حرا در سوی دیگر جاده قرار دارد، از مکانهای مقدس به شمار می‌رود. گفته‌اند که خداوند از این کوه گوسفندی را برای ذبح نزد اسماعیل-ع- فرستاده است. دولت‌سعودی به دلیل داشتن باورهای مذهبی ویژه خود، کمترین اعتنایی به متبرک بودن این کوه نداشته و در بهبود شرایط آمد و شد به آنجا اقدامی نمی‌کند، به عکس محل عبور برای بالا رفتن، بسیار کثیف و مملو از گدایان خارجی است که وضعیت بسیار مشمئز کننده‌ای دارد. حداقل، زمانی که مؤلف موفق به رفتن به حرا شد وضعیت چنین بود.

کوه ثور، غار ثور

کوه ثور، کوهی است بزرگتر از کوه حرا که در جنوب شرقی مسجد الحرام و در فاصله‌ای دورتر نسبت به مکه واقع شده است. گویند این کوه به نام شخصی است که به «ثور بن منات» معروف بود.

سه کوه متصل به یکدیگر را به نام ثور می‌شناسند و غار ثور در سومین کوه قرار دارد. زمانی که مشرکان مکه به قصد کشتن رسول خدا-ص- بسیج شدند، آن حضرت از خانه خود خارج شد و در راه با ابو بکر روبرو گردید، به همراه وی به سمت جنوب مکه به راه افتاد، در حالی که باید به سمت شمال، یعنی یثرب می‌رفت، اما برای مخفی نگاه داشتن مسیر چنین کرد. آنها وارد غار ثور شدند و مدت سه روز در آن مخفی بودند.

مشرکان تا نزدیکی غار ثور آمدند، اما به اعجاز الهی، عنکبوتان تارهایی را بر در غار تنیدند تا مشرکان را از رفتن به درون آن منصرف کنند؛ چرا که با دیدن تارهای عنکبوت تصور کردند که کسی وارد غار نشده است. خداوند

در قرآن از این غار یاد کرده است. (۱۰) کوه ثور در میان چند خیابان، با نامهای خیابان ثور، جاده طائف و جاده کدی قرار گرفته است.

پی‌نوشتها

- ۱- اتحاف الوری، ج ۲، ص ۱۸۰
- ۲- اتحاف الوری، ج ۳، ص ۳۸
- ۳- اقتضاء صراط المستقیم، ص ۴۲۶
- ۴- فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۲۴۵-۲۳۱
- ۵- فاکهی، اخبار مکه، ج ۳، ص ۲۶۷
- ۶- درباره شعب ابی طالب بنگرید به مقاله آقای سید علی قاضی عسکر در فصلنامه «میقات حج»، ش ۳، صص ۱۷۱-۱۴۰
- ۷- فی رحاب بیت الله الحرام، ص ۲۶۳
- ۸- العقد الثمین، ج ۱، ص ۹۸
- ۹- العقد الثمین، ج ۱، ص ۹۷
- ۱۰- توبه: ۴۰

قبرستان ابو طالب-ع-

قبرستان ابو طالب یکی از زیارتگاههای مسلمانان در مکه به شمار می‌آید. این مکان را به نام مقبره معلی (یا معلاة) و مقبره بنی هاشم نیز می‌شناسند. قبرستان ابو طالب محل دفن بسیاری از افراد خاندان بنی هاشم و برخی از نزدیکترین یاران رسول خدا-ص- است. یکی از چهره‌های مهم بنی هاشم، عبد المطلب است. او از افراد بسیار با شخصیت مکه بود و در میان عربها نفوذ فراوان داشت. عبد المطلب دو سال سرپرستی رسول خدا-ص- را عهده‌دار بود. اعمال او همچون سنتی در میان عربها مورد پیروی قرار می‌گرفت.

چهره شاخص دیگر، ابو طالب است. وی در پرده تقیه توانست حمایتی سخت از رسول خدا-ص- به عمل آورد. او در برابر انواع تهدیدهای قریش، حاضر به تسلیم رسول خدا-ص- نشد و حمایت آشکار خود را از آن حضرت اعلام می‌کرد. اشعار بسیار زیادی از ابو طالب بر جای مانده که علاوه بر ایمان عمیق او، نشان دهنده چهره ادبی این بزرگمرد هاشمی است. این اشعار در دیوان وی، که در قرن سوم فراهم آمده، موجود و به چاپ رسیده است.

وی در همان آغاز بعثت، فرزندانش علی-ع- و جعفر را به خدمت رسول خدا-ص- فرستاد و خود نیز تا سال دهم بعثت که زنده بود هرگز در دفاع از آن حضرت کوتاهی نکرد.

خدیجه-س- چهره دیگر مدفون در قبرستان ابو طالب است. او زنی فداکار و ایثارگر و نخستین زن مؤمن به رسول خدا-ص- بود. وی تمامی اموال خود را وقف پیشبرد اسلام کرد و در برابر فشاری که قریش بر رسول خدا-ص- وارد می‌کردند، بهترین یار صمیمی او در خانه محسوب می‌شد. رسول خدا-ص- همیشه از او به نیکی یاد می‌کرد تا جایی که حسادت برخی از همسران وی برانگیخته می‌شد، اما آن حضرت از تحسین خدیجه-س- خودداری نمی‌کرد. بر روی قبر خدیجه بقعه‌ای بوده که سعودیها آن را خراب کردند. (۱)

در این قبرستان بسیاری از عالمان شیعه نیز، که در مکه درگذشته یا به شهادت رسیده‌اند، مدفونند. یکی از آنها سید زین العابدین کاشانی است که از بانیان تجدید بنای کعبه در سال ۱۰۳۹ ه. ق. است. در آن سال کعبه به وسیله سیل خراب شد و این روحانی سید، با کمک شماری دیگر، آن را باز سازی کرد. این قبرستان از زیارتگاههای مورد علاقه مسلمانان، به ویژه شیعیان است و پیش از این بر سر برخی از قبور، قبه‌هایی نیز بر پا بوده که تخریب شده است. محیی لاری در قصیده بلند خود با نام «فتوح الحرمین»، از برخی از چهره‌های زاهد و صوفی یاد کرده که در قبرستان ابو طالب دفن شده‌اند. از آن جمله شیخ علی کرمانی، خواجه فضیل عیاض و شیخ اسماعیل شیروانی است. او به قبر عبد الله بن زبیر هم اشاره کرده است. عبد الله بن زبیر همان است که در سال ۷۳ در کنار قبرستان ابو طالب توسط حجاج به دار آویخته شد. همو به قبر عبد الله بن عمر اشاره کرده است.

به نقل فاکهی، مورخ شهیر مکه، او در باغ خرمانیه-جایی که اکنون شهرداری مکه قرار دارد-دفن شده و اکنون جای قبرش بر کسی دانسته نیست. (۲) منصور عباسی هم که در مکه درگذشت در همین قبرستان مدفون گردید.

گاهی به غلط قبرستان ابی طالب به عنوان شعب ابی طالب! شناخته می‌شود. همان گونه که گفته شد، محل شعب ابی طالب جایی است که اکنون با نام «شعب علی» معروف است و تا فضای باز خارج مسعی تا انتهای سوق اللیل-خانه‌های روبروی مسعی در بلندای کوه-امتداد می‌یابد.

مقبره شهدای فح

حسین بن علی بن حسن بن حسن، در سال ۱۶۹ ه.ق.، قیامی را بر ضد هادی عباسی در منطقه فح، از شهر مکه ترتیب داد که به سرعت به شکست کشیده شد و وی به قتل رسید. ابو الفرج اصفهانی روایتی از امام باقر-علیه السلام-نقل کرده که حضرت فرمود: رسول خدا-ص-از فح که می‌گذشت ایستاد، رکعتی نماز خواند و وقتی رکعت دوم را خواند گریه کرد. اصحاب نیز گریه کردند، وقتی دلیلش را پرسیدند حضرت فرمود: جبرئیل به من خبر داد که: «یا محمد ان رجلا من ولدک یقتل فی هذا المكان و اجر الشهید معه اجر الشهیدین.» (۳)

در حال حاضر این مقبره در خیابان شهدا قرار دارد. یک خیابان فرعی از خیابان شهدا به فاصله نزدیکی از تقاطع شهدا-تنعیم به سمت مقبره می‌رود. مقبره مزبور در پایین کوهی قرار گرفته که اکنون یک سمت آن مقبره و سمت دیگرش میدان فوتبال است. این مقبره به عبارتی در پشت مسجد البوقری واقع است.

مقبره مزبور سه قسمت شده: یک مثلثی کوچک آن در حال از بین رفتن است، بخشی از آن با یکی دو متر ارتفاع از سطح خیابان قرار دارد. بخشی هم که دیوار بدون در ورودی در اطرافش هست نزدیکترین قسمت آن به کوه است. در درون این چهار دیواری، مقبره نیمه مخروبه‌ای نیز قرار دارد که از بالای کوه آشکار است. قاعدتا همانجا باید مقبره حسین بن علی، شهید فح باشد.

محصب

منطقه محصب در راه از حرم به سوی منا (طریق مسجد الحرام) از پل حجون تا جایی است که اکنون شهرداری مکه (امانة العاصمة المقدسه) قرار دارد. به عبارتی از میدان معاودة تا پل حجون. رسول خدا-ص-در باز گشت از منا به همراه مسلمانان در این منطقه توقف کرده است. درباره حدود این منطقه، اقوال مختلفی وجود دارد، (۴) با این حال تعریف فوق تا حدی دقیق است.

دلیل انتخاب محصب برای نزول رسول خدا-ص- آن بود که این منطقه جایی بود که زمانی قریشیان قرار دادی بر ضد آن حضرت در آنجا امضا کردند. رسول خدا-ص- فرمود: ما، بخصوص پس از ورود به مکه، در آنجا که خیف بنی کنانه است فرود خواهیم آمد: (إذا قدمنا مكة ان شاء الله تعالى نزلنا بالخياف الذی تحالفوا علينا فیه). (۵)

در این محل مسجد الاجابه قرار دارد که در جای دیگر به آن پرداخته‌ایم. مسجد دیگری هم وجود دارد که هیچ اشاره‌ای به نماز خواندن رسول خدا-ص- در آنجا نشده و اکنون کتیبه‌ای بر در آن است که باز سازی آن را در عهد ملک عبد العزیز در سال ۱۳۶۲ نشان می‌دهد. این مسجد روبروی ریع اذخر در این سوی خیابان و در کنار قصر السقاف قرار دارد. گویا این همان مسجدی است که در آن بر ابو جعفر منصور خلیفه عباسی، وقت مردنش در مکه، نماز خوانده شده است. (۶) منصور در قبرستان معلی دفن شده و قبر او هم هنوز مشخص است.

در انتهای حی جمیزه، محله پشت قبرستان معلی، محله‌ای که اکنون مدخل ورودی قبرستان در ابتدای آن باز می‌شود، محله جعفریه خوانده می‌شود که گویا به نام ابو جعفر منصور است. یکی از زائران پر سابقه اظهار کرد که زمانی (قبل از سی سال) در این محل خانه‌ای بود به نام خانه امام جعفر صادق-ع- که خود ایشان همراه برخی از مطوفیها به آنجا رفته بود. روزی که همراه ایشان به آنجا رفتیم امکان یافتن آن محل برای ایشان نبود. درباره حدود معلا و مسفله، فاکهی و ازرقی توضیحاتی را آورده‌اند. در حدود معلا از خانه جعفر بن محمد بدون هیچگونه توضیحی یاد شده است. (۷) محتمل است که خانه جعفر بن محمد بن سلیمان امیر مکه باشد نه خانه امام صادق-ع-.

جایی که اکنون امانة العاصمه است تا حدود ابتدای ریع ذخر، حائط یا باغ خرمان است که بخشی از آن قبرستان بوده و به اعتقاد فاکهی عبد الله بن عمر در آنجا دفن شده است. (۸) بنابراین، این عقیده که وی در مقبره شهدای فح یا قبرستان ابو طالب مدفون است نادرست می‌باشد.

بخش دوم

مدینه منوره

مقدمه در شناخت یثرب

شهر یثرب که بعد از ورود رسول خدا-ص- «مدینه النبی» و پس از آن به اختصار «مدینه» خوانده شد، در مسیر «طریق الهجره» در فاصله تقریبی ۴۵۰ کیلومتری شمال مکه قرار دارد. مهمترین نکته در جغرافیای داخلی مدینه این است که شهر در میان دو رشته حره (۹) واقع شده که یکی در شرق و دیگری در غرب آن قرار دارد. ناحیه جنوبی یثرب هم کمی سنگلاخ است و در قسمت شمالی، در میان کوه احد، در شمال غرب و کوه سلع در غرب مدینه، فضای نسبتاً بازی وجود دارد که بیشتر، زمینهای کشت و نخلستان بوده است.

پیش از اسلام، قبیله‌های یهود و عرب در نواحی مختلف میان این دو حره و حوالی آن زندگی می‌کردند. قبایل یهودی عبارت بودند از بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه که عمدتاً در جنوب و جنوب غرب مدینه در منطقه عوالی (۱۰) می‌زیستند.

دو قبیله مهم عربی، که پس از یهود در این ناحیه ساکن شده بودند، عبارت بودند از اوس و خزرج. آنها خود به طوایف مختلفی تقسیم می‌شدند. جمعیت عرب یثرب بسیار بیش از یهودیان بود. در میان دو قبیله عرب، نزاعهای زیادی جریان داشت. این نزاعها به میان قبایل یهود نیز سرایت کرده بود.

اوس و خزرج هر دو از قبایل جنوبی جزیره العرب بودند که قریب یکصد و پنجاه سال قبل از اسلام به یثرب آمده بودند. همان‌گونه که در نقشه آشکار است، یثرب تنها به یکی از واحه‌های میان دو حره شرقی و غربی اطلاق می‌شده اما به تدریج نام تمامی این نواحی شده است!

وضعیت طبیعی مدینه نسبت به مکه بسیار بهتر و دارای زمینهای حاصلخیز و آب نسبتاً مکفی است. در مدینه چندین وادی وجود داشته که آب این منطقه را تضمین می‌کرده است. قبایل عرب هر کدام در بخشی از آن سکونت داشته‌اند. در واقع ترکیب جمعیتی شهر مدینه قبیله‌ای بوده است. بیشترین جمعیت در منطقه عالییه مدینه از جنوب شرقی به سمت جنوب غربی شامل عصبه، قبا، قربان، و عوالی سکونت داشته‌اند. بخشهایی از جمعیت هم در مرکز مدینه، جایی که بعدها مسجد النبی ساخته شد می‌زیستند و شماری در شمال مسجد

النبي-ص- در راه احد ساکن بودند. گروهی نیز در غرب، در کناره کوه سلع و از آنجا به سمت جنوب در منطقه عصبه سکونت داشته‌اند.

مناطقى که اوس و خزرج و يهود در آنها سکونت کردند، بويژه قسمتهای جنوبی، در دو سوی غرب و شرق که به عوالی و قبا و عصبه شهرت دارد، از پر جمعیت‌ترین مناطق با آب فراوان و مزارع گسترده می‌باشد؛ چرا که شبکه‌ای از بهترین وادیها، همچون وادی مهزور از شرق، وادی یذینب از جنوب شرقی و وادی رانواء از جنوب و بخشی از وادی بطحان، که در مسیرش به شمال غرب به این وادیها می‌پیوندد، در مناطق مزبور جریان دارد. تردیدی نیست که این وادیها و چاهها در سمت عوالی، قبا و عصبه، از مهمترین عوامل در تمرکز جمعیت در آن نواحی و پرداختن آنان به کشاورزی در شکل گسترده بوده است.

یثرب و اسلام

مردم یثرب به کعبه احترام می‌گذاشتند و هر ساله برای طواف آن و عبادت بتها به مکه می‌آمدند. افزون بر این بازارهای مکه نیز آنان را و می‌داشت تا به مکه بیایند و روابطی با قریش داشته باشند. از زمانی که رسول خدا-ص- دعوت خویش را آشکار کرد و آیات قرآنی در میان مردم انتشار یافت، اهل یثرب نیز کم و بیش با آن آشنایی یافته بودند، اما حرمتی که برای قریش قائل بودند مانع از آن شده بود که خود را به رسول خدا-ص- نزدیک کنند، تا آن که در آغاز دو نفر و در سال یازدهم شش نفر از مردم یثرب اسلام آوردند. آنها این پیام جدید را به دیگران رساندند و در سال دوازدهم بعثت، دوازده نفر از مردم یثرب که مسلمان شده بودند، در ایام حج به دیدار رسول خدا-ص- شتافتند. پس از آن بود که رسول خدا-ص- یکی از بهترین اصحاب خود، یعنی مصعب بن عمیر را برای تبلیغ اسلام به یثرب فرستاد و در سال سیزدهم بعثت قریب هفتاد تن از مردم یثرب برای بیعت با رسول خدا-ص- به مکه در آمدند. آنان ضمن بیعت، از رسول خدا-ص- خواستند تا به یثرب بیاید و تعهد کردند که از آن حضرت دفاع خواهند کرد. این دعوت سرآغاز هجرت رسول خدا-ص- و اصحاب آن حضرت بود. چنانکه در بخش نخست این کتاب گذشت، محل بیعت آنها با رسول خدا-ص- اندکی پایین‌تر از جمره عقبی در راه آمدن به مکه، سمت راست در داخل یک شعب بوده که اکنون در محل آن «مسجد البیعه» قرار دارد. پیش از این درباره این مسجد سخن گفتیم.

در ابتدا تنی چند از اصحاب به یثرب رفتند. رسول خدا-ص- نیز در آغاز ماه ربیع الاول راهی یثرب شد. مردم مسلمان شده یثرب، بی‌صبرانه انتظار ورود آن حضرت را داشتند و پس از آن به مدت ده سال با خلوص تمام از وی و آرمانهایش دفاع کردند. در اینجا خلاصه‌ای از حوادث این ده سال را بیان می‌کنیم:

اولین اقدام رسول خدا-ص- در یثرب، ساختن مسجد بود؛ جایگاهی که علاوه بر مرکزیت عبادی، مرکزیت فرهنگی، سیاسی و اداری نیز داشت؛ مرکزی که یکی از تکیه گاههای اصلی اسلام در میان مسلمانان بوده است.

اقدام دوم رسول خدا-ص- ایجاد یک پیمان عمومی میان مسلمانان مدینه بود. در این معاهده که همه مسلمانان برای اجرای آن تعهد و بیعت کردند، حاکمیت برای خدا و رسول شناخته شده و بخشی از قوانین حقوقی و جزایی اسلام به عنوان قانون پذیرفته شده بود.

سومین اقدام رسول خدا-ص- ایجاد عقد برادری میان مسلمانان بود. آن حضرت مسلمانان را با یکدیگر برادر کرد تا نسبت به هم ارتباط و پیوند نزدیکتری داشته باشند.

روشن بود که یکی از مسائل مهم بعدی، درگیری مدینه با مکه خواهد بود. نه رسول خدا-ص- حاضر بود از مکه چشم پوشی کند و نه مردم مکه تحمل اسلام و تسلط آن بر مدینه را داشتند، بویژه که در سال دوم هجرت، قبله اسلام از بیت المقدس به سوی مکه تغییر کرد و اگر تا آن هنگام به سمت شمال نماز می گزاردند، این بار به سمت جنوب نماز خواندند.

سرانجام، حمله را مسلمانان آغاز کردند. آنها یکی دو بار به کاروانهای قریش که از مکه به راه می افتاد و از نزدیکی مدینه می گذشت و به سمت شمال، یعنی شامات، می رفت حمله کردند تا جبران مصادره اموالشان را که در مکه گذاشته بودند، بکنند. مهمترین حمله، حمله ای بود که به جنگ بدر منتهی شد.

در رمضان سال دوم، مسلمانان به قصد حمله به کاروان قریش حرکت کردند. قریش که متوجه حمله شده بودند، سپاهی را به سوی مسلمانان فرستادند. آنها در نزدیکی چاههای بدر با یکدیگر درگیر شدند و در نتیجه بسیاری از سران شرک به قتل رسیدند. از میان رؤسای قریش، تنها ابو سفیان به سلامت ماند و آن هم به این دلیل بود که در بدر حضور نداشت.

در سال سوم، مشرکان به تلافی غزوه بدر به مدینه حمله کردند. آنها شهر را دور زدند و از سمت شمال در دامنه کوه احد مستقر شدند. رسول خدا-ص- نیز همراه یارانش که کمتر از یک سوم دشمن بودند، به منطقه احد در آمدند. در جنگی که صورت گرفت ابتدا مسلمانان غلبه کردند، اما غفلت آنها-همان گونه که بعد از این در قسمت احد خواهد آمد- سبب شد تا ضربه ای کاری از مشرکان بخورند، گرچه مشرکان نتوانستند اسلام را از میان ببرند.

در سال پنجم، مشرکان پیمان اتحادی را بر ضد رسول خدا-ص- امضا کردند و سپاه احزاب را تشکیل دادند و به مدینه حمله کردند. پیش از حمله آنان، مسلمانان خندقی در قسمت شمالی شهر، جایی که امکان ورود دشمن از آن ناحیه وجود داشت، کردند. دشمن در پشت خندق زمینگیر شد و پس از گذشت بیست روز، در حالی که برخی از پهلوانان آنها که از خندق عبور کرده و کشته شده بودند، با سرشکستگی مدینه را ترک کردند. در واقع، این آخرین زور آزمایی مشرکان در برابر مسلمانان بود که البته به شکست انجامید.

در سال ششم هجرت، رسول خدا-ص- به همراه بیش از یک هزار و پانصد تن از اصحاب، به قصد انجام عمره راهی مکه شد. مشرکان اعلام کردند که مانع از ورود رسول خدا-ص- خواهند شد. آن حضرت راه خود را کج کرد و در حدیبیه- که در مسیر جده قرار داد- توقف کرد. آنگاه نماینده‌ای به داخل شهر فرستاد، اما با دیر شدن بازگشت او، رسول خدا-ص- با اصحاب بیعت کرد تا در برابر مشرکان مقاومت کنند که این بیعت را «بیعت رضوان» نامیدند. نماینده رسول خدا-ص- بازگشت و پس از آمدن نماینده مشرکان، صلح حدیبیه به امضا رسید. بر اساس این معاهده، جنگ به مدت ده سال متوقف شد و مقرر گردید که از سال بعد از آن، رسول خدا-ص- و اصحاب بتوانند برای انجام عمره سه روز را در مکه بسر برند.

در سالهای ششم و هفتم، به ملوک و رؤسای قبایل بزرگ نامه نوشت و آنان را به اسلام دعوت کرد. همچنین در سال هفتم برای نخستین بار پس از هجرت، با اصحاب راهی مکه شد و سه روز را برای انجام عمره در شهر بسر برد. در سال هشتم، مشرکان بر خلاف معاهده حدیبیه رفتار کردند. رسول خدا-ص- که در پی فرصت بود، سپاه عظیمی را برای فتح مکه روانه این شهر کرد و خود فرماندهی آن را به عهده گرفت. شهر با مقاومت بسیار محدودی که از سوی برخی جوانان خودسر مکه به عمل آمد، فتح شد و پیامبر به مسجد الحرام در آمد، بتها را شکست و آنگاه به داخل کعبه رفت و آثار شرک را از آن زدود.

بدین ترتیب، هشت سال پس از هجرت و بیست سال بعد از بعثت، مکه در تصرف کامل مسلمانان قرار گرفت و بلال بر بام کعبه ندای اذان سر داد. پس از آن، شورش قبیله هوازن در حنین نیز خاموش شد. در سال نهم، حج با حضور اکثریت مسلمان و اقلیت مشرک که دیگر قدرتی نداشتند، برگزار شد. رسول خدا-ص- آیات اول سوره براءت را که در اعلام براءت از شرک بود، به دست امام علی-ع- داد تا در روز حج اکبر- روز عرفه- بر مردم بخواند. در این پیام، خدا و رسول از شرک و مشرکان اعلام بیزاری کرده و از آنها خواسته بودند تا در یک فرصت چهار ماهه، تصمیم نهایی خود را برای پذیرش اسلام یا مقاومت در برابر آن بگیرند. بدین سان، شرک تا چندی پس از آن به طور کامل از میان رفت. همچنین، در سال نهم، رسول خدا-ص- سپاهی به تبوک فرستاد که توانست قبایل حدود شامات را آرام سازد.

در سال دهم، نخستین حج خود را به همراه بیش از یکصد هزار تن از پیروان خویش انجام داد. در این مراسم بود که آیین حج از سوی پیامبر-ص- به طور کامل تشریع شد. آن حضرت ضمن خطبه‌ای که به «خطبه حجه الوداع» (حج آخرین) معروف است، نصایح فراوانی به مردم کرد. در بازگشت از سفر حج و در روز هیجدهم ذی‌قعدة، در منطقه غدیر، آن حضرت امام علی-ع- را به جانشینی خود منصوب کرد و همه مسلمانان نیز به این عنوان با آن حضرت پیمان بستند و البته چه زود این عهد و پیمان الهی را شکستند.

پیامبر-ص- هفتاد روز پس از غدیر، در حالی که چند روز دچار بیماری و تب شدید بود، در ۲۸ صفر سال یازدهم هجرت به لقای پروردگار شتافت، در حالی که از وضعیت نامطلوب مسلمانان اندوهگین بود، پس از پیروزی بر شرک از نظر داخلی گرفتارش بودند. با وجود این، آن حضرت طی بیست و سه سال تلاش در مکه و مدینه، بنیاد گذار یکی از مهمترین ادیان توحیدی و آخرین آنها برای بشر بود که امروزه میلیون‌ها نفر بدان ایمان دارند و به رسول خدا-ص- و جای جای قدمهای او در مکه و مدینه عشق می‌ورزند.

پی‌نوشتها

- ۱- درباره خراب کردن آن و آثار بجای مانده، نک: گزارش فارسی کتاب «فی منزل الوحی» از هیکل، فصلنامه «میقات حج»، ش ۹، ص ۲۲۲. درباره قبرستان ابو طالب نیز رجوع کنید به مقاله «جنه المعلاة» از سید علی قاضی عسکر در فصلنامه «میقات حج»، ش ۴، صص ۱۷۴-۱۶۵
- ۲- فاکهی، اخبار مکه، ج ۳، ص ۸۹-۹۰
- ۳- مقاتل الطالبیین، ص ۳۶۶ و ۳۶۷
- ۴- فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۷۲ و ۷۳
- ۵- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۶۲
- ۶- فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۷۵
- ۷- فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۱۳۰، ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۹۳ و ۲۶۶
- ۸- فاکهی، اخبار مکه، ج ۳، ص ۸۹ و ۹۰
- ۹- منطقه سنگلاخی که سنگهایی شبیه به سنگهای آتشفشان و داغ شده دارد.
- ۱۰- خیابان عوالی اکنون به نام «شارع علی بن ابی طالب-ع-» شناخته می‌شود.

شرافت مدینه

همانگونه که پیشتر اشاره شد، آمدن رسول خدا-ص- به یثرب، نام آن را به مدینه النبی تغییر داد. رسول خدا-ص- در همان آغاز، مدینه را چون مکه حرام دانست؛ مکه، حرم خدا و مدینه، حرم رسول خدا-ص-. این بهترین شرافتی بود که مدینه می‌توانست از آن برخوردار باشد. رسول خدا-ص- برای زندگی مدینه را برگزید. آن حضرت پس از فتح مکه می‌توانست به شهر خود باز گردد، اما ترجیح داد تا در مدینه زندگی کند و در همان شهر مدفون باشد. آن حضرت مدینه را با سخنان بی‌شماری مورد تمجید قرار داد و مردم آن را نیز بسیار ستود.

آن زمانی که رسول خدا-ص- از مکه بیرون آمد، فرمود:

«اللهم كما اخرجتني من احب البقاع الى فاسكني في احب البقاع اليك.»

«خدایا! همان گونه که مرا از دوست داشتنی‌ترین سرزمین برای من، بیرون آوردی، مرا در دوست داشتنی‌ترین سرزمین برای خودت وارد کن.»

و نیز فرمود:

«من استطاع منكم ان يموت بالمدينة فليمت بها فاني شفيع لمن يموت بها.»

«اگر کسی بتواند به گونه‌ای زندگی کند که مرگش در مدینه باشد، چنین کند؛ من برای کسی که در آنجا بمیرد شفیع خواهم بود.»

همین تمجیدها سبب شد تا این شهر کوچک بهترین و زیباترین نامها را، که نزدیک به یکصد نام می‌شود، به خود اختصاص دهد: المؤمنه، المحبوه، المقدسه، الباره، دار الابرار، ارض الله، طابه، طيبه، سيدة البلدان، دار السلام، المحرمه، المباركه، المحروسه، المحرومه، الجباره، المختاره، القاصمه، حرم رسول الله، الموفيه، قلب الايمان، قبه الاسلام، المعصومه، بيت رسول خدا و نامهای دیگر. (۱) رسول خدا-ص- مدینه را اینچنین معرفی کردند: «مدینه محل هجرت من، محل قبر من و محلی است که من در آنجا برانگیخته خواهم شد.»

جای مدینه، نشان از آثار پیامبر دارد و حق آن است که مسلمان معتقد، ذره ذره خاک را بیوید و ببوسد. اگر نمی‌تواند چنین کند، حداقل جایگاههای مشخصی را که آن حضرت در آنجا خاطره‌ای از خود گذاشته، نبردی

کرده، نمازی خوانده و سخنی گفته، بشناسد و قدر نعمت بزرگی را که در پرتو نور نبوت نصیب او شده است، بداند.

مسجد النبی - ص -

در پیش اشاره شد که نخستین اقدام رسول خدا -ص- در مدینه، ساختن مسجد بود. پیش از آن، در قبا نیز مسجدی به دست آن حضرت و اصحاب آن حضرت ساخته شد. چنین اقدامی نشانه اهمیت نقش مسجد در اسلام است. پیش از آن که از مسجد النبی سخن بگوییم، مناسب است نگاهی به معنای مسجد و اهمیت آن داشته باشیم.

۱- مسجد، بر گرفته از سجود و به معنای خضوع و کرنش است. و در اصطلاح، به محلی اطلاق می‌شود که مکان عبادت و خضوع در برابر حق تعالی است. کاربرد واژه مسجد یکی در مورد مکان خاصی است که برای عبادت ساخته می‌شود، و دیگر این که بر اساس روایت رسول خدا -ص- بر سراسر زمین اطلاق می‌گردد که می‌تواند سجده‌گاه انسان عابد باشد. دومین کاربرد که اطلاق عام مسجد است، از اختصاصات امت اسلامی است. دیگر ادیان، تنها در اماکن خاصی در برابر خداوند سجده می‌کنند اما در اسلام همه «زمین» سجده‌گاه و مسجد است.

کلمه مسجد در بیست و هشت مورد در قرآن آمده که در بیشتر موارد، اشاره به مسجد الحرام است. مسجد الحرام اشاره‌ای است به همان محیط اطراف خانه کعبه که سجده‌گاه بوده است.

۲- مهمترین نقش مسجد، مرکزیت بخشیدن به عبادت مسلمانان در زمینی پاک و مطهر برای خداوند است؛ محیطی که انسان ناپاک نباید وارد آن شود و می‌بایست فضا و زمینش از هر گونه پلیدی پاک باشد. افزون بر مرکزیت عبادی، مرکز جماعت نیز هست. این جماعت، هم برای عبادت است و هم برای یکپارچگی امت و تمسک جمعی آنان به حبل الله. چهار مسجد برای یک مسلمان وجود دارد. مسجدی در محل، مسجدی در شهر برای نمازگزاران شهر به عنوان مسجد جامع، مصالایی برای مراسم نماز عید برای تمامی مردم یک منطقه و مسجد الحرام برای جماعت همه مسلمانان. مسجد در عصر آغازین اسلام، علاوه بر عبادت، مرکزی برای اداره حکومت نیز بوده است. پس از آن، مسجد به عنوان مدرسه نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. مسجد تکیه‌گاه مسلمانان در اتکال به خدای واحد قهار است. مسجد سمبل قداست، پاکی، تقوا، وحدت و جماعت مسلمانان است.

۳- نخستین خانه‌ای که برای مردم ساخته شد تا در آن به عبادت خدا بپردازد، بیت الله الحرام بوده است. بنابراین، باید مسجد الحرام و کعبه را قدیمی‌ترین محل عبادت دانست. قرآن علاوه بر مسجد الحرام از مسجد الاقصی نیز یاد کرده است. اینها مساجدی است که پیش از اسلام وجود داشته. بعلاوه، اهل کتاب نیز مراکز عبادت خاص خود را داشته‌اند. نخستین مسجدی که در اسلام بر پایه تقوا ساخته شد، مسجد قبا بود، همچنان که نخستین کسی که مسجد ساخت عمار یاسر بود. پس از آن، مسجد النبی در یثرب یا مدینه النبی ساخته شد. به دنبال آن، طوایف عرب هر کدام در ناحیه خود مسجدی بنا کردند. آنان از رسول خدا-ص- می‌خواستند تا در مسجدشان نماز بگزارد و از باب تبرک، محل نماز آن حضرت را به عنوان مسجد خود انتخاب می‌کردند. حتی اگر در آغاز قصد ساختن مسجد نداشتند، محل نماز پیامبر را به عنوان مسجد و نماز خانه بر می‌گزیدند. این شبه فهرستی از مساجدی که رسول خدا-ص- در آنها نماز خوانده به دست داده است. (۲) پیش از این هم گفتیم که حفظ مکان این مساجد نشانگر اعتقاد عمیق اصحاب آن حضرت و تابعین به امر تبرک است.

اینک در این مختصر، ابتدا از مسجد النبی و سپس از مسجد قبا و دیگر مساجد مدینه سخن خواهیم گفت و آنگاه به سراغ آثار دیگر مدینه خواهیم رفت.

مسجد النبی-ص-

شریف‌ترین مسجد پس از مسجد الحرام، مسجد النبی در مدینه منوره است. رسول خدا-ص- درباره نماز خواندن در این مسجد فرمود:

«صلوة فی مسجدی هذا خیر من الف صلوة فیما سواه من المساجد الا المسجد الحرام.»

«یک نماز در مسجد من بهتر از هزار نماز در دیگر مساجد است، مگر در مسجد الحرام.»

آنگاه که رسول خدا-ص- وارد یثرب شد، همه طوایف و افراد سرشناس مایل بودند تا میزبان ایشان باشند، اما آن حضرت فرمود: در جایی توقف خواهد کرد که شترش زانو بزند. شتر در زمینی که اکنون مسجد است، زانو زد. آن حضرت در خانه ابو ایوب انصاری مسکن گزید. زمین مسجد را از صاحبان آن خرید و سنگ بنای مسجد را نهاد. همه اصحاب از زن و مرد با اشتیاق شروع به ساختن مسجد کردند. خود رسول خدا-ص- نیز با تمام توان در ساختن مسجد شرکت کرد. مسجدی که حضرت بنا کرد، از چند جهت، با آنچه امروز در جای آن ساخته شده تفاوت دارد، زیرا در زمینی محدودتر و با بنایی ساده‌تر و خلوص بیشتر بود. این مسجد در گذر زمان بارها توسعه یافته تا این که به شکل کنونی در آمده است.

ساختن مسجد سبب شد تا جمعیت زیادی از مهاجران و حتی ساکنان محله‌های دیگر، در اطراف مسجد خانه‌هایی بنا کنند. به دنبال این امر بود که شهر در اطراف مسجد شکل گرفت.

مسجد رسول خدا-ص- در نخستین بنای خود در مساحتی حدود ۲۰۷۱ متر مربع بنا گردید با دیوارهای خشتی و گلی و پایه‌هایی از تنه درختان خرما. سقف مسجد را هم با شاخه‌های درخت خرما پوشانده بودند، بطوریکه در هنگام باران، آب بر سر و صورت نمازگزاران می‌ریخت و زمین در زیر پیشانی رسول خدا-ص- و اصحاب، گلی بود. قبله مسجد به سمت شمال و در جهت بیت المقدس بود. مسجد با همین بنا برای هفت سال محل برگزاری نماز جماعت، نماز جمعه و خطبه‌های رسول خدا-ص- بود. در سال هفتم هجرت، با گسترش اسلام و افزایش شمار مسلمانان، ضرورت توسعه مساحت مسجد مطرح شد. رسول خدا-ص- بر طول و عرض مسجد افزود تا آنکه مساحت مسجد به ۲۴۷۵ متر مربع رسید. در این توسعه، شکل مسجد به صورت یک مربع در آمد. قبله مسجد نیز از سال دوم هجری از شمال به سمت جنوب تغییر کرد و از آن پس نه به سوی بیت المقدس که قبله یهود بود، بلکه به سوی مکه نماز خوانده می‌شد.

از بناهایی که همزمان با ساختن مسجد احداث شد، دو حجره-یا به تعبیر امروزی، خانه- در دیواره شرقی مسجد بود. این دو حجره برای سکونت رسول خدا-ص- و همسرانش سوده و عایشه ساخته شد. بعدها بر تعداد این حجره‌ها افزوده شد. اصحاب دیگر نیز هر کدام که توانایی داشتند، حجره‌ای در کنار مسجد ساختند. آنها درهایی به مسجد داشتند و در وقت نماز از همان در وارد می‌شدند. اما در سال سوم دستور داده شد تا این درها بسته شود، مگر در خانه امام علی-ع-.

توسعه مسجد در سال هفدهم هجری

با گسترش فتوحات، جمعیت مسلمانان نیز افزایش می‌یافت و در این میان، مدینه به عنوان مرکز خلافت، جمعیت بیشتری را به خود جذب می‌کرد. خلیفه دوم تصمیم گرفت تا خانه‌هایی را بخرد و آنها را ضمیمه مسجد سازد. مسجد از جهت قبله، یعنی جنوب و نیز از جهت غرب آن، گسترش یافت. در این میان، قرار بود تا خانه عباس عموی پیامبر نیز خراب شود، که کار به منازعه لفظی کشیده شد. خلیفه تن به حکمیت یکی از اصحاب رسول خدا-ص- داد و او حکم کرد که خلیفه نباید برای مسجد مسلمانان به زور زمینی را از صاحبش بگیرد. پس از خاتمه نزاع، عباس خود خانه‌اش را نه در عوض پول، بلکه آن را به مسلمانان تقدیم کرد. مجموع مساحتی که بر مسجد افزوده شد ۱۱۰۰ متر مربع بود و مجموع مساحت آن به ۳۵۷۵ متر مربع می‌رسید. با افزایش این مساحت، درهای جدیدی نیز برای مسجد گشوده شد.

در این افزایش مساحت جای ستونهای قبلی را ستونهای جدیدی از نخل گرفت و بنای مسجد نیز نسبت به بنای سابق استحکام بیشتری یافت.

توسعه مسجد در سال ۲۹ ه.ق.

عثمان نیز بر گستره مسجد، نسبت به زمان خلیفه دوم، افزود و آن را به ۴۰۷۱ متر مربع رسانید. می‌گویند که عثمان بنای مسجد را تغییر داد و مساحت آن را مقداری بیشتر کرد. دیوارهایش را با سنگهای منقوش بازسازی نمود. ستونهای مسجد را با سنگهای حجاری شده و منقش تجدید ساخت و سقف آن را با چوب ساج ترمیم کرد. از این گفته چنین بر می‌آید که خلیفه سوم برای نخستین بار مسجد را از سادگی نخستین آن به در آورد و آن را با سنگهای حجاری شده و منقش زینت داد. افزایش مساحت مسجد در زمان خلیفه دوم و خلیفه سوم تنها در قسمتهای جنوبی (سمت قبله)، شمالی و غربی بود. در قسمت شرقی، حجره‌های رسول خدا - ص - بود، از این رو در آن قسمت افزایشی صورت نگرفت.

توسعه مسجد در عهد ولید بن عبد الملک

در زمان خلافت ولید و آنگاه که عمر بن عبد العزیز از طرف وی حکومت مدینه را داشت، توسعه زیادی در مساحت مسجد داده شد. این توسعه به دستور ولید شامل شرق مسجد نیز شد که حجره‌های پیامبر در آنجا قرار داشت. مردم مدینه که از این حجره‌ها خاطره پیامبر و زندگی ساده آن حضرت را می‌دیدند، از شنیدن خبر تخریب شروع به شیون و زاری کردند. یکی از این خانه‌ها در اختیار فاطمه صغری، دختر امام حسین - ع - بود. وی با تصرف خانه‌اش سخت مخالفت کرد، اما عاقبت به زور از او گرفته شد.

توسعه جدید در قسمتهای شرق، غرب و شمال صورت گرفت. در دیواره جنوب به شمال ۱۰۰ متر، در قسمت شمال غرب به سمت شرق ۶۷/۵ متر و در ناحیه جنوب غرب به شرق ۸۳/۷۵ متر افزوده شد و بدین ترتیب، مساحت مسجد به بیش از ۶۴۰۰ متر مربع بالغ گردید.

مسجد دارای یک صحن میانی در وسط و رواقهایی در اطراف آن بود که با ستونهای زیادی سرپا نگاه داشته شده بود.

از آنجا که ولید علاقه زیادی به ساختمانهای زیبا داشت، دستور داد که علاوه بر بنای مستحکم مسجد، تزیینات فراوانی بر روی آن صورت گیرد. او چندین معمار، بنا و حتی کارگر از سرزمین روم به مدینه آورد و با هزینه‌ای سنگین مسجد را به شکل زیبایی ساخت. در این زمان، تزیین مسجد به این صورت انجام گرفت: ستونهای

سنگی تراش خورده با روکشهای فلزی، دیوارهای بلند و مزین به نقوش گچ کاری، کاشی کاری دیوارها، برپایی مقصوره‌ها، نقاشی سقف و تزئین آن با چوب ساج، جایگزینی بنایی مستحکم و سنگی به جای خانه‌های گلی رسول خدا-ص- و... خلاصه این که این مسجد تبدیل به ساختمانی شد که تا آن زمان در جزیره العرب نظیر نداشت. از جمله تزئیناتی که برای نخستین بار صورت می‌گرفت، نقش آیات قرآنی بود که بر روی کاشیها و دیوار مسجد نوشته شده و آیات سوره و الشمس انتخاب شده بود.

طرح تازه‌ای که در بنای جدید به کار رفت، یکی ساختن محراب در محلی بود که رسول خدا-ص- در آنجا به نماز می‌ایستاد و دیگری مناره‌ای بود که بر چهار زاویه مسجد ساخته شد.

توسعه مسجد در زمان مهدی عباسی

بنی عباس در سال ۱۳۲ ه.ق. بر مسند خلافت نشستند. گفته شده است که سفاح و منصور، اولین و دومین خلیفه عباسی، قصد توسعه مسجد را داشتند، اما فرصت این کار را نیافتند. به ویژه منصور دل خوشی از مردم مدینه که در شورش سخت به رهبری نفس زکیه از نوادگان امام حسن-ع- بر ضد او شرکت کرده بودند، نداشت. مهدی فرزند منصور، هم در مسجد الحرام و هم در مسجد النبی بناهای جدیدی را ساخت که پیش از این درباره مسجد الحرام سخن گفتیم.

وی در سال ۱۵۸ ه.ق. سفری به مدینه کرد و تصمیم گرفت تا مسجد رسول خدا-ص- را بازسازی کند و بر مساحت آن بیفزاید. مجموعه مساحتی که مهدی بر مسجد افزود ۲۴۵۰ متر می‌شد. همچنین، او بر شمار ستونهای مسجد افزود و تعداد درهای آن را نیز بیشتر کرد. در این زمان مسجد بیست در داشت: چهار در شمالی، هشت در غربی و هشت در شرقی.

برخی از منابع اشاره دارند که مامون نیز در سال ۲۰۲ تغییراتی در مسجد ایجاد کرده است. پس از این توسعه‌ها، تا قرن هفتم گزارشی از تعمیرات اساسی یا توسعه فضای مسجد النبی در دست نداریم و در این مدت اقدام مهمی صورت نگرفته است. در سال ۶۵۴ ه.ق.، یعنی سه سال قبل از سقوط عباسیان، مسجد النبی آتش گرفت و خسارت بسیاری بر آن وارد شد. خلیفه عباسی نتوانست آن را بازسازی کند؛ زیرا به دست مغولان ساقط شد، اما امیران مصر معمارانی را برای بازسازی آن فرستادند. پس از آن، محمد بن قلاوون سقفهایی در قسمتهای غربی و شرقی مسجد زد و در سالهای ۷۰۵ و ۷۰۶ رواقهای دیگری نیز برای مسجد ساخته شد. با اصلاحات دیگری که صورت گرفت، مسجد صورت نخست خود را باز یافت.

در سال ۸۸۶ ه.ق. بار دیگر مسجد بر اثر صاعقه‌ای آتش گرفت. این بار نیز ممالیک مصر کار باز سازی را عهده‌دار شدند و علاوه بر مسجد، رباط، مدرسه و آشپزخانه‌ای نیز برای آنان بنا کردند. مساحت مسجد در این تجدید بنا تا ۹۰۱۰ متر مربع رسید. گزارش این آتش سوزی و بازسازی آن توسط ممالیک را، یک نویسنده ایرانی که خود در مدینه بوده نگاشته است. (۳)

تلاش عثمانیها

مرحله بعدی باز سازی مسجد، در عهد عثمانیها و در قرن دهم هجری قمری صورت گرفت. سلطان سلیمان عثمانی در سال ۹۳۸ ه.ق. در بازسازی مسجد النبی کوششهایی صورت داد، اما اقدام اساسی در سال ۱۲۶۵ ه.ق. به دست سلطان عبد الحمید آغاز گردید و در طی سیزده سال مسجد به شکلی استوار و در عین حال زیبا بازسازی شد. نتیجه این باز سازی، قوی‌ترین و محکم‌ترین ساختمانی بود که تا آن زمان برای مسجد ساخته شده بود.

اضافات در دوره سعودی

تا سال ۱۳۷۰ ه.ق. که تلاش جدیدی برای بازسازی مسجد صورت گرفت، اقدامی برای تعمیرات اساسی در مسجد به عمل نیامده بود. در این سال، عبد العزیز سعودی کار را آغاز کرد و زیر نظر چند مهندس، طرحهایی را برای توسعه مسجد آماده ساخت. در سال ۱۳۷۳ ه.ق. کار آغاز شد. مجموع مساحت مسجد پس از این بازسازی، به ۱۶۳۲۷ متر مربع رسید. این افزایش در قسمتهای شمالی، غربی و شرقی صورت گرفت. علاوه بر ۶۰۲۵ متری که ضمیمه مسجد شد، حدود ۱۶۹۳۱ متر نیز به عنوان میدانها و خیابانهای اطراف مسجد، از خانه‌های اطراف تخریف گردید. ناظری مسجد را پس از این بازسازی، چنین توصیف کرده است:

«در این بنای باشکوه و ظریف که به صورت سه شبستان شمالی، شرقی و غربی احداث گردید، ۲۲۲ ستون زیبا با سرستونهای فلزی توام با سنگهای حجاری شده و منقش، جلوه خاصی دارد. برای استواری چنین بنایی ۷۴ ستون مربع شکل در امتداد دیوارهای شرقی و غربی هر یک به طول ۱۲۸ متر و دیوار شمالی به طول ۹۱ متر، احداث گردیده که به وسیله ۴۴ پنجره بزرگ و مزین به سنگهای تراشیده شده و سرستونهای هلالی، شبستانهای مذکور را شکوه خاصی بخشیده است.»

مرحله دیگر توسعه مسجد، توسط سعودیها در سال ۱۴۰۶ ه.ق. آغاز شد. این توسعه در قسمتهای شمالی، غربی و شرقی صورت گرفت و فضایی به وسعت ۸۲۰۰۰ متر مربع را در بر می‌گیرد. این مساحت بیشترین مساحتی است که تاکنون به مسجد اضافه شده است. علاوه بر این، فضای گسترده‌ای نیز در اطراف مسجد تسطیح شده

تا در هنگام نماز، نمازگزاران بتوانند در بیرون مسجد نیز اقامه نماز کنند. مجموع مساحت و اطراف آن در حدود ۴۰۰۵۰۰ متر مربع یعنی برابر کل مساحت مدینه عصر رسول خدا-ص- است.

پی‌نوشتها

- ۱- برای توضیحات بیشتر درباره نامهای مدینه و معانی آنها نک: مقاله «نامهای مدینه»، احمد زمانی، فصلنامه «میقات حج»، ش ۷، صص ۱۷۸-۱۵۸
- ۲- تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۷۹-۵۷
- ۳- این گزارش جالب، در فصلنامه «میقات حج» ش ۱۰، صص ۱۱۶-۱۰۶ چاپ شده است.

قسمتهای داخلی مسجد النبی -ص-

مسجد پیامبر در آغاز عبارت از زمینی بود که حصارى گلى در اطراف آن کشیده بودند. بر فراز بخشی از آن نیز سقفی از شاخه‌های خرما بود که مانع تابش آفتاب بر نمازگزاران می‌شد. با این حال، به تناسب مسجد بودن و نیز به تناسب آن که یک ساختمان برای عبادت بود، قسمتهای مختلفی داشت. یادگارهای رسول خدا -ص- در گوشه و کنار آن نیز خود در ایجاد آثار خاص مذهبی مؤثر بود؛ آثاری که هر کدام نشانه‌ای از معنویت اصیل این مسجد است. قسمتهایی نیز بعدها ضمیمه شد که در اینجا به توضیح مختصری درباره هر قسمت می‌پردازیم.

روضه شریفه

قسمتی از مسجد النبی که در ناحیه جنوب (رو به سمت قبله) شرقی قرار دارد، به نام روضه مطهره و روضه شریفه شناخته می‌شود. این قسمت فضیلت زیادی دارد؛ چرا که در حدیث رسول خدا -ص- به عنوان روضه‌ای بهشتی معرفی شده است: «ما بین بیتی [قبری] و منبری روضه من ریاض الجنه». این حدیث مورد اتفاق فریقین است. همچنین، به اتفاق روایات اهل بیت -ع-، این روضه شامل خانه حضرت فاطمه -س- نیز می‌شود. مساحت روضه شریفه ۲۲ متر طول و ۱۵ متر عرض دارد که مجموعاً ۳۳۰ متر مربع می‌شود.

در محدوده روضه مطهره، سه مکان مقدس وجود دارد؛ مرقد مطهر پیامبر، منبر و محراب، که به ترتیب درباره آنها سخن می‌گوییم:

مرقد مطهر رسول خدا -ص-

یکی از بهترین نقاط مسجد، مدفن رسول خدا -ص- است؛ پیامبری که محبوب خدا و خلق بوده و میراث گرانبهای اسلام، حاصل تلاش بیست و سه ساله اوست. در کناره شرقی مسجد، حجره‌هایی برای زندگی همسران رسول خدا -ص- ساخته شد که تا قریب نود سال پس از رحلت آن حضرت نیز سرپا بود. ابتدا حجره‌ای برای سوده، پس از آن عایشه و در امتداد آن، حجره‌ای برای حضرت فاطمه -س- ساخته شد. مورخان نوشته‌اند که رسول خدا -ص- در حجره‌ای که وفات یافت، مدفون شد. طبق آنچه اهل سنت روایت کرده‌اند رسول خدا -ص- در حجره عایشه بوده است. احتمال دیگر نیز آن است که حجره‌ای در میان حجره عایشه و حجره حضرت فاطمه -س- بوده که آن حضرت برای استراحت در آنجا بسر می‌برده و اختصاص به هیچ یک از همسرانش نداشته است. رسول خدا -ص- در آنجا بستری بود و در همان جا وفات یافت. پس از رسول خدا -ص- این حجره دو نیمه شد، نیمی در برگیرنده قبر رسول خدا -ص- و نیمی دیگر در اختیار عایشه بوده است.

مرقد رسول خدا-ص- در زمان خلیفه دوم در اتاق کوچکی قرار داشت و تا زمان توسعه مسجد در عهد ولید، به همان شکل باقی بود. در آن زمان که قسمت شرقی مسجد توسعه یافت، مرقد مطهر در مسجد قرار گرفت و گرد آن یک پنج ضلعی کشیده شد.

اکنون محدوده حجره طاهره که مرقد نیز در داخل آن قرار دارد، ۲۴۰ متر (۱۶ متر طول و ۱۵ متر عرض) مساحت دارد که ضریحی مطلا در اطراف آن کشیده شده است. در چهار گوشه حجره طاهره چهار ستون مستحکم بنا شده که گنبد سبزی بر روی آن قرار دارد. این حجره دارای چند در است: در حجره فاطمه-س- که نشانه محل حجره آن حضرت-سلام الله علیها- است، در تهجد در شمال حجره، در وفود یا باب الرحمه در جهت غرب و در توبه یا باب الرسول در جهت جنوب (قبله).

در حجره طاهره، محلی به عنوان قبر فاطمه-س- مشخص شده است. این قبر بر اساس روایات و اقوالی است که مدفن آن بانوی گرامی را در خانه خود می‌دانند. محل قبر با بقعه کوچکی مشخص شده و در داخل ضریح جای گرفته است. در قسمت جنوبی این بقعه محراب فاطمه-س- قرار دارد.

منبر

یکی از مکانهای مقدس در مسجد، محل منبر رسول خدا-ص- است. در روایات نقل شده که پیامبر در آغاز با تکیه بر درخت خرما، به ایراد خطبه می‌پرداخت. یکی از اصحاب پیشنهاد ساختن منبری داد تا رسول خدا-ص- بر روی آن بنشیند تا هم مردم او را ببینند و هم آن حضرت از ایستادن خسته نشود. در برخی دیگر از روایتها آمده است که پیش از آن سکویی از گل ساخته بودند که آن حضرت بر روی آن می‌نشست و تنها در سال هفتم هجرت بود که منبری چوبین برای آن حضرت ساخته شد.

از این منبر سه پله‌ای تا زمان حکومت معاویه استفاده می‌شد. معاویه برای کسب وجهه و اثبات حقانیت خود! خواست تا منبر رسول خدا-ص- را از مدینه به شام ببرد، اما مردم مدینه با اعتراض خود از این کار ممانعت کردند. بعدها نجاری، شش پله بر همان منبر افزود که نه پله شد. این منبر بر اثر گذشت زمان از میان رفت و قسمتی از آن در قرن ششم به عنوان تبرک مورد استفاده بوده است. گفته‌اند که سوخته آن منبر در محلی که اکنون منبر فعلی قرار دارد، دفن شده است.

منبری که در حال حاضر وجود دارد منبری است که سلطان مراد عثمانی در سال ۹۹۸ ه.ق. دستور ساخت و نصبش را داد و دارای دوازده پله است. این منبر که اکنون در مسجد النبی قرار دارد، یک اثر ارزشمند هنری است.

محراب

محراب در محلی ساخته شده است که رسول خدا-ص- در آنجا نماز می‌گزارد و پیشانی خویش را به عنوان سجده در برابر حق تعالی بر خاک آن می‌نهد. محل نماز رسول خدا-ص- کاملاً مشخص است و در این که

محل آن، محل همین محراب فعلی است، هیچ تردیدی وجود ندارد. زمانی که ولید دستور توسعه مسجد را داد و عمر بن عبد العزیز آن را اجرا می کرد، بر جایگاه نماز رسول خدا-ص- محرابی ساخته شد. این محراب در طول زمان دگرگونی‌هایی را تحمل کرده و بنای فعلی آن از دوره سلطان اشرف قایتبای باقی مانده است. در دوره عثمانی تزییناتی با آیات قرآن در آن صورت گرفته است.

محرابه‌های دیگری نیز که محل نماز برخی از خلفا بوده در مسجد ساخته شده که از جمله آنها محراب عثمان است.

از مهمترین این محرابها محراب تهجد است. تهجد به معنای شب زنده‌داری است. نوشته‌اند که رسول خدا-ص- در زمینی که در پشت‌خانه حضرت فاطمه-س- بوده، شبها به عبادت و تهجد می پرداخته است. اکنون محل آن در نزدیکی خانه حضرت فاطمه-س- مشخص است و پس از ورود از باب جبرئیل، در سمت چپ، درست در برابر محل صفا قرار دارد. زمین مجاور آن مانند محل صفا اندکی بلندتر از سطح زمین مسجد است.

ستونهای مسجد

سقف مسجد بر ستونهایی قرار داشت که علاوه بر نگهداری از سقف، مورد استفاده رسول خدا-ص- و اصحاب نیز بود. از هر ستونی خاطره ویژه‌ای باقی مانده است که باعث شده جنبه تبرک و تقدس به خود گیرد و با گرفتن نامهای خاصی، در تاریخ جاودان بماند. هر بار که مسجد بازسازی می شد محل این ستونها تغییری نمی کرد، جز این که ستونهای قدیمی جای خود را به ستونهای جدید می داد. طبعاً با توسعه مسجد، ستونهای جدیدی نیز افزوده می شد، به طوری که اکنون نزدیک به ۷۰۶ ستون در مسجد وجود دارد.

ستونهایی که در محل قدیمی مسجد، در قسمت جنوبی آن قرار داشته اکنون با رنگ سفید از بقیه ستونها مشخص شده است. همان گونه که اشاره شد، هر یک از این ستونها یادگار خاطره ویژه‌ای است. که درباره برخی از آنها توضیحاتی را می آوریم:

اسطوانة الحرس

یکی از این ستونها، ستون نگاهبانی یا «اسطوانة الحرس» نامیده می شود. در کنار این ستون، امام علی، امیر مؤمنان-ع- می ایستاد و از رسول خدا-ص- محافظت می کرد. گفته شده از زمانی که آیه «و الله یعصمک من الناس» (۱) نازل شد، امام-ع- دیگر به نگاهبانی از رسول خدا-ص- نپرداخت؛ چرا که خداوند خود حفاظت از جان پیامبر-ص- را عهده دار شده بود. اسطوانة الحرس را به نام مصلاهی علی-ع- نیز می شناسند و این نشان می دهد که ستون مزبور پیوند خاصی با آن امام همام داشته است.

اسطوانة التوبة

ستون توبه یادآور خاطره‌ای است درباره یکی از اصحاب رسول خدا-ص- به نام ابو لبابه. زمانی که در سال پنجم هجرت، احزاب مشرک به مدینه حمله کردند و در شمال مدینه مواجه با خندق شدند، به فکر اتحاد با یهودیان بنی قریظه افتادند که در قسمت جنوبی مدینه بودند و می‌توانستند با گشودن دروازه‌هایشان، احزاب را به مدینه راه دهند. یهود بنی قریظه، با رسول خدا-ص- پیمان داشتند و علی‌رغم این پیمان، همکاری‌هایی با مشرکان کردند. پس از خاتمه حمله احزاب، رسول خدا-ص- به سراغ بنی قریظه رفت و آنان را در حصار گرفت. ابو لبابه از طرف رسول خدا-ص- نزد بنی قریظه رفت تا با آنان سخن بگوید. وی از روی بی‌توجهی گفت که آنان نقض عهد کرده‌اند و مواجه با کشته شدن هستند. این سخن می‌توانست بنی قریظه را به دفاعی سخت در برابر مسلمانان وادار کند. ابو لبابه که خود متوجه خطای خویش شده بود، از قلعه بنی قریظه خارج شد و مستقیم به سوی مسجد رفت و خود را به یکی از ستونها بست و شروع به گریه و زاری و نماز خواندن کرد. خداوند ضمن آیات، توبه او را پذیرفت و از مسلمانان خواست تا خیانت نکنند. این ستون به خاطر همین نقل، به نام ستون توبه معروف است.

اسطوانة الوفود

یکی از کارهای جاری رسول خدا-ص-، ملاقات با سران قبایل و پذیرفتن آنها برای آشنا ساختنشان با اسلام و یا مذاکرات سیاسی بود. آن حضرت محلی را در مسجد به این امر اختصاص داده بود و همیشه در آنجا این هیاتها را به حضور می‌پذیرفت. محل این ملاقاتها در کنار ستونی از ستونهای مسجد بود که بعدها به نام اسطوانة الوفود معروف شد و اکنون نیز همین نام را دارد. «وفد» به معنای هیات نمایندگی و «وفود» جمع آن است. اسطوانة السیریر یکی دیگر از ستونهای مسجد، در محلی بود که رسول خدا-ص- ایام اعتکاف را در آنجا بسر می‌برد. اصحاب در آنجا برگه‌هایی از درخت خرما پهن می‌کردند تا رسول خدا-ص- روی آنها استراحت کند. این محل که در کنار همین اسطوانة السیریر قرار داشته، به عنوان جایی که تختخواب رسول خدا-ص- بوده، شناخته شده است. «سیریر» به معنای تخت است.

اسطوانة المهاجرین

علت انتخاب نام مهاجرین برای این ستون، گویا این بوده است که آنها معمولاً در کنار این ستون می‌نشستند و با یکدیگر سخن می‌گفتند. این ستون به نام عایشه نیز نامیده می‌شده است.

اسطوانة الحنانه

پیش از این گفتیم که رسول خدا-ص- در آغاز بر تنه درخت خرمایی تکیه می کرد و خطبه می خواند. نوشته اند زمانی که برای آن حضرت منبر ساخته شد، از این درخت ناله ای رخاست شبیه ناله شتر ماده ای که از بچه خود جدا شود. این روایت را بیش از صد تن از اصحاب رسول خدا-ص- نقل کرده اند.

صفه

زمانی که مسلمانان مکه و نواحی اطراف به دستور رسول خدا-ص- به مدینه هجرت کردند، آشکار بود که شهر امکان پذیرایی از تمامی آنها را ندارد. انصار با ایثار و گذشت، عده زیادی از آنان را به خانه های خود بردند و برخی دارایی خود را با آنان تقسیم کردند، اما گروهی بدون سرپناه باقی ماندند. بعلاوه، بعد از آمدن به مدینه چندی طول کشید تا مسکن و ماوایی بیابند و کاری را پیشه خود سازند و در آمدی به دست آورند.

این دسته از مهاجران فقیر، در قسمتی از مسجد که برای آنان در نظر گرفته شده بود، اسکان داده شدند. این محل سقفی داشت تا آنان از تابش خورشید در امان باشند و بتوانند در سایه آن بیاسایند. شبها برخی از آنها شام را میهمان انصار بودند، اما برای خواب به محل صفه باز می گشتند. در بیشتر موارد نیز می بایست به اندک خوراکی که رسول خدا-ص- برای آنان می فرستاد و بیش از آن در اختیار آن حضرت نبود، قناعت می کردند. یک بار یکی از آنان گفت که از بس خرما به ما داده شده، شکممان آتش گرفته است.

تعداد آن در گذر زمان کم و زیاد بوده است و آنچه به طور پراکنده در کتابهای سیره آمده و اسامی آنان ضبط شده، در حدود یکصد نفر بوده اند. این افراد اغلب جز شرکت در جماعت، عبادت و نیز حضور در غزوات و سرایا، کاری نداشتند و چون روحیه عابدانه و زاهدانه ای داشته اند، در طول تاریخ اسلام، سر مشقی برای انسانهای عارف بوده اند.

زمینی که به آنها اختصاص داده شده بود، یک مساحت ۹۶ متری مسقف بود که در میان باب جبرئیل و باب النساء قرار داشت. اکنون قسمتی از مسجد به صورت برجسته مشخص شده است، اما بر اساس آنچه در نقشه های قدیمی مسجد آمده است، چنین محلی نمی تواند محل اصلی صفه تلقی شود، زیرا که این محل خارج از مسجد قرار داشته است در حالی که همه نقل کرده اند که صفه در خود مسجد بوده است.

برخی از اهل صفه عبارت بودند از: بلال، ابوذر، حذیفه بن یمان و مقداد بن اسود. (۲)

مقام جبرئیل

این محل بدان جهت به عنوان مقام جبرئیل شناخته شده که ملک مقرب از آنجا بر رسول خدا-ص- وارد می‌شده و به خدمت آن حضرت می‌رسیده است. نام دیگر این محل، اسطوانه مربعه القبر است که اکنون در داخل حجره شریف قرار دارد و قرن‌هاست که قابل دسترسی نیست. این محل در منتهی الیه جنوب شرقی، محل تلاقی دو دیوار جنوبی و شرقی، قرار دارد. هنگامی که دسترسی بدین محل امکان داشت، به عنوان یکی از نقاط بسیار متبرک، محل عبادت بوده است. بر اساس برخی روایات، قبر حضرت فاطمه-س- در این قسمت قرار دارد.

در فضیلت همین اسطوانه که در ضمن، باب خانه حضرت فاطمه-س- نیز بوده، آمده است که رسول خدا-ص- چهل روز صبحگاهان در کنار این در می‌رفت و خطاب به اهل خانه که امام علی-ع-، حضرت فاطمه-س- و حسنین-علیهما السلام- بوده‌اند، می‌فرمود: «السلام علیکم یا اهل البیت». و این آیه را می‌خواند: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا.» (۳)

در گذشته، در زاویه شرقی حیاط اول مسجد، چند نخل بوده که گویا به دلیل نزدیکی آن به محراب تهجد و خانه حضرت زهرا، آن را «حدیقۀ الزهراء» می‌نامیده‌اند. تصویر این درختان در عکسهای قدیمی بر جای مانده است.

نام مبارک دوازده امام همراه نام عشره مبشره و اسامی چهار امام مذهب اهل سنت بر اطراف دیوار حیاط اول و دوم به خطی زیبا نوشته شده است. در میان آنها نام امام زمان-ع- به صورت «محمد المهدی» آمده و به گونه‌ای نوشته شده که از دور «حی» یعنی زنده، خوانده می‌شود. در کشور عثمانی و بسیاری از نقاط دیگر، اهل سنت دوازده امام را نیز در کنار خلفای نخست و ائمه مذاهب اربعه، دوست می‌داشته‌اند و به همین دلیل نامشان را در این بزرگترین مسجد دنیای اسلام آورده‌اند.

درهای مسجد

زمانی که مسجد النبی بنا گردید، برای ورود و خروج چند در تعبیه شد. تا سال سوم هجرت، برخی از اصحاب که از شخصیت والایی برخوردار بودند، در حاشیه مسجد خانه می‌ساختند. این خانه‌ها دری به بیرون، و دری نیز به درون مسجد داشت. در سال سوم هجرت، قبل از غزوه احد، فرمانی از سوی رسول خدا-ص- صادر شد که همه درها بسته شود مگر در خانه علی-ع- «سدوا الابواب الا باب علی». این مطلب در منابع معتبر اهل سنت نیز آمده است.

رفت و آمد به مسجد از طریق درهایی بود که هر یک تحت عنوانی نامگذاری شده بود. تعداد این درها به مرور زمان کم و زیاد شده است؛ با این حال برخی از درهای موجود در برابر همان درهای نخستین است.

درهای نخستین مسجد

۱. باب الرحمه

این در، در دیوار غربی مسجد قرار دارد. نامگذاری این در به «در رحمت» برگرفته از حدیثی از رسول خدا-ص- است که به درخواست شخصی که از این در وارد شده بود، از خداوند طلب نزول باران کرد و پس از هفت روز، طبق درخواست همان شخص که از همین در آمده بود، تقاضای قطع باران شد. این در را «باب عاتکه» نیز می نامیدند.

۲. باب جبرئیل

این در، مدخل ورودی رسول خدا-ص- بوده و در دیوار شرقی مسجد قرار دارد. زمانی به باب النبی نیز شهرت داشته است. روایتی دلالت بر آن دارد که رسول خدا-ص- در مدخل این در با جبرئیل ملاقات کرد و سخن گفت، و از این رو به باب جبرئیل نامگذاری شد.

۳. باب السلام

این در نیز در دیوار غربی مسجد قرار دارد و از زمان بنای نخستین مسجد وجود داشته است.

۴. باب النساء

یکی از درهای مهم مسجد که در زمان توسعه آن در عهد خلیفه دوم ایجاد شد، باب النساء بود که هنوز هم به همین نام شهرت دارد. این در اختصاص به رفت و آمد زنها به مسجد داشته است. علاوه بر اینها، در توسعه های بعدی، دهها در جدید به مسجد افزوده شد. گفتنی است که در توسعه های بعدی، درهای جدید روبروی محل درهای قدیم ساخته شده است.

مناره‌های مسجد

بنای نخستین مسجد و توسعه‌های بعدی آن تا زمان ولید بن عبد الملک، هیچ گونه مناره‌ای را در مسجد نشان نمی‌دهد. در آن زمان مؤذن تنها بر بام مرتفعی قرار می‌گرفته و ندای اذان سر می‌داده است. در توسعه زمان ولید، چهار مناره بر چهار گوشه مسجد النبی ساخته شد. این مناره‌ها در گذر زمان جای خود را به مناره‌های بزرگتر و مستحکم‌تری داده است. مناره‌های جدیدی به دست سلطان قایتبای ساخته شد که در توسعه جدید برخی از آنها از میان رفته و برخی باقی مانده است. مناره‌های جدیدی نیز برای مسجد ساخته شده است.

چهار مناره اصلی مسجد عبارتند از: مناره‌های سلیمانیه و مجیدیه که در دو سوی ضلع شمالی قرار گرفته و مناره‌های قایتبای و باب السلام که در دو سوی ضلع جنوبی (قبله) قرار دارد.

در حال حاضر مناره‌های دیگری نیز بر آنچه بوده افزوده شده است.

موقعیت حجرات رسول خدا-ص- و حجره فاطمه-س-

پیش از این گفتیم که در کنار دیواره شرقی مسجد، حجره‌هایی برای سکونت همسران رسول خدا-ص- ساخته شده بود. در آغاز چند حجره برای سکونت همسران رسول خدا-ص- ساخته شد. این خانه‌ها که بیشتر اتاقی بیش نبودند، از خشت و گل ساخته شده و دیوارهای آنها از شاخه درختان و گل بنا شده بود. از میان نه خانه که در سال آخر وجود داشت، پنج خانه هیچ گونه اتاقی نداشت و تنها سقفی بر روی آنها کشیده شده بود. این خانه بسیار ساده بوده و در قیاس با برخی از خانه‌های سنگی موجود در مدینه آن زمان که به عنوان اطم‌زیعنی قلعه کوچک یاد می‌شد، شکلی بسیار بی‌آلایش و ساده داشتند.

منابع تاریخی گزارش کرده‌اند که خانه‌ها همه در ضلع شرقی مسجد از جنوب به شمال بوده است. اما برخی اظهار کرده‌اند خانه‌ای که عایشه در آن سکونت داشته در ضلع جنوبی واقع شده بود و از آنجا به سمت دیوار شرقی تا باب جبرئیل ادامه داشته است. اگر این گزارش درست باشد، نباید رسول خدا-ص- در خانه عایشه دفن شده باشد، بلکه احتمالاً در محلی دفن شده که بعدها عایشه ادعای مالکیت آن را کرده و طبعاً حکومت هم جانبدار این ادعا بوده است. برخی محل دفن رسول خدا-ص- را خانه حضرت فاطمه-س- دانسته‌اند.

متأسفانه منابع تاریخی محل دقیق خانه حضرت فاطمه-س- را مشخص نکرده‌اند، اما به احتمال بسیار قوی خانه آن حضرت در میان مربع قبر و محراب تهجد بوده است. به طور قطع، محلی که احتمالاً قبر آن حضرت دانسته شده، خانه آن حضرت بوده است.

این خانه‌ها در طرح توسعه ولید بن عبد الملک در اواخر قرن اول هجری که شامل دیوار شرقی مسجد نیز شد، تخریب گردید، در حالی که مردم مدینه از تخریب آنها به شدت ناراحت بودند. آنها شاهد بودند که حجره‌های رسول خدا-ص- که نشانه ساده زیستی آن حضرت بود این چنین تخریب می‌شوند، به همین دلیل ساکنان مدینه در لحظه خراب شدن خانه‌ها می‌گریستند.

یکی از این خانه‌ها از آن فاطمه صغری فرزند امام حسین-ع- بوده که با شوهرش حسن بن حسن بن علی-ع- در آن زندگی می‌کرده است. او حاضر به دادن خانه نشد اما آن را به زور از وی گرفتند. به نوشته برخی از منابع، تا قرن‌ها مردم از نماز خواندن در محل این خانه پرهیز داشتند و زمین آن را غصبی می‌دانستند.

پی‌نوشتها

۱- مائده: ۶۷

۲- فهرست اصحاب صفه را بنگرید در مقاله «اصحاب صفه» ترجمه جواد محدثی، فصلنامه «میهنات حج»، ش

۱، صص ۱۶۳-۱۵۵

۳- احزاب: ۳۳

مساجد و اماکن متبرک جنوب مدینه

جنوب مدینه از نقاط پر آب و حاصلخیز مدینه به شمار می‌آید. با این حال این منطقه نیز حره کوچکی دارد و از زمینهای سنگلاخ بی‌بهره نیست. نخلستانهای زیادی هم در آن قرار دارد. این منطقه به طور عمده شامل عصبه در جنوب غربی، قبا در جنوب و قربان و عوالی در جنوب شرقی است. در اینجا مساجد و اماکن متبرکه این بخش را با شرحی از مسجد قبا آغاز می‌کنیم:

مسجد قبا

منطقه قبا در فاصله شش کیلومتری جنوب مسجد النبی قرار دارد و از نقاط خوش آب و هوا و از جمله مناطق زراعی و پر آب اطراف مدینه به شمار می‌آید. به همین دلیل نخلستانهای زیادی در قبا وجود داشته و دارد. این منطقه به دلیل واقع شدن در جنوب شهر، اولین محلی بود که از رسول خدا-ص- استقبال کرد. آن حضرت پس از رسیدن به قبا، چند روزی را در آنجا بسر بردند تا آن که امیر مؤمنان، علی-ع-و برخی دیگر از اعضای خانواده‌اش به ایشان پیوستند، آنگاه همگی راهی یثرب شدند.

در چهار روزی که رسول خدا-ص- در قبا بود، مسجدی در این ناحیه بنا فرمود که طی آن تنها دیواری از سنگهای حره بر گرد آن کشیده شد. البته تا زمان توسعه ولید مسجد سقف نداشت یا اگر هم داشت از همان شاخه‌های خرما بود.

بنا به نقل روایات بسیار، مسجد قبا مصداق آیه «لمسجد اسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه» (۱) می‌باشد. این آیه اشاره به این نکته که این مسجد از روز نخست بر پایه تقوا ساخته شده و لذا سزاوار است تا رسول خدا-ص- نه در مسجد ضرار در این مسجد نماز بگذارد. به دلیل نزول همین آیه در شان مسجد قبا، در آن زمان مسجد قبا را به نام «مسجد التقوی» می‌شناختند. (۲) این آیه در برابر مسجد ضرار ساخته شده که آن هم در قبا بوده و اساس آن بر پایه نفاق ساخته شد.

همچنین نقل شده است که آیه «فیه رجال یحبون ان یتطهروا و الله یحب المطهرین» (۳) در شان نمازگزاران مسجد قبا نازل شده است.

بدین ترتیب، مسجد قبا نخستین مسجدی است که رسول خدا-ص- آن را بنا کرده است. آن حضرت درباره نماز خواندن در مسجد قبا فرمود:

«من تطهر فی بینه ثم اتی مسجد قباء فصلی فیه رکعتین کان کاجر عمره». (۴) «کسی که خود را در خانه‌اش تطهیر کند، آنگاه به مسجد قبا در آید و دو رکعت نماز بخواند، ثواب یک عمره را برده است.»

ورود رسول خدا-ص-را به قبا، دوشنبه دوازدهم یا چهاردهم ربیع الاول دانسته‌اند. آن حضرت در این چند روز میهمان کلثوم بن هدم بود و در منزل سعد بن خیشمه با مردم ملاقات می‌کرد. این دو منزل در سمت قبله مسجد قبا بوده و در توسعه اخیر مسجد قبا در درون مسجد قرار گرفته است.

رسول خدا-ص-بعدها نیز که در مرکز مدینه ساکن شد، هر هفته، گاه روزهای شنبه و گاه دوشنبه به قبا می‌آمد و در این مسجد نماز می‌گزارد. ساکنان قبا نوعاً از چهره‌های بسیار خوب اصحاب آن حضرت بودند.

عمر بن عبد العزیز در آخرین دهه قرن اول هجری، به دستور ولید بنای اولیه مسجد قبا را تخریب کرد و از نو بنایی استوار بر پا نمود و برای آن رواقهایی نیز ساخت.

مسجد قبا بعدها به دست جواد اصفهانی، یکی از وزرای حکام موصل، در سال ۵۵۵ قمری باز سازی شد. آثار این وزیر در تمامی مکه و مدینه دیده می‌شود و ما در این کتاب از چند مورد آنها یاد کرده‌ایم.

مسجد قبا همیشه مورد توجه مسلمانان بوده و بارها تعمیرات اساسی در آن صورت گرفته است. در سال ۱۳۸۸ قمری ملک فیصل رواقهای آن را در جهت شرقی مسجد توسعه داد. مسجد قبا یکی از مهمترین و زیباترین مساجدی است که در محدوده فعلی مدینه قرار دارد، چرا که با توسعه شهر، قبا نیز در محدوده مدینه قرار گرفته است. بنای جدید آن مربوط به سال ۱۴۰۶ هجری قمری می‌باشد. کتیبه‌ای سنگی که مربوط به این بازسازی است در بیرون مسجد نصب شده است.

مسجد جمعه

پیامبر-ص-در ادامه مسیر از قبا به یثرب، در میان قبیله بنی سالم برای نخستین بار نماز جمعه را اقامه کرد و همین مساله سبب شد تا محل نماز خواندن رسول خدا-ص-به عنوان «مسجد الجمعة» شناخته شود. نامهای دیگر آن، «مسجد عاتکه» و «مسجد الوادی» (وادی رانونا) است. این مسجد نظیر مسجد النبی از خشت و گل ساخته شده بود و سقفی کوچک داشت. مسجد جمعه بعدها با سنگ ساخته شد، اما تا قرن هشتم مساحت آن بسیار کم بود. در قرن نهم هجری، مسجد باز سازی شد و طول آن از شمال به جنوب ۱۰ متر و عرض آن از شرق به غرب ۸/۲۵ متر بوده و شبستان مسقفی نیز داشته است. این مسجد در دوره عثمانی اندکی بزرگتر و از

اساس بنا شد. قبل از بازسازی جدید آن، سید حسن شربتلی که این مسجد در میان باغ وی بوده آن را بازسازی مختصری کرده است. بنای فعلی آن، که بسیار مجلل ساخته شده، از دوره سعودی است.

در برخی نقلها آمده است که قبل از رسول خدا-ص- نیز مسلمانان مدینه، اقامه جمعه می کرده‌اند. این مطلب چندان ثابت شده نیست. در هر حال، اولین نماز جمعه رسول خدا-ص- در همین مسجد اقامه شده است. از طریق یاقوت حموی آگاهیم که تا قرن هفتم مسجد ضرار که در برابر مسجد قبا از سوی منافقان در محله قبا ساخته شده به صورت ویرانه بوده است. حموی می‌گوید: زائرانی که برای خواندن نماز به قبا می‌آیند نزدیک مسجد ضرار رفته لگدی به آن می‌زنند و می‌روند.

خانه کلثوم بن هدم و سعد بن خیشمه

در منطقه قبا مکانهای مختلفی وجود داشته که مورد توجه زائران بوده است. بسیاری از مساجد اکنون از میان رفته است.

پیش از بازسازی جدید دو مسجد کوچک در سمت قبله مسجد قبا بوده یکی خانه کلثوم بن هدم و دیگری خانه سعد بن خیشمه که هر دو در بازسازی جدید تخریب و گویا در مسجد افتاده است. این دو خانه محل فرود آمدن رسول خدا-ص- پس از هجرت و محل زندگی شماری از مهاجران نخست به مدینه بوده است.

سخاوی در قرن نهم نوشته است: در صحن مسجد محل فرود آمدن ناقه رسول خدا-ص-، در سمت قبله آن خانه سعد بن خیشمه و کلثوم بن هدم و چاه اریس در برابر آن قرار دارد. (۵)

چاه اریس

اریس در لغت اهل شام، به معنای «فلاح» است. چاه مزبور را به نام «بئر اریس»، «بئر خاتم» و «بئر النبی» هم می‌نامند. چاه مزبور تا جایی که به آب می‌رسیده پله داشته است. از این چاه دهها بار در مصادر تاریخی و حدیثی یاد شده است. عمده‌ترین آنها اشاره به جریان افتادن خاتم رسول خدا-ص- در زمان عثمان و توسط وی در آن چاه است. پس از آن بود که هر چه مسلمانان کاوش کردند خاتم را نیافتند. محل آن در غرب مسجد قبا بوده و تا پیش از بازسازی مسجد در چند سال اخیر محل آن کاملاً مشخص بوده است. اکنون حوض و آبشاری در کنار مسجد قبا در ضلع غربی آن هست که بر اساس گفته یکی از شاهدان که پیش از خرابی آن را دیده بود، به احتمال بسیار قوی در همان محل چاه ساخته شده است. در امتداد آن خیابان، و باز در آن سوی خیابان نخلستان

است. آگاهیهای داده شده نشان می‌دهد که چاه مزبور فاصله بسیار اندکی از مسجد قبا داشته و پیش از خرابی بنای بسیار کوچکی بر روی چاه بوده است.

مسجد بنات بنی النجار

مسجدی کوچک در فاصله تقریبی صد متری، در شمال مسجد جمعه با مساحت تقریبی دوازده متر مربع تا سال ۱۳۷۳ شمسی وجود داشت. این مسجد از مساجد قدیمی مدینه بوده و شایع بوده که دختران بنی نجار در اینجا ایستاده و وقتی رسول خدا-ص- وارد قبا شدند سرود «طلع البدر علینا...» را می‌خواندند. مسجد مزبور در میان زمینی قرار داشت و گویا به تحریک عوامل وهابی مسجد مزبور تخریب شده است. فاصله آن با مسجد جمعه اندک بوده و شاید توجه برخی زائران به آن، سبب تحریک آنها در از بین بردن این مسجد شده است. گفتنی است که تصویر این مسجد در کتاب تاریخ معالم المدینه المنوره، نوشته الخیاری هم آمده است.

مسجد بنی وائل

این مسجد از مساجدی است که رسول خدا-ص- در آن نماز خوانده. گویا بنی وائل که طایفه‌ای از اوس بوده در قبا بوده‌اند اما مطری گفته که محل آن در شرق مسجد شمس، یعنی همان مسجد فضیخ بوده است. (۶) امروزه اثری از این مسجد نیست.

مسجد مصبح

از جمله مساجدی که در قبا بوده مسجد مصبح است. خیاری نوشته است که این مسجد بر فراز تلی است در قبا، در پشت مخازن آب چاه زرقاء. در پاورقی همان کتاب آمده است که این مسجد هنوز باقی است، ساختمانی است بدون سقف در کنار مستودعات غسان در قبا، در جنوب غربی مسجد قبا. در حاشیه غربی آن هم بنای مصبح و ثنیة الوداع است که رسول خدا-ص- در آنجا مورد استقبال قرار گرفت. (۷) این غیر از ثنیة الوداعی است که در غرب مسجد النبی قرار داشته است.

مسجد العمره

مسجدی با نام مسجد العرفات یا مسجد العمره در طرف قبله مسجد قبا بوده است. نامگذاری آن به مسجد عرفات را از آن روی دانسته‌اند که زمانی در روز عرفه رسول خدا-ص- در اینجا ایستاده بود. زمین آنچنان صاف

شد که حضرت از آنجا مردمانی را که در عرفات وقوف کرده بودند مشاهده کردند. ابن جبیر هم در سفرنامه‌اش از آن یاد کرده و گفته است که در انتهای قریه قبا تلی است که مشرف به عرفات است. او این مطلب را نیز افزوده است که: از همانجا وارد دار الصفه می‌شوند؛ جایی که عمار و دوستانش وقتی وارد مدینه شدند در آنجا بودند. الخیاری نوشته است که مسجد مزبور اکنون در پشت مدرسه قبا السعودیه است، اما پاورقی نویسنده نوشته است که این محل اینک داخل میدانی است که در سمت قبله مسجد قباست. (۸)

مسجد عتبان بن مالک

مسجد عتبان بن مالک نیز یکی از مساجد قبا بوده است. ابن عتبان که از نقبای انصار بود، از رسول خدا-ص- خواست تا به منزل وی آمده برای وی مصلاهی درست کند تا وی در آن نماز بخواند؛ زیرا برخی اوقات سیل میان او و مسجد محل فاصله می‌اندازد. رسول خدا-ص- به منزل وی رفته، و مسجدی در خانه‌اش برایش معین کرد. محل آن در شمال مسجد جمعه بوده است. بر اساس گفته عباسی این مسجد در سال ۱۰۳۶ هم بازسازی شده اما اکنون اثری از آن نیست. (۹) حفظ این محل به عنوان محلی متبرک یکی از بهترین دلایل در اعتقاد تمامی نسلهای مسلمان است که از آغاز تا زمان یاد شده، اعتقاد به متبرک بودن مکانهایی داشته‌اند که رسول خدا-ص- در آنها نماز خوانده است.

مسجد بنی بیاضه

از دیگر مساجد قبا مسجد بنی بیاضه است ابن شبه گفته است که رسول خدا-ص- در آنجا نماز خواند. عباسی در قرن یازدهم نوشته است که مسجد را یافته و در بنای مجدد آن تا حد امکان کوشش کرد. محل آن در غرب مسجد قبا، در میان مسجد التوبه و مسجد بنی سالم (یعنی مسجد جمعه) می‌باشد. (۱۰)

مسجد النور یا مسجد فاطمه

این مسجد را نیز در شمار مساجد قبا دانسته‌اند. عباسی از آن یاد کرده و نوشته است: ما آن را به همان صورتی که گفته بودند یافتیم. سید زین الدین یمانی آن را تجدید بنا کرده است. خداوند او را بهترین پاداش دهد. (۱۱) اکنون از این مسجد اثری در قبا نیست.

مسجد بنو انیف

مسجد طایفه بنو انیف در قبا، در سمت قبله مسجد قبا به سمت غرب در کنار چاه عذق بوده و به نقل عباسی در نزدیکی باغی بوده که در زمان وی به «القائم» شهرت داشته است. (۱۲)

مسجد التوبه

منطقه عصبه در غرب مسجد قبا قرار داشته و از آبادترین مناطق این ناحیه است. زمانی که مهاجران نخست به مدینه آمدند شماری از آنان در اینجا بودند که سالم مولی حذیفه برای آن‌ها نماز می‌خواند. عباسی نوشته که او جای مسجد را یافته که نزدیک بئر هجیم بوده است. (۱۳) الخیاری نوشته است که مسجد مزبور در داخل باغ شیخ ابراهیم ترکی مهندس مکانیک است که در اداره عین الزرقاء مشغول کار است. در کتاب الخیاری تصویری از بنای مخروبه مسجد التوبه چاپ شده است. (۱۴) از این مسجد با نام «مسجد العصبه» و «مسجد النور» هم یاد شده است.

خانه امام علی-ع-

محلّی در قبا به نام خانه امام علی-ع- بوده است. علامه میر حامد حسین نوشته است: «سپس به خانه علی بن ابی طالب-ع- مشرف شدم، محل عبادت حضرت را در خانه‌اش زیارت کردم و در آن مکان نماز گزاردم. جایگاهی در خانه حضرت قرار دارد که گویند حضرت زهرا-س- در آنجا با آسیاب دستی آرد تهیه می‌کرده. محل عبادت حضرت زهرا-س- را نیز زیارت نمودم و در آن مکان نماز گزاردم. (۱۵)

خانه امام سجاد-ع-

در امتداد شارع العوالی که اکنون به عنوان شارع علی بن ابی طالب-ع- نام گرفته، زمانی که به سمت قبا می‌رویم در محله قربان، ساختمانی است با عنوان معهد دار الهجره. در کنار آن (سمت راست ساختمان) زمین فراخی است. بین این زمین و معهد، ساختمانی است کوچک بدون در ورودی. یعنی به تمام معنا مسدود است. بنا به نقل برخی، در گذشته مشهور بوده که اینجا خانه امام سجاد-ع- بوده است. جلوی آن زمین باز، زمین فوتبال و برابر این زمین و معهد هم خیابان است. پشت آن خانه هم نخلستان است. در منابع مکتوب به چیزی در این باره بر نخوردیم.

مسجد و مشربه ام ابراهیم

مشربه، یعنی بستان. در این محل ماریه قبطیه، ابراهیم فرزند رسول خدا-ص-را به دنیا آورده است. این مشربه در شمال بنی قریظه در حره شرقی قرار گرفته است که به آن «دشت» نیز می‌گویند.

مشربه ام ابراهیم از جاهایی است که در روایت امام صادق-ع-رفتن به آنجا و نماز خواندن در آنجا به عقبه بن خالد توصیه شده و حضرت فرموده است که: «و هی مسکن رسول الله و مصله». (۱۶) فیروز آبادی درباره مشربه نوشته است: این مشربه مسجدی است که در شمال منطقه متعلق به بنی قریظه نزدیک حره شرقی که به آن دشت گفته شده واقع است و میان نخلستانهایی است که متعلق به سادات قاسمی از بنی قاسم بن ادريس بن جعفر برادر امام حسن عسکری-ع-بوده است.

الخیاری از معاصرین نوشته است: این مسجد و مشربه اکنون با یک جاده آسفالتی محاصره شده و اطراف آن قبرستان اهالی آنجاست. اومی‌افزاید: محل آن سمت چپ کسی است که از بیمارستان الزهراء عازم بیمارستان وطنی در نیمه راه است. در آنجا یک جاده فرعی است که به اندازه صد متر با خیابان فاصله دارد. مشربه در آنجا واقع شده است. (۱۷) در حال حاضر آثار بنای مشربه از بین رفته و صورت یک قبرستان باقی مانده است. خیاری تصویری از بنای مشربه را در کتاب خود آورده است. تصویری دیگر از آن در کتاب المدینه بین الماضي و الحاضر (ص ۴۲۶) چاپ شده است.

این مکان متبرک تا سالهای اخیر همچنان برقرار بوده است. شنقیطی نوشته است که در سال ۱۴۰۵ به آنجا رفته و آن را زیارت کرده است. وی افزوده است که: «اخیرا به خاطر کارهای بدعت آمیز شیعیان ایرانی، آنجا بسته شده است!!» قاعدتا می‌باید بین سالهای ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۶۹ تخریب شده باشد؛ یعنی سالهایی که ایرانیها از رفتن به حج منع شدند.

گویا در اطراف بنای مشربه و در قبرستان سه صورت قبر بوده که شهرت داشته؛ یکی از آنها متعلق به نجمه مادر امام رضا-ع-است و دیگری حمیده بربریه. مؤلف این سطور این مطلب را بطور مستند در کتابی ندیده است.

گفتنی است که در منابع شیعه، زیارت مشربه ام ابراهیم و نماز خواندن در آنجا تاکید شده است. (۱۸)

مسجد فضیخ

درباره فضیخ گفته شده است که نام درخت نخل بوده و یا اشاره به مسکری است که از درخت نخل گرفته می‌شد. در جریان غزوه بنی نضیر رسول خدا-ص-در آنجا خیمه‌ای داشته و بدین مناسبت آن مکان را مسجد فضیخ نامیده‌اند. طبق روایتی از امام صادق-ع-نامگذاری این مسجد بدان جهت بوده که در آنجا درخت فضیخ قرار داشته است.

مسجد فضیخ در میان نخلستانها، در شرق مسجد قبا و منطقه عوالی واقع شده و رواقی به طول ۱۹ متر و عرض ۴ متر دارد و صحن آن نیز با همان طول و عرض ۱۴ متر است. این مسجد بارها بازسازی شده و همیشه مورد توجه مسلمانان، به ویژه شیعیان، بوده است.

در چند روایت از روایات امامان -علیهم السلام- از آن به عنوان مسجدی که باید زیارتش کرد یاد شده است. (۱۹) محل این مسجد در خیابان عوالی، پیش از مستشفی الوطنی (دست راست کسی که به سمت عوالی می‌رود) قرار دارد. از ابتدای خیابان، از ابتدای فرعی، تا محل مسجد سیصد متر است. اکنون مسجد بدون امام جماعت است و زائران فراوانی از کشورهای مختلف دارد.

پی‌نوشتها

- ۱- توبه: ۱۰۸
- ۲- تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۵۵
- ۳- توبه: ۱۰۸
- ۴- تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۴۱
- ۵- التحفة اللطيفة، ص ۷۰
- ۶- عمدة الاخبار، ص ۲۰۵
- ۷- تاریخ المعالم المدینة المنورة، ص ۱۲۵
- ۸- تاریخ المعالم المدینة المنورة، ص ۱۲۶، ۱۲۵
- ۹- تاریخ المعالم المدینة المنورة، ص ۱۵۵
- ۱۰- عمدة الاخبار، ص ۲۰۶
- ۱۱- عمدة الاخبار، ص ۲۰۱، ۲۰۰
- ۱۲- عمدة الاخبار، ص ۲۰۳
- ۱۳- عمدة الاخبار، ص ۲۰۲
- ۱۴- تاریخ المعالم المدینة المنورة، ص ۱۵۰
- ۱۵- فصلنامه «مبقات حج»، ش ۱۴، ص ۱۶۶
- ۱۶- الکافی، ج ۴، ص ۵۶۰
- ۱۷- تاریخ المعالم المدینة المنورة، ص ۱۲۱ و ۱۲۲
- ۱۸- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۳۵
- ۱۹- بحار الانوار، ج ۳، ص ۴۸۷، ج ۸۱، ص ۸۲، ج ۹۶، ص ۳۳۵، ج ۹۷، ص ۲۲۴، ۲۱۶، ۲۱۴، ۲۱۳

مسجد رد شمس

در کتابهای تاریخی آمده است که مسجد رد شمس با مسجد فضیخ یکی است و درباره نامگذاری آن به «رد شمس» یا «شمس» نیز آمده است که در جریان محاصره قلعه بنی نضیر، رسول خدا-ص- هنگام عصر به خواب رفت و سرش روی زانوی امیر مؤمنان، علی-ع- بود. نزدیک غروب خورشید بیدار شد و وقتی متوجه گردید که امام هنوز نماز عصر را نخوانده است از خداوند خواست خورشید را باز گرداند تا امام نماز بگزارد. این روایت را به نام «حدیث رد شمس» می‌شناسند و جمعی از راویان اهل سنت نیز آن را نقل کرده‌اند.

روایتی هم که در کافی (۱) نقل شده نشان می‌دهد که محل رد شمس دقیقاً در مسجد فضیخ بوده و بنابراین، کاوش در این که مسجد رد شمس در محلی جز مسجد فضیخ باشد کاری بیهوده است.

با این حال الخیاری نویسنده کتاب معالم المدینة المنورة، مسجد شمس را در جای دیگری دانسته و از اهالی قربان، که همه شیعه هستند، این مطلب را نقل کرده که مسجد شمس در قربان است. او می‌افزاید: این مسجد در شرق مسجد قبا بر تل مرتفعی بر کناره وادی قرار دارد و به این جهت که نور خورشید به هنگام طلوع بر آن می‌تابد، آن را مسجد شمس نامیدند، اما اینک خراب شده است. وی می‌افزاید: با پرس و جوی از اهل محل بر من ثابت شد که مسجد شمس جدای از مسجد فضیخ است چون مسجد شمس در قربان است و فاصله آن تا عوالی که مسجد فضیخ در آن قرار دارد و در کنار حره شرقی است زیاد است. (۲) در پاورقی همانجا آمده که اکنون این مسجد از بین رفته و فقط یک چهار دیواری از آن باقی است.

پرس و جوی مؤلف این سطور از اهل محل و برخی از علمای شیعه، از آن حکایت می‌کرد که محلی که الخیاری در قربان دیده، قبرستان اطفال شیعه‌ها بوده و هیچگاه مسجد نبوده است.

باغ سلمان

درباره این محل گزارشی را در سال ۷۵ نوشته‌ام که عیناً نقل می‌کنم: ساختمانی با عنوان باغ سلمان در غرب مسجد فضیخ شاید با فاصله تقریبی سیصد تا چهار صد متر هست.

این منطقه جایی است که در کتابها، مسجد «بنی واقف» را در آنجا دانسته‌اند. زمینی باز، وسط آن ساختمانی حدود بیست متر مربع که صورت محراب دارد و قرآنهایی در آنجا چیده شده. موکتی کف آن و چند حصیر هم بود. دیوار شرقی و غربی آن سالم بود و در بنا در دیوار غربی تعبیه شده بود. دیوار شمالی نداشت. دیوار جنوبی هم خراب شده چند سنگ روی هم گذاشته بودند. در سمت جنوب آن با فاصله پنج متری استخری بود که آب

نداشت. بعد از آن چاه که آن هم مسدود بود اما لوله آب درون آن بود و البته موتوری هم نبود، گویا مدت‌ها است که تعطیل شده است. دور تا دور این چند بنا حصارى با نرده‌های آهنی زده بودند. تابلویی هم وجود داشت که نشان می‌داد قرار است آنجا مدرسه ابتدایی به نام «حسین بن علی -ع-» شود. محل این باغ در خیابان عوالی بود. پس از رسیدن به مستشفی الزهراء، راه را به سمت قبا ادامه می‌دهیم. حدود پانصد متری که جلو می‌رویم پمپ بنزینی در سمت چپ هست. درست قبل از پمپ بنزین کوچه‌ای است که مستقیم به باغ سلمان می‌خورد. یکی از روحانیان که سال‌های پیش به حج مشرف شده بود، گفت: که سال‌ها قبل که به اینجا می‌آمدیم و همه جا در آن حدود نخلستان بود، اینجا به همین نام شهرت داشت. او افزود: یکی از شیعیان اظهار می‌کرد که اینجا همان جایی بود که سلمان نخل کاشته است. یکی از آن نخل‌ها باقی است و حتی چند دانه خرما از آن نخل به ما داد که هسته آن به اندازه یک دانه برنج بود.

گفتنی است که سلمان یکی از چهره‌های درخشان تاریخ اسلام است. وی از جمله صحابی‌ان رسول خداست که وفاداری خود را به آن حضرت و امیر مؤمنان به اثبات رساند. به همین دلیل وی در میان شیعیان مقام برجسته‌ای داشته است.

لازم به ذکر است که در منطقه عوالی شیعیان فراوانی زندگی می‌کرده‌اند و همین امر سبب شده تا این محل را به عنوان یادی از آن صحابه پیامبر -ص- و علی -ع- حفظ کنند. اکنون که تب ضد آثار متبرک در آن دیار بالا گرفته، با کمال تأسف این باغ نیز در شرف نابودی است، گرچه با ساخته شدن مدرسه‌ای به نام مبارک امام حسین -ع- می‌توان امید داشت که جای آن در تاریخ محفوظ بماند.

مسجد بنو واقف

این مسجد از مساجد عوالی است که رسول خدا -ص- در آن نماز خوانده است. عباسی نوشته است که این مسجد بزرگی است در طرف قبله مسجد فضیخ به سمت غرب. (۳) گفته شده که موقعیت کنونی آن -که البته از مسجد خبری نیست- در شمال منطقه‌ای است که قصر امیر سلطان قرار دارد. (۴)

مسجد بنی قریظه

یکی دیگر از امکنه منطقه عوالی، مسجد بنی قریظه بوده است. سخاوی نوشته است: مسجد بنی قریظه در شرق مسجد شمس و در فاصله‌ای نسبتاً طولانی با وی داشته و نزدیک حره شرقی است. (۵) مقصود وی از مسجد شمس همان مسجد فضیخ است. خیاری نوشته این مسجد نزدیک باغی است که معروف به حازه بوده و وقف فقرا است. مسجد مزبور در میان منازل خراب واقع شده و بنای جالبی دارد.

گفته‌اند عمر بن عبد العزیز در هنگام تجدید بنای مسجد قبا آن را نیز تجدید کرد. ابن نجار گفته است: رسول خدا-ص- در خانه زنی از بنی قریظه نماز خواند که بعدها این خانه را هم ضمیمه مسجد بنی قریظه کردند.

این مسجد تا چند سال پیش باقی بوده و تصویر آن در کتاب الخیاری آمده است. (۶) به نقل شنقیطی معاصر، اکنون در جای این مسجد مرکز الحسبه در حره شرقی ساخته شده است. (۷) محتمل است که مسجد درون این ساختمان محفوظ مانده باشد گرچه این یک حدس است.

مسجد شجره

در مسیر خروجی مدینه به سمت مکه، که راهی از جنوب مدینه دارد، پس از حدود چند کیلومتر، به مسجد شجره یا مسجد ذو الحلیفه می‌رسیم. این مسجد، میقات کسانی است که از مدینه عازم حج می‌شوند. این مسجد در محلی واقع شده که رسول خدا-ص- هنگام رفتن به مکه در زیر درخت سمره نماز خوانده است و به همین مناسبت، آن را مسجد شجره می‌نامند. بعلاوه، رسول خدا-ص- در جریان سفر سال هشتم هجرت، که منتهی به امضای معاهده حدیبیه شد، در همین جا محرم گردید. همین طور در سال هفتم جهت عمره القضاء و نیز در سال دهم برای حجه الوداع در این مسجد احرام پوشید. طبعاً اهمیت این مکان از لحاظ دینی مسلم بوده و به دلیل استفاده دائم مردم از آن، مورد توجه بوده است.

در قرون اخیر، این منطقه به نام «بئر علی» یا «آبار علی» خوانده می‌شد. بنا به روایتی از حضرت صادق-ع- این ناحیه به اقطاع، به امام علی-ع- واگذار گردید. به همین جهت، چاههای آن نیز که متعلق به آن حضرت بوده، به نام آبار علی شناخته شده است. این مسجد در قرن هشتم دچار خرابی شد، اما همچنان مورد استفاده بوده است. گویا در بنای اولیه، شبستان و صحن داشته، اما در قرون هشتم و نهم تنها دیواری گرد آن بوده است. این مسجد در دوره عثمانی در سال ۱۰۵۸ قمری، به دست یکی از هندیان مسلمان بازسازی و مناره‌ای برای آن ساخته شد.

مسجد شجره در دوره سعودیه‌ها بازسازی و بناهای جدیدی به آن افزوده شد. این مسجد در راه مدینه به مکه، در فاصله هشت کیلومتری از عنبریه قرار دارد و از زیباترین بناهای مذهبی مدینه پس از مسجد النبی است.

مسجد معرس

مسجد معرس در نزدیکی مسجد شجره قرار دارد. تعریس به معنای خواب آخر شب مسافر در استراحتگاه است. از آنجا که رسول خدا-ص- در این مسجد استراحت کرده و نماز صبح را خوانده است، آن را به نام مسجد

معمرس می‌شناسند. در روایات اهل بیت-ع-بیتوته در این مسجد سفارش شده است. برخی از فقه‌های شیعه لزوم توقف در این مسجد را برای کسی که از آنجا عبور می‌کند، فتوا داده‌اند.

ویرانه این مسجد در سال ۱۳۵۴ شمسی بر جا بوده که از آن عکس گرفته شده و در مدینه شناسی آقای محمد باقر نجفی چاپ شده است. با این حال اکنون باید یقین داشت که در توسعه جدید یا در خود مسجد بزرگ شجره است یا میادین اطراف آن.

مساجد و اماکن متبرکه شرق مدینه

مسجد الاجابه

یکی از طوایف قبیله اوس، بنو معاویه بن مالک بودند. آنها در میان خانه‌های خود مسجدی بنا کردند که اکنون به نام «مسجد الاجابه» شناخته می‌شود. مورخان درباره نامگذاری آن به «الاجابه» نوشته‌اند که روزی رسول خدا-ص- به مسجد این طایفه در آمد و دو رکعت نماز خواند و پس از نماز سه چیز از خداوند طلب کرد: یکی آن که امت اسلام را به قحطی هلاک نکند؛ دوم آن که خداوند دشمنانشان را بر آنها مسلط نسازد؛ سوم آن که مسلمانان به جان یکدیگر نیفتند. خداوند دو خواسته اول را اجابت کرد و از این رو آن را مسجد اجابت نامیدند. این مسجد از همان آغاز شهرت داشته و مورد احترام مسلمانان زائر مدینه بوده است. مسجد الاجابه در قرن نهم سقف نداشته و از شرق به غرب ۱۲ متر و از شمال به جنوب (قبله) حدود ۱۰ متر بوده است. این مسجد در دوره عثمانی از نو بنا شد و دو شبستان و یک صحن دارد و مناره‌ای نیز در رکن شمال غربی آن ساخته شده است.

مسجد الاجابه در شمال بقیع واقع است و با مسجد النبی پانصد متر فاصله دارد. این مسجد به نام مسجد بنو معاویه هم شناخته می‌شود. در منابع شیعه از مسجد مباهله در مدینه یاد شده (۸) که اکنون شهرت دارد که همین مسجد الاجابه است.

مسجد بنو ظفر

یکی دیگر از مساجد مدینه، متعلق به طایفه بنو ظفر بوده است. روایتی طولانی حکایت از آن دارد که رسول خدا-ص- در آنجا نماز خوانده و زمانی با اصحاب خویش به این مسجد آمده و از یک قاری قرآن خواسته تا با صدای بلند برای آنان آیاتی از قرآن را بخواند. این مسجد زمانی به «مسجد المائده» و «مسجد البغله» نیز شهرت داشته است. مسجد بنو ظفر از همان قرن نخست هجری باقی مانده و محل آن در حره شرقی و بر بلندای

عرصه معاویه قرار دارد. طول و عرض مسجد بنو ظفر ۳/۷۰ متر است. در روایتی توصیه به نماز خواندن در مسجد البغله شده است. (۹)

مقبره علی بن جعفر الصادق - ع - در عریض

عریض منطقه‌ای است در غرب مدینه، در راه فرودگاه. در آنجا بنایی است که بر روی مرقد علی فرزند امام جعفر صادق - ع - ساخته شده است. این بنای بزرگ از هر سو بسته و تنها چند در دارد که آنها را نیز با آجر گرفته‌اند. یک چهار دیواری ملحق به بقیه ساختمان با در مستقل که آن را هم با آجر گرفته‌اند. علی بن جعفر عریضی که جد سادات عریضی ایران است، از اصحاب خاص امام کاظم - ع - برادر خود و پس از آن در شمار اصحاب امام رضا و امام جواد - علیهما السلام - بوده است. او از راویان اخبار ائمه - علیهم السلام - بوده و از وی قریب ۸۶۲ حدیث نقل شده است که با عنوان مسائل علی بن جعفر چاپ شده است. درباره محل دفن علی بن جعفر اختلافی وجود دارد، برخی از جمله مجلسی اول گفته‌اند که او در قم مدفون است جایی که هم اکنون نیز به نام علی بن جعفر شهرت دارد، اما فرزند وی، یعنی علامه مجلسی گفته که این مطلب در کتابهای معتبر نیامده است، گرچه آثاری از قبری با نام علی بن جعفر در قم وجود دارد. (۱۰) جدای از قم در سمنان نیز امامزاده‌ای به نام علی بن جعفر موجود است. اما آنچه درست است این که محل اصلی دفن علی بن جعفر همان منطقه عریض در مدینه منوره است. فرزندان وی نیز بعدها به نام «عریضیون» شناخته می‌شده‌اند.

اصل ساختمانی که بر روی مقبره علی بن جعفر ساخته شده، قدیمی و از دوره عثمانی است؛ آن چنان که گفته شده، این اواخر مکتبخانه بوده و درون آن لوله کشی و امثال آن شده، اما فعلاً متروک است. محل آن در شارع مطار دست راست خیابان، در یک خیابان فرعی در درون نخلستانها است و انتهای آن سنگهای حره و کوهکی است که از بالای آن شهر مدینه تا حدودی مشخص بود.

مساجد و اماکن غرب مدینه

مسجد غمامه (مصلی)

نخستین مسجد در منطقه غرب مدینه که نزدیکترین فاصله را در حال حاضر با مسجد النبی دارد مسجد غمامه است. برای شرح موقعیت آن در میان دیگر مساجد، باید اشاره کنیم که اصولاً در یک شهر سه نوع مسجد وجود دارد: یکی مسجد محل، دیگری مسجد جامع و سوم مصلی. سومی برای برگزاری نماز عید و خارج از حدود شهر در یک فضای باز ساخته می‌شود و معمولاً عبارت از محیط وسیعی است که تنها دیواری اطراف آن کشیده شده و فاقد سقف است.

مسجد غمامه یا مصلی در فاصله پانصد متری مسجد النبی قرار دارد و رسول خدا-ص در آن نماز عید را برگزار کرده است. این منطقه را مناخه می‌نامند، محلی وسیع بوده که در ایام عادی زائران شتران خود را در آنجا می‌خوابانیده‌اند. نامگذاری این مسجد به «مسجد غمامه» از آن روست که زمانی به هنگام نماز و دعای آن حضرت، ابری بر بالای سر رسول خدا-ص و مسلمانان سایه افکند و از این رو مسجد غمامه نامیده شد. این مسجد تا اواخر قرن نهم هجری محل برگزاری نماز عید بوده است.

بنای نخست آن در زمان عمر بن عبد العزیز و در همان محلی بوده که رسول خدا-ص نماز عید را برگزار کرده است. این مسجد بارها بازسازی شده و از آن رو که مورد استفاده عامه مسلمانان بوده عنایت بیشتری نسبت به آن صورت می‌گرفته است.

طول مسجد ۲۶ متر، عرض آن در حدود ۱۳ متر و مساحت کل آن ۳۳۸ متر بوده است. این مسجد اکنون توسعه یافته و به سبکی نو ساخته شده است. در این محیط اکنون سه مسجد دیگر با نامهای مسجد امام علی-ع-، مسجد ابو بکر و مسجد عمر وجود دارد که گویا جدید الاحداث است. تازه‌تر از آنها مسجد عثمان است که در فاصله‌ای میان این مساجد و مسجد بلال ساخته شده است.

مساجد سبع

در شمال غربی مدینه، کوهی وجود دارد به نام کوه سلع. در سمت غربی کوه و سپس در پایین آن تعدادی مسجد وجود دارد که آنها را به نام مساجد فتح می‌خوانند. این مساجد در حال حاضر شش عدد است. در همان سمت، مسجدی با نام مسجد قبلتین موجود دارد که همراه شش مسجد دیگر هفت مسجد می‌شود و مجموعاً به نام «مساجد سبعه»؛ یعنی «مساجد هفتگانه» شهرت یافته است.

۱- مسجد قبلتین

مسجد قبلتین به دست طایفه بنو سواد بن غنم بن کعب ساخته شد و از آنجا که مربوط به مساله تغییر قبله است، باید در همان اوایل هجرت رسول خدا-ص ساخته شده باشد. مساله تغییر قبله در پانزده شعبان سال دوم هجرت روی داد. تا پیش از آن مسلمانان به سوی بیت المقدس نماز می‌خواندند. طعنه یهودیان و دعای رسول خدا-ص سبب شد تا خداوند ضمن آیات ۱۴۲ تا ۱۵۰ سوره بقره، تغییر قبله را به سوی کعبه بیان کند. در یکی از این آیات خطاب به رسول آمده است:

«نگریستنت را به اطراف آسمان می بینیم. تو را به سوی قبله ای که می پسندی می گردانیم. پس روی به جانب مسجد الحرام کن. و هر جا که باشی روی بدان جانب کنی. اهل کتاب می دانند که این دگرگونی به حق و از جانب پروردگارشان بوده است. و خدا از آنچه می کنید غافل نیست.»

یک نقل چنان است که حکم تغییر قبله در وسط نماز ابلاغ شد و نمازگزاران دو رکعت از نماز ظهر را به سوی بیت المقدس و دو رکعت بعدی را به سوی کعبه خواندند. درباره این نقل، البته تصور گردش در میانه نماز قدری دشوار به نظر می رسد گرچه ممکن است هم گردش بوده و هم حرکت. اما در این که رسول خدا-ص- در مسجد قبلتین نماز می خواند یا مسجد النبی، دو روایت مختلف ذکر شده است. یک روایت بیانگر این است که رسول خدا-ص- در مسجد قبلتین نماز می خواند و از این جهت آن را قبلتین نامیده اند. روایت دیگری گویای آن است که رسول خدا-ص- در مسجد خود نماز می خوانده و عده ای نیز در مسجد قبلتین بوده اند، در وسط نماز ظهر به آنها خبر رسید و آنها به سوی کعبه نماز خواندند.

احتمالا این مسجد در عهد عمر بن عبد العزیز بازسازی شد، زیرا او به دستور ولید، تصمیم گرفت تمامی مساجدی را که رسول خدا-ص- در آنها نماز خوانده بود، باز سازی کند. این مسجد در دوره سلطان سلیمان قانونی در سال ۹۵۰ قمری از نو بنا شد. در اوایل قرن چهاردهم قمری، مسجدی رو به تخریب بود. که حدود ده سال پیش از این باز سازی شد. محرابی در جهت کعبه دارد و محل قبله پیشین آن نیز در داخل مسجد مشخص شده است. مسجد قبلتین در شمال غربی مدینه در فاصله ۳/۵ کیلومتری مسجد النبی قرار دارد و در طول روز، مانند مسجد قبا، در همه ساعات باز است.

پی نوشتها

- ۱- الکافی ج ۴، ص ۵۶۲
- ۲- تاریخ المعالم المدینه المنوره، ص ۱۲۵
- ۳- عمده الاخبار، ص ۲۰۱
- ۴- تاریخ المعالم المدینه المنوره، ص ۱۵۳، ۱۵۴
- ۵- التحفه اللطیفه، ج ۱، ص ۷۰
- ۶- تاریخ المعالم المدینه المنوره، ص ۱۴۷
- ۷- الدر الثمین فی معالم دار الرسول الامین، ص ۱۴۸
- ۸- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۲۵
- ۹- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۸۱
- ۱۰- اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۷، روضه المتقین، ج ۱۴، ص ۱۹۱، نک: مقدمه مسائل علی بن جعفر، ص ۳۳، در کتاب تربت پاکان، ج ۱، ص ۵۱-۴۲، شرح کاملی از بنای علی بن جعفر قم آمده است، و نیز نک: مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۷۷

۲- مسجد فتح

مهمترین مسجد از مساجد فتح مسجدی است که به نام مسجد فتح یا مسجد الاعلی و مسجد الاحزاب شهرت دارد. این مسجد بر روی کوه واقع شده است.

مسجد فتح بر روی کوهی قرار گرفته که پشت آن کوه مسیر حفر خندق در جنگ احزاب بوده است. در واقع این کوه محل استقرار رسول خدا-ص- در جریان جنگ احزاب بوده است. در آن مکان حضرت نمازهای یومیه خود را می خوانده اند و بعدها مانند موارد دیگر این مکان به مسجد تبدیل شده است. نکته مهم آن است که حضرت در این مکان دعا برای پیروزی سپاه کردند و این دعا مستجاب شد. روایت شده است که حضرت در روز دوشنبه دعا کردند و چهار شنبه شب بود که دعای حضرت مستجاب شده و احزاب شکست خورده مدینه را ترک کردند. (۱)

این مسجد که نام دیگر آن مسجد الاعلی بوده از همان آغاز مورد عنایت مسلمانان بوده است. در این مسجد، بنا به نقل ابن شبه، دقیقاً محلی که رسول خدا-ص- در آنجا دعا کرده اند، به صورت اسطوانه ای در صحن مسجد مشخص بوده است.

مسجد فتح حدود ۲۴ متر مربع و ارتفاع آن حدود سه متر است.

این مسجد از مساجد مورد اعتنای مسلمانان به شمار می رود و در روایات اهل بیت و منابع شیعه، به نماز خواندن در آن، تاکید و سفارش فراوان شده است. (۲) در روایت دیگری آمده که سوره فتح در این مسجد بر رسول خدا-ص- نازل شد.

از آنجا که مسجد فتح را با نام مسجد احزاب و مسجد خندق نیز می شناسند، طبعاً باید با جنگ احزاب ارتباط داشته باشد نه با سوره فتح که در حدیبیه نازل شده است.

نام دیگر آن نیز «مسجد الاعلی» است، این مسجد در قسمت جنوبی (قبله) دارای شبستان و در قسمت شمالی دارای صحن است. عرض و طول آن به ترتیب ۸/۵۰ و ۱۰ متر است.

پس از مسجد فتح، پنج مسجد دیگر قرار دارد که به ترتیب مکانی و بر اساس آنچه در نقشه آمده است، آنها را معرفی می کنیم.

۳- مسجد فاطمه الزهراء-س-

درباره این مسجد نیز اطلاعات تاریخی قدیمی وجود ندارد. گویا در این حدود مسجدی به نام سعد بن معاذ بوده که یا از میان رفته و یا همین مسجد است.

از آنجا که این مساجد به عنوان مساجد سبع شهرت داشته، احتمال می‌رود که مسجدی مستقل با نام سعد بن معاذ وجود داشته است.

در حال حاضر مسجد حضرت فاطمه-س- دارای ۷/۵ متر طول و حدود ۲/۵ متر عرض است و محراب کوچکی نیز در آن وجود دارد.

۴- مسجد امام علی بن ابی طالب-ع-

از میان شش مسجد موجود، همان گونه که از نقشه معلوم می‌شود، مسجدی نیز اختصاص به علی بن ابی طالب-ع- دارد. آنچه از مساجد سبع در متون قرون نخستین هجری یاد شده، تنها مسجد فتح، مسجد سلمان و مسجد علی بن ابی طالب-ع- است. برخی از محققان بر آنند مسجدی که اکنون به نام ابوبکر شهرت دارد همان مسجد علی-ع- است، کما این که مسجدی که با نام مسجد علی-ع- شناخته می‌شود، مسجد ابو بکر است. می‌دانیم که امیر المؤمنین-ع- نقشی بسیار اساسی و مهم در جریان غزوه احزاب داشته و طبعاً به نام او و سلمان، مسجدی از قدیم در این دیار باقی مانده است. (۳)

گذشت که مسجدی نیز به نام امیر مؤمنان-ع- در مناخه، در نزدیکی مصلی وجود دارد و گویا امام در آنجا(در جریان محاصره عثمان) نماز عید را برگزار کرده است.

۵ - مسجد سلمان

یکی دیگر از مساجد این ناحیه، مسجدی است منسوب به سلمان فارسی. سلمان با پیشنهاد کندن خندق، نقش مهمی در جنگ احزاب داشته است. این مسجد در گذر زمان آباد شده و مورد عنایت زائران حرم نبوی بوده است. مورخان و سفرنامه نویسان نیز به وجود آن اشاره کرده‌اند. این مسجد دارای شبستان و صحن است و ۸/۵۰ متر طول و ۷ متر عرض دارد. در منابع شیعی آمده است که در مسجد سلمان فارسی نماز خوانده شود. (۴)

۶- مسجد ابو بکر

پایین تر از مسجد سلمان، مسجد ابوبکر قرار دارد. این مسجد نیز بر زمینی مرتفع قرار گرفته که با پشت سر گذاشتن چند پله می توان به آن رسید. ساختمان این مسجد، همانند مسجد فتح از دوره عثمانی باقی مانده است و اصلاحاتی در آن صورت گرفته است.

مسجد دیگری نیز منسوب به ابو بکر در مناخه و در فاصله نزدیک با مسجد مصلی قرار دارد. محتملاً این مسجد همانند برخی از مساجد دیگر همین منطقه به دست عمر بن عبد العزیز ساخته شده است. مساحت این مسجد در حدود ۲۰۰ متر مربع است.

۷- مسجد عمر

مسجد دیگر این منطقه که پایین تر از مسجد ابو بکر (جنوب شرقی آن) قرار گرفته، مسجد منسوب به عمر است. به نوشته یک محقق، تا قرن نهم هجری، هیچ نشانی از این مسجد در منابع دیده نشده است. همو احتمال قریب به یقین داده که مسجد اندکی قبل از سال ۱۳۰۳ قمری ساخته شده است. مساحت مسجد عمر ۱۲۳ متر مربع است. به نام همین خلیفه مسجدی نیز در مناخه وجود دارد.

مسجد ذباب

ذباب نام کوه کوچکی است حد فاصل میان کوه احد و کوه سلع. این منطقه از مراکز استقرار نیروهای مسلمان در جریان جنگ احزاب بود. در بالای کوه ذباب، چادری برای رسول خدا-ص- نصب شده بود که از آنجا عملیات مقدماتی مسلمانان در کندن خندق و تعیین جایگاه آن نیروها را نظارت می کرد. در محل این چادر که نمازگاه رسول خدا-ص- در آن ایام نیز بود، مسجدی بنا گردید که نام همان کوه، یعنی ذباب، بدان داده شد.

این سیره حسنه مسلمانان بود که هر کجا رسول خدا-ص- نماز می گزارد، مسجدی می ساختند و این مساله اعتقاد عمیق صحابه، تابعین و نسلهای مسلمان را به مساله تبرک نشان می دهد. نام دیگر این مسجد را «مسجد الرايه» گفته اند، گویا بدان سبب که پرچم اسلام بر بالای کوه بر افراشته بوده است. مسجد ذباب بسیار کوچک است و طول و عرض آن از چهار متر تجاوز نمی کند.

مسجد ثنیة الوداع

ثنیة الوداع به مدخل ورودی شهر اطلاق می‌شود؛ جایی که از مسافران استقبال به عمل می‌آید. مدینه دارای دو ثنیه بوده است؛ یکی به سمت مکه و دیگری به سوی شام. آنچه اکنون باقی مانده و جای آن مشخص است، مدخل شام است که در جاده احد قرار دارد. در این مسیر، در قسمت غرب آن، کوه‌های سلع و ذباب و در سمت راست آن مسجد ثنیة الوداع قرار دارد. رسول خدا-ص- در بازگشت از تبوک، در اینجا مورد استقبال قرار گرفته است. نوجوانان شهر در مراسم استقبال این شعر را می‌خواندند که:

طلع البدر علینا من ثنیات الوداع وجب الشکر علینا ما دعی الله داع جئت شرف المدینة مرحبا یا خیر داع

در روایتی دیگر آمده که این شعر در ابتدای ورود رسول خدا-ص- به محله بنی النجار در آغاز هجرت سروده شده است. بنای فعلی این مسجد، مربوط به دوره سعودی است.

مسجد بنی حرام الکبیر

گفته‌اند رسول خدا-ص- به خانه‌های انصار می‌آمد و در آنجا نماز می‌گزارد. در این که رسول خدا-ص- در مسجد بنی حرام نماز خوانده یا نه، اختلاف وجود دارد. این مسجد در شعب بنی حرام، در غرب کوه سلع و در قسمت راست جاده‌ای که به سمت مساجد فتح می‌رود، واقع شده است.

مسجد سقیا

این مسجد در حره سقیا قرار داشته و طبق روایتی، رسول خدا-ص- در آنجا از آب چاه سقیا وضو گرفته و برای مردم مدینه دعا کرده است. همچنین گفته‌اند که رسول خدا-ص- در مسیر حرکت به بدر در آنجا تامل کرده و پس از سان دیدن از سپاه، افراد کم سن و سال را بازگرداند. در این باره که آیا این مسجد باقی مانده یا از بین رفته است دو نظر وجود دارد. برخی بر این باورند که این مسجد از بین رفته و برخی آن را باقی می‌دانند.

در داخل محوطه بزرگ ایستگاه عنبریه که در گذشته ایستگاه قطار شهر مدینه بوده، در گوشه‌ای از آن، مسجدی است بسیار کهنه و کثیف. این مسجد در آثار تاریخی، با نام مسجد سقیا شناخته شده؛ جایی که رسول خدا-ص- هنگام رفتن به بدر، در آنجا تامل کردند. در یکی از نوشته‌های تاریخی متأخر درباره محل آن آمده است که مسجد سقیا در داخل محوطه ایستگاه قطار در عنبره، در قسمت جنوب شرقی آن قرار دارد. (۵) وقتی ما به داخل این مسجد رفتیم مشاهده کردیم که در داخل آن سه اتاق در عرض هم و محرابی در اتاق

وسط قرار دارد. طول مسجد با دیوار ۱۲ متر و عرض دیوار ۴ متر. متأسفانه به دلیل بی توجهی به آن بسیار کثیف و دور از شان یک مسجد بود.

مسجد عروه

این مسجد در وادی عقیق قرار گرفته است. رسول خدا-ص- در این مسجد نیز نماز گزارد. گویا بعدها مسجد بزرگی بر جایگاه قدیمی آن ساخته شده است.

مسجد مالک بن سنان

این مسجد نیز در توسعه غربی مسجد از میان رفته است. روایت شده که رسول خدا-ص- در کنار این مسجد دعا می خوانده است.

مسجد فاطمه صغری، فرزند امام حسین-ع-

این بانو پس از آن که از منزل حضرت فاطمه-ع- به دلیل تخریب آن برای مسجد بیرون رانده شد، به خانه دیگری در آمد که بعدها به نام مسجد فاطمه معروف شده و در توسعه غربی مسجد از میان رفته است.

مسجد المنارتین

این مسجد در راه عقیق قرار گرفته و رسول خدا-ص- در محل آن نماز گزارده است.

مسجد فیهاء الخیار

پیامبر-ص- در غزوه العشیره در محل فیهاء الخیار، نماز گزارد و با اصحاب در آنجا غذا خورد. آثار این مسجد نیز در توسعه دانشگاه اسلامی مدینه از میان رفته است.

مسجد بلال بن ابی رباح

این مسجد تا قبل از تخریب در محل دار الحکومه بوده است. در محل آن، رسول خدا-ص- نماز عید را برگزار کرده و بلال نیز در آنجا نافله می خوانده است.

مسجد المغسله

این مسجد با نام مسجد بنی دینار نیز شناخته می شود. ابن شبه نوشته است که رسول خدا-ص- بارها در این مسجد نماز خوانده است. این مسجد اکنون در منطقه ای قرار دارد که آن را «مالحه» نامند و خانه های زیادی اطراف آن را گرفته است. (۶)

بقیع و اماکن متعلق به آن

قبرستان بقیع

یکی از پر خاطره ترین مکانهای مدینه، بقیع است؛ جایی که نخست آن را بقیع الغرقد می نامیدند. «غرقد» نوعی درخت بوده که در گذشته، در محل این قبرستان و یا در کنار آن قرار داشته و احتمالاً به تدریج با گسترش قبرستان، آن درختها- که به نظر برخی توتستان بوده- از میان رفته است. بقیع پیش از اسلام، گورستان مردم یثرب بوده و پس از اسلام نیز به عنوان مهمترین گورستان مدینه شناخته شده است. این گورستان با وسعت نسبتاً زیاد خود، در طول قرون مختلف اسلامی مدفن صحابه، تابعین و مهمتر از همه، چهار تن از امامان-علیهم السلام- بوده و از این رو محل زیارت تمامی زائران مدینه منوره است. بقیع در ناحیه شرقی مسجد النبی و تقریباً در فاصله دویست متری آن قرار دارد. این قبرستان تا یکصد سال پیش خارج از حصار قرار داشت، اما اکنون تقریباً در میان شهر مدینه واقع شده و با چهار خیابان محاصره گردیده است؛ ستین، عبد العزیز، ابی ذر، باب العوالی.

بقیع در زمان رسول خدا-ص- نیز زیارتگاه بوده و آن حضرت برخی شبها خانه را ترک کرده و تنها به بقیع می رفته و در آنجا به راز و نیاز با خدا می پرداخته است. برخی دختران آن حضرت و نیز برخی از یاران نزدیکش در بقیع مدفونند؛ کسانی چون عثمان بن مظعون که از صحابی مورد علاقه رسول خدا-ص- بود.

قبرستان بقیع تا قبل از تسلط آل سعود، قبه‌های متعددی داشت که بر روی قبور خاصی ساخته شده بود. اما اکنون به صورت فضای باز و ساده‌ای در آمده است و قبرها جز نشانی ساده، به صورت سنگی که بالای سر آنها گذاشته شده، چیزی ندارد. با وجود این، تعلق خاطر مسلمانان به مدفون شدگان بقیع باعث گردیده است تا قبر عده‌ای از بزرگان مدفون، مشخص باقی بماند؛ گرچه به مرور زمان، قبور صدها بلکه هزاران تن از صحابه و تابعین به دست فراموشی سپرده شده و قبر آنان نا مشخص مانده است.

سفرنامه‌ها و کتابهای تاریخی که در قرون مختلف به نگارش در آمده است حکایت از اعتنای کامل زائران حرم نبوی به این قبرستان می‌کند. مسلمانان از هر فرقه و مسلک پس از زیارت خیر البشر به زیارت مدفون شدگان در بقیع می‌آمده و خاطره پر شکوه عصر نخستین اسلامی و مظلومیت امامان را زنده می‌کرده‌اند. متأسفانه این قبور به دلیل عقاید خاص حاکمان جدید عربستان تخریب گردیده و باعث دلخوری جمعیت‌های میلیونی مسلمانان زائر و غیر زائر دنیای اسلام شده است. تخریب این قبه‌ها البته از روی توجه به ساده زیستی نبوده است!

مدفون شدگان در بقیع

قبر امامان شیعه

مهمترین دفن شدگان بقیع از دیدگاه شیعیان، چهار تن از امامان معصوم هستند که در کنار یکدیگر به خاک سپرده شده‌اند.

۱- امام مجتبی -ع-

ریحانه رسول خدا -ص-، حسن بن علی -ع-، در پانزدهم رمضان سال سوم هجرت به دنیا آمد. وی و برادرش امام حسین -ع- مورد علاقه شدید رسول خدا -ص- بودند و به عنوان فرزندان آن حضرت شناخته می‌شدند. امام مجتبی -ع- بعد از رسول خدا -ص-، در کنار پدرش امیر مؤمنان -ع-، در جنگهای جمل، صفین و نهروان شرکت کرد. پس از شهادت امیر مؤمنان -ع-، با نصب پدرش، مردم عراق با او بیعت کردند، اما به دلایل متعددی وی را همچون پدرش در جنگ با معاویه تنها گذاشتند. او نیز به اجبار حکومت را رها کرد و عازم مدینه شد. این رخداد در سال ۴۱ هجری قمری اتفاق افتاد. پس از آن، امام مجتبی -ع- به مدت ده سال در مدینه با شیعیان خود مرتبط بود. وی اسوه اخلاق بود و بارها اموال خویش را نصف کرد و نیمی از آن را در راه خدا بخشید. عاقبت به توطئه معاویه و به دست همسر نابکارش که دختر اشعث بن قیس بود، مسموم شد و به شهادت رسید. مردم مدینه در سوگ آن امام به ماتم نشستند. امام علاقه‌مند بود تا در کنار جدش رسول خدا -ص- به خاک سپرده

شود؛ اما مروانیان با همکاری شخصی که ادعای مالکیت زمینی را داشت که رسول خدا-ص- در آنجا مدفون شده بود، مانع این کار شدند؛ لذا آن حضرت را در بقیع به خاک سپردند.

۲- امام سجاد-ع-

امام سجاد-ع- چهارمین امام شیعه است. او در سال ۳۸ قمری متولد شد و دوران رشد خود را در عهد امامت امام مجتبی-ع- و پدر خود حسین بن علی-ع- سپری کرد. در کربلا حاضر شد، اما به دلیل بیماری نتوانست در جنگ شرکت کند. پس از آن قریب سی و چهار سال یعنی تا سال ۹۴ قمری، رهبری شیعه را بر عهده داشت. این دوره، دوره‌ای سخت بود و شیعیان به شدت تحت فشار امویان قرار داشتند. آن حضرت از راههای گوناگون توانست شیعیان خالص را در اطراف خویش گرد آورد و راه را برای فرزندش امام باقر-ع- باز کند. از مهمترین یادگارهای امام سجاد-ع- دعا‌های آن حضرت است که مشحون از مفاهیم عالی اخلاقی و عبادی و سیاسی است و پس از قرآن و نهج البلاغه، یکی از مهمترین متون دینی ما به شمار می‌آید.

امام سجاد-ع- در سال ۹۴ ق. به تحریک ولید بن عبد الملک مسموم گردید و به شهادت رسید و در کنار امام مجتبی-ع- در بقیع مدفون شد.

۳- امام باقر-ع-

آن حضرت پنجمین امام شیعه است و در سال ۵۸ قمری به دنیا آمد و تا سال ۹۴ قمری در کنار پدرش در مدینه زندگی می‌کرد. پس از رحلت پدر، رهبری شیعه را در دست گرفت و به جهت شهرت علمی و فقهی خویش، شاگردان فراوانی گرد او جمع شدند. آن امام را به دلیل همین علم و دانش «باقر العلوم» یعنی شکافنده علوم لقب دادند. جابر انصاری، از آخرین صحابه بر جای مانده، سلام رسول خدا-ص- را به او رساند و امام را بوسید. امام در اوج نزاعهایی که میان عالمان مدینه بر سر مسائل اعتقادی و احکام فقهی در گرفته بود، خطوط روشنی را در فقه تبیین کرد که تکیه گاه شیعیان در مذهب اصیل شیعه است.

امام باقر-ع- در سال ۱۱۴ یا ۱۱۷ ق. به تحریک هشام بن عبد الملک به شهادت رسید و در کنار پدرش حضرت سجاد-ع- در بقیع دفن شد.

پی‌نوشتها

۱- تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۶۰

۲- بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۳۰

۳- در بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۳۰، از مسجد امیر المؤمنین -ع- یاد شده است.

۴- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۲۵

۵- المعالم الاثیر فی السنه و السیره، ص ۲۵۴

۶- تصویر آن را بنگرید در تاریخ معالم المدينه المنوره، ص ۱۱۶

۴- امام صادق-ع-

امام صادق-ع- که ششمین امام معصوم است و مذهب شیعه را با نام او به عنوان مذهب جعفری می‌شناسند، در سال ۸۰ یا ۸۳ قمری در مدینه به دنیا آمد و پس از رحلت پدر، رهبری فکری و سیاسی شیعیان اصیل پیرو مذهب امامیه را بر عهده گرفت. آن حضرت تا سال ۱۴۸ قمری در قید حیات بود. در این مدت هزاران شاگرد در محفل درسش حاضر می‌شدند و مورد ستایش تمامی عالمان عصر خویش بود. در متون دینی شیعه، چندین هزار روایت از آن حضرت در تفسیر، اخلاق و به ویژه فقه، رسیده که باعث عظمت حدیث شیعه و موجب تقویت بنیه علمی آن است. امام صادق-ع- کوشید تا شیعیان را در برابر دیگران مسلح به دانش حدیث و فقه کند و با انحرافات که ممکن بود در میان شیعه به وجود آید، به مبارزه برخیزد. در دوره این امام نیز جز در چند سال نخست دولت عباسی، فشاری سخت بر شیعیان وجود داشت. منصور، دومین خلیفه عباسی، نسبت به امام صادق-ع- سخت کینه داشت و عاقبت نیز به نوشته مورخان در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری به تحریک وی مسموم شد و به شهادت رسید. آن حضرت در کنار جد و پدرش در بقیع به خاک سپرده شد.

در گذشته، قبور این چهار امام، با قبه‌ای که بر فراز آن ساخته شده بود، به عنوان یکی از زیارتگاههای مسلمانان، به ویژه شیعیان، شناخته می‌شد. یکی از مشهورترین این بناها از آن مجد الملک قمی براوستانی وزیر برکیارق سلجوقی است که در قرن پنجم بر فراز قبور امامان ساخته شده بوده است. اما این آثار در سالهای اخیر از میان رفته و قبور ائمه در شکل ساده‌ای مشخص شده است. (۱)

قبر منسوب به حضرت فاطمه-س-

درباره محل دقیق قبر آن حضرت و این که آیا در خانه خود مدفون شده یا در بقیع، نمی‌توان با قاطعیت اظهار نظر کرد. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد آن حضرت در بقیع مدفون گردیده، همان گونه که شواهدی حکایت از آن می‌کند که در خانه خود، که اکنون در حجره شریفه قرار دارد، دفن شده است. (۲) در احادیث امامان شیعه، نوعاً محل دفن، خانه خود حضرت معرفی شده است. (۳) به همین دلیل علمای برجسته شیعه نظیر شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن طاووس و علامه مجلسی مدفون حضرت را خانه خودش، که بعداً در مسجد قرار گرفت، می‌دانند. (۴) محلی که به عنوان قبر آن حضرت در بقیع مشخص شده، پایین‌تر از قبور ائمه چهارگانه، در قسمت راست (شمال غرب) آنها قرار گرفته است و احتمال دارد که اینجا محل قبر فاطمه بنت اسد باشد.

حضرت فاطمه-س- یکی از زنان برگزیده عالم شناخته شده و مورد علاقه شدید رسول خدا-ص- بود. درباره آن گرامی، فرزندان و شویش امام علی-ع-، فضایل بی‌شماری از رسول خدا-ص- نقل شده است. یکی از آنها همان

روایت مشهور است که پیامبر-ص-او را پاره تن خود خواند و آزار به او را آزار در حق خود شمرد. حضرت فاطمه-س-پس از ماجرای سقیفه، به مخالفت با حاکمیت وقت پرداخت و در باقی عمر خویش، حاضر به حرف زدن با آنان نشد. آن حضرت وصیت کرد تا دور از چشم آنان و در شب دفن شود و این کار را به عنوان اظهار مخالفت و نشان دادن مظلومیت خود در برابر خلفا انجام داد.

قبر بنات الرسول

از جمله مدفون شدگان بقیع، سه دختر رسول خدا-ص-هستند که پیش از این، قبه‌ای بر فراز قبر آنان قرار داشته و به نام قبر بنات الرسول مشهور بوده است.

رقیه: وی همسر عثمان بن عفان بود و با او در مدینه زندگی می‌کرد. زمانی که جنگ بدر رخ داد، او گرفتار مرض سختی بود و تا قبل از رسیدن پدر به مدینه، درگذشت. رسول خدا-ص-او را در بقیع دفن کرد.

ام کلثوم: وی پس از رقیه، به همسری عثمان بن عفان در آمد. وی نیز در سال نهم هجرت درگذشت و در بقیع دفن شد.

زینب: او همسر ابو العاص بن ربیع بود. پس از هجرت رسول خدا-ص-به مدینه، در مکه نزد همسرش نگه داشته شد. ابو العاص در جنگ بدر در کنار مشرکان شرکت کرد و اسیر شد. زینب گلو بند خود را به عنوان فدیة فرستاد. رسول خدا-ص-فرمود تا گلو بند را پس فرستادند و ابو العاص را نیز به شرطی آزاد کرد که همسرش را طلاق دهد و راهی مدینه کند، و بدین ترتیب زینب به رسول خدا-ص-ملحق شد. چند سال بعد، ابو العاص ایمان آورد و به مدینه آمد و مجدداً با زینب ازدواج کرد. زینب در سال هشتم هجرت درگذشت.

این سه خواهر در کنار یکدیگر دفن شده‌اند و همان گونه که اشاره شد، قبر آنها قبه‌ای داشته و به عنوان یکی از زیارتگاههای مدینه در بقیع بوده است.

همسران رسول خدا-ص-

بیشتر همسران آن حضرت، در بقیع و در کنار یکدیگر مدفون شده‌اند. برخی از آنها عبارتند از: زینب فرزند خزیمه (متوفای سال ۴ هـ)، ریحانه فرزند زبیر (متوفای ۸ هـ)، ماریه قبطیه (متوفای ۱۶ هـ)، زینب بنت جحش (متوفای ۲۰ هـ)، ام حبیبه دختر ابو سفیان (متوفای ۴۲ یا ۴۴ هـ)، حفصه دختر عمر (متوفای ۴۵ هـ)، سوده (متوفای ۵۰ یا ۵۴ هـ)، صفیه دختر حبی بن اخطب یهودی (متوفای ۵۰ هـ)، جویریة فرزند حارث (متوفای

۵۰ یا ۵۶ هـ.) عایشه دختر ابو بکر (متوفای ۵۷ یا ۵۸ هـ.) عایشه علاقه‌مند بود تا در کنار رسول خدا-ص- دفن شود، اما خودش گفت به خاطر آنچه پس از رسول خدا-ص- انجام داده‌ام، از دفن شدن پیش آن حضرت شرم دارم. و لذا در بقیع دفن شد (ام سلمه (متوفای سال ۶۱ هـ.) بهترین همسر رسول خدا-ص- پس از خدیجه و از حامیان ولایت امیر مؤمنان بود. (۵)

مقبره ابراهیم

تنها فرزند پسر، که در مدینه نصیب رسول خدا-ص- شد، ابراهیم بود که از مادری به نام ماریه قبطیه به دنیا آمد. این زن را حاکم مصر به رسم هدیه برای رسول خدا-ص- فرستاده بود. ابراهیم در ذیحجه سال هشتم هجرت متولد شد. با تولد او موجی از شادی و سرور مدینه را فرا گرفت، بطوری که محل تولد ابراهیم، به عنوان مشربه ام ابراهیم تا همین اواخر نیز از آثار دینی مدینه به شمار می‌رفت. اما پس از گذشت قریب یک سال، ابراهیم درگذشت و رسول خدا-ص- را در غم فقدان فرزند خود شدیداً اندوهگین کرد. ابراهیم در کنار عثمان بن مظعون، که یاری فداکار و مورد علاقه رسول خدا-ص- بود، مدفون شد.

فاطمه بنت اسد

این مادر، از زنان بسیار محبوب نزد رسول خدا-ص- بود. وی آنقدر عظمت داشت که بنابر اخبار فراوان، به اندرون خانه کعبه رفت و امیر مؤمنان، علی-ع- را در آن مکان مقدس به دنیا آورد. او به عنوان همسر ابو طالب در سرپرستی رسول خدا-ص- شریک بود و آن حضرت فاطمه بنت اسد را چون مادر خویش می‌دانست. وی از نخستین زنان مسلمان در مکه بود و پس از هجرت، همراه فرزندش امام علی-ع- در مدینه زندگی می‌کرد. به هنگام رحلتش، رسول خدا-ص- به شدت متأثر شد و بر وی نماز خواند و در حالی که می‌گریست، او را در قبر نهاد. محتمل است قبری که در نزدیکی قبور ائمه-علیهم السلام- قرار دارد، از آن فاطمه بنت اسد باشد. در روایتهای دیگر، محل دفن وی در نزدیکی قبر سعد بن معاذ و ابو سعید خدری دانسته شده است.

عباس بن عبد المطلب

عباس عموی پیامبر-ص- بود و در حوادثی که در مکه بر اسلام گذشت، در جمع بنی هاشم از مدافعان رسول خدا-ص- به شمار می‌رفت. وی از اشراف مکه تلقی می‌شد و روحیه اشرافی نیز داشت. در عین حال، پس از آن که اسلام آورد و به دلیل کمکی که در جمع بنی هاشم به رسول خدا-ص- کرده بود و نیز به عنوان عموی آن حضرت، مورد علاقه رسول خدا-ص- بود. وی بعد از رحلت رسول خدا-ص- به امیر مؤمنان-ع- وفادار بود و در سال ۳۳ هجری قمری در عهد خلافت عثمان بدرود حیات گفت. بنی عباس از نسل او هستند.

دیگر مدفون شدگان بقیع

پیش از این اشاره کردیم که بقیع مدفن هزاران تن از صحابه، تابعین و بزرگان اسلام است. قبور بسیاری از آنان نامشخص و برخی نیز مشخص است.

محمد بن علی

محمد خنفيه فرزند بزرگوار امير مؤمنان -ع- است. وی مورد علاقه پدر بود و در جنگهای امير مؤمنان -ع- با ناکثین، قاسطین و مارقین در کنار آن حضرت شرکت داشت. وی در سال ۸۰ هجری درگذشت.

عقیل بن ابی طالب

وی فرزند ابو طالب و بیست سال بزرگتر از امير مؤمنان -ع- بود و از نسب شناسان معروف زمان خویش شمرده می شد. (۶)

عبد الله بن جعفر

جعفر بن ابی طالب همان کسی بود که سرپرستی مهاجران حبشه را به عهده داشت و پس از بازگشت، در جنگ مؤته به شهادت رسید. عبد الله، فرزند بزرگ وی، همسر زینب دختر امير مؤمنان -ع- و مردی با گذشت بود. تنی چند از فرزندانش در کربلا به شهادت رسیدند. او در سال ۸۰ درگذشت.

اسماعیل بن جعفر الصادق -ع-

اسماعیل فرزند بزرگ امام صادق -ع- بود که پیش از پدر درگذشت. یکی از فرقه های اسلام که به نام اسماعیلیه شناخته می شود، از معتقدان به امامت او و فرزندانش هستند. مقبره اسماعیل تا ده -پانزده سال پیش بیرون از بقیع قرار داشته است. چنین اظهار شده که قبر را به داخل بقیع منتقل کرده اند.

شاهدی عینی گفت شبی خود ناظر بوده که مقبره را خراب کردند و محتویات قبر را به داخل بقیع انتقال دادند.

صفیه

صفیه دختر عبد المطلب و عمه رسول خدا-ص-بود. وی از زنان با شهامت صدر اسلام به شمار می‌رفت و در جریان جنگ احزاب، در داخل شهر، یک یهودی را که برای یهودیان بنی قریظه جاسوسی می‌کرد، به قتل رساند.

عاتکه

عاتکه نیز دختر عبد المطلب و از عمه‌های رسول خدا-ص-بود. وی همان است که در مکه، پیش از جنگ بدر، خوابی بدین مضمون دید که قریش جگر گوشه‌های خود را از دست می‌دهد. اما ابو جهل او را مورد تمسخر قرار داد و از قضا در بدر، قریش بیشترین بزرگان خود و از جمله ابو جهل را از دست داد. این دو خواهر در کنار یکدیگر دفن شده‌اند و در گذشته بقعه‌ای داشته‌اند که به نام «بقیع العمات» شناخته می‌شد، و اکنون اثری از آن بر جای نمانده است.

مسجد فاطمه-س-

پیش از این در نزدیکی بقیع و در محدوده‌ای که در نزدیکی قبور ائمه-علیهم السلام-بوده، محلی با عنوان «بیت الاحزان» شناخته شده و در متون تاریخی قرون آغازین اسلامی، از آن یاد شده است. آنجا به عنوان محل گریه آن حضرت پس از رحلت پدرش بوده است. طبق برخی نقلهای دیگر، در کنار بقیع، در همین حدود، خانه محقری برای آن حضرت ذکر شده که بعدها به عنوان «بیت الاحزان» یا «قبة الحزن» شهرت داشته و زمانی نیز به عنوان «مسجد فاطمه» از آن یاد می‌شده است. این محل در شمال قبر عباس بن عبد المطلب و قبور ائمه-علیهم السلام-قرار داشته و بعدها ضمیمه بقیع شده است. در مدینه جای دیگری به عنوان بیت الاحزان مطرح نبوده است.

از غزالی، نویسنده معروف، نقل شده که گفته: مستحب است که زائر مدینه هر روز پس از سلام بر رسول خدا-ص-به بقیع برود... و در مسجد فاطمه نماز بگزارد. (۷)

خانه امام سجاد و امام صادق-علیهما السلام-

در محله بنی هاشم که در سال ۱۳۶۳ به بعد تخریب شد، دو منزل وجود داشت که به دار علی بن الحسین-علیهما السلام- و دار جعفر بن محمد-علیهما السلام- شهرت داشت. این مکان که اکنون تخریب شده، در همان

فضایی قرار داشته که اکنون سنگفرش شده و میان در اصلی بقیع تا حرم رسول خدا-ص- است. در منابع شیعه توصیه به خواندن نماز در این دو خانه شده است. (۸)

مسجد بقیع

این مسجد به نام مسجد ابی بن کعب مشهور بوده و در داخل دیوار قبرستان بقیع قرار داشته است. گفته شده که رسول خدا-ص- فراوان در آن مسجد نماز گزارده است. از این مسجد نیز اثری بر جای نیست.

دار النابغه

در این محل که اکنون در توسعه غربی مسجد، داخل مسجد شده، شماری قبر از جمله قبر عبد الله پدر پیامبر-ص- بوده است. شاهی اظهار کرد: زمانی از پیرمردی که در بقیع مسؤولیتی داشت شنیدم که قبرهای آن خانه را به بقیع منتقل کرده و پایین تر از قبر منسوب به حضرت فاطمه-س- دفن کردند.

پی‌نوشتها

- ۱- درباره تاریخ حرم ائمه بقیع نگاه کنید به مقالات مفصل آقای محمد صادق نجمی در فصلنامه «میقات حج» ش ۴، صص ۱۹۱-۱۷۵، ش ۵، صص ۷۰-۵۹، ش ۶، صص ۱۲۹-۱۱۱، ش ۷، صص ۱۱۳-۹۲
- ۲- برای دیدن کهن‌ترین اقوال در این زمینه، بنگرید به تاریخ المدینة المنورة، ابن شبه، ج ۱، صص ۱۱۰-۱۰۴
- ۳- به عنوان نمونه ابن شبه از امام صادق-ع- نقل کرده که آن حضرت فرمود: قبرت فاطمة سلام الله علیها فی بیتها الذی ادخله عمر بن عبد العزیز فی المسجد. تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۱۰۷
- ۴- اقوال آنها را در فصلنامه «میقات حج» ش ۷، صص ۹۶ و ۹۷ ببینید.
- ۵- درباره قبه و حرم همسران و دختران رسول خدا(ص) بنگرید به مقاله آقای محمد صادق نجمی در مجله میقات، ش ۱۱، صص ۱۷۷-۱۶۴
- ۶- درباره محل قبر عقیل و نیز شخصیت والای ایشان، نگاه کنید به مقاله مفصل آقای محمد صادق نجمی در فصلنامه «میقات حج» ش ۷، صص ۹۶ و ۹۷ ببینید.
- ۷- احیاء العلوم غزالی، ج ۱، ص ۲۶۰؛ برای کسب آگاهیهای تفصیلی درباره این مکان بنگرید به مقاله «بیت الحزان» از محمد صادق نجمی، فصلنامه «میقات حج» ش ۲، صص ۱۳۰-۱۲۱
- ۸- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۲۵

موقعیت احد

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «احد جبل يحبنا و نحبه.»

در ناحیه شمالی مدینه رشته کوهی به طول تقریبی شش کیلومتر از شرق به غرب کشیده شده که به دلیل جدایی آن از دیگر رشته کوهها، «احد» خوانده می شود. این کوه خاطره یکی از مهمترین جنگهای صدر اسلام را در سینه دارد؛ غزوه ای که بسیار دردناک بوده و صحنه های عبرت انگیزی از خود بر جای گذاشته است. در این غزوه بود که عده نسبتاً زیادی از اصحاب رسول خدا-ص به دلیل بی توجهی جمعی از مسلمانان به اوامر آن حضرت، به شهادت رسیدند.

غزوه احد

پس از آن که مشرکان در غزوه بدر دچار شکست سخت شدند، تصمیم گرفتند تا در سال بعد از آن، یعنی سال سوم هجرت، بار دیگر به جنگ با مسلمانان روند. آنها یک سال نیروهای خود را آماده کردند و پس از آن به مدینه تاختند. آنان در شمال مدینه مستقر شدند و رسول خدا-ص با جمعیتی نزدیک به هفتصد تن در برابر آنان قرار گرفت. کوه کوچک عینین که نام دیگرش رماط است، در پشت سر مسلمانان قرار داشت. پیامبر-ص- پنجاه تن از تیراندازان خود را بالای آن کوه گماشت تا از پشت سر حمله ای به مسلمانان صورت نگیرد. پس از نخستین درگیری و آشکار شدن علائم پیروزی مسلمانان و گریز مشرکان، چهل تن از تیراندازان به پایین کوه رماط سرازیر شدند و اصرار فرمانده خویش را دایر بر ماندن سر جای خود نپذیرفتند. سرانجام، سپاه قریش کوه را دور زدند و بر سر مسلمانان غفلت زده ریختند. گروهی از مسلمانان صحنه را ترک کردند و جمعی در حدود هفتاد نفر به شهادت رسیدند و رسول خدا-ص با تنی چند از یاران از دامنه کوه احد بالا رفتند. مشرکان که به گمان خود رسول خدا-ص را کشته بودند، جنگ را خاتمه یافته تلقی کردند و به مثله کردن شهدا پرداختند. از جمله شهدا، حمزه بن عبد المطلب عموی پیامبر بود که به تحریک هند همسر ابو سفیان توسط وحشی به شهادت رسید و به دست هند مثله شد.

در پایان آن روز، جنگ خاتمه یافت و مشرکان منطقه را ترک کردند.

تحلیل چگونگی جنگ در منطقه احد

نکته مهم برای زائران شهر مدینه، توجه به رخداد مهم جنگ احد و عبرت آموزی از این نبرد خونین در صدر اسلام است. برای دیدار کننده از منطقه احد، پرسش اساسی این است که جنگ در کدام ناحیه رخ داده است؟ و پرسش دیگر آن است که اگر مکه در جنوب مدینه قرار دارد چرا جنگ در شمال مدینه واقع شده نه در جنوب آن که مدخل ورودی راه مکه به درون شهر مدینه است؟

نخست باید دانست که شهر مدینه در محاصره نعل گونه سنگلاخها (حره‌ها) و کوههای کوچک و بزرگ قرار داشته و تنها در بخش میان کوه احد در شمال شرق و کوه سلع در غرب زمین مسطح و هموار برای آمد و شد کاروان و لشکر به مدینه است. در گذشته، در جنوب مدینه، یعنی منطقه قبا، تنها مسافران اندک و بدون وسائل می‌توانستند داخل و خارج شوند. به همین دلیل است که هر دو بار که مشرکان در جنگ احد و خندق به مدینه یورش آوردند، از شمال و از حد فاصل کوه احد و کوه سلع وارد منطقه مدینه می‌شد.

در جنگ احد مشرکان، از این حد فاصل گذشتند و در زمین هموار و کشاورزی بزرگ جرف، حد فاصل احد تا سلع و بیشتر در بخش غربی تا شرقی، مستقر شدند. رسول خدا -ص- همراه سپاه خود از مدینه خارج شد و راه مستقیمی را از خیابان ابا ذر و سپس راه سید الشهدای فعلی به سمت کوه احد در پیش گرفت. آن حضرت تا دامنه احد پیش آمد و از غرب کوه کوچک رما، آن را دور زد و در حالی که پشتشان به کوه احد بود و سمت چپشان کوه رما، قرار داشت مستقر شدند. این در حالی بود که روی دشمن به کوه احد و پشتشان آنها به شهر مدینه بود. در میان میدانی وسیع در شرق کوه رما، یا عینین مستقر بودند که اکنون بخشی راه و بخشی محل توقف اتومبیلها و بخشی نخلستان و بناست، آن محور، محل اصلی جنگ میان مسلمانان و مشرکان بود.

با چنین آرایشی، سپاه اسلام از پشت سر کوه احد را داشتند که پناهگاه مناسبی بود. در سمت غرب (چپ) آنان کوه رما، بود. میان کوه رما و احد، فاصله‌ای وجود داشت که اکنون مسجد حمزه و زمینهای اطراف آن تا دامنه احد است. این منطقه می‌توانست مورد استفاده دشمن قرار گیرد. بویژه که محل استقرار لشکر همین نقطه بود و سپاهیان قدری جلوتر مشغول جنگ بودند.

رسول خدا -ص- برای آن که کاملاً از پشت سر ایمن باشد، پنجاه نفر را روی کوه رما گماردند تا مراقب حمله دشمن باشند. آنها روی رما ایستاده و جنوب و غرب خود را کنترل می‌کردند. در فاصله درگیری چندین بار شماری از لشکر دشمن به رهبری خالد بن ولید و عکرمه، خواستند تا رما را دور زده و از پشت سر به دامنه احد نفوذ کنند و از پشت به مسلمانان هجوم آورند که هر بار محافظان کوه رما آنها را با تیر هدف قرار می‌دادند.

زمانی که دشمن در میدان جنگ شکست خورد، چهل تن از میان این پنجاه نفر کار جنگ را تمام شده پنداشتند و محل مأموریت خود را ترک کردند. آنها از غرب کوه رماط پایین آمده، وارد میدان جنگ شدند تا قبل از پایان یافتن غنائم، سهمی برای خود بر دارند. در این هنگام خالد که از دور رماط را می‌نگریست، متوجه خالی شدن آن از محافظان گردید و برق آسا حمله خود را با شماری اسب سوار آغاز کرد. این بار ده نفر باقی مانده نتوانستند آنها را متوقف کنند. دشمن به آنها رسید و آنان را از پای در آورد و به مسلمانان متفرق که هر یک در گوشه‌ای مشغول جمع آوری غنیمت بودند یورش برد و فاجعه از همین جا آغاز شد.

در این درگیری گروهی به شهادت رسیدند و بقیه هر یک به سویی رفتند. رسول خدا-ص- همراه امام علی-ع- و شماری از یاران، وارد وادی پشت سر خود در درون کوه احد شدند. آنها در این وادی پانصد تا هفتصد متر راه را طی کردند و پس از آن از کوه بالا رفتند. پس از خاتمه تهدید دشمن، حضرت در پایین کوه در کنار وادی، نماز ظهر و عصر را اقامه کردند که اکنون به جای آن خرابه مسجد فسخ قرار دارد.

تطبیق این توضیحات را بر روی نقشه‌ای که ضمیمه کتاب شده است بهتر می‌توان دریافت.

مقبره الشهداء

مسلمانان به دفن شهدای این غزوه پرداختند و به یاد آنان، مقبره‌ای در دامنه کوه احد ایجاد شد که همیشه مورد احترام مسلمانان بوده است و بهترین عزیزان اسلام، از مهاجر و انصار در آنجا دفن شده‌اند. حمزه و دو تن از دیگر شهدا در یک قسمت، و دیگر شهیدان در فاصله ۲۵ متری آنها مدفون شده‌اند.

علاقه و علقه مسلمانان با کوه احد، آن اندازه بود که رسول خدا-ص- فرمود: احد، کوهی است که ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست داریم.

حمزه

یکی از شهدا در جنگ احد، حمزه بن عبد المطلب بود. او زمانی به رسول خدا-ص- ایمان آورد که حضرت تحت فشار مشرکان و اهانت و تمسخر آنان در مکه بود. حمزه با شهامت در برابر مشرکان ایستاد و اهانت به رسول خدا-ص- را اهانت به خود تلقی کرد. آن عزیز به مدینه هجرت کرد و فرماندهی اولین نیروهای مهاجم به مشرکان را بر عهده داشت. در جنگ بدر گروه بسیاری از مشرکان را به هلاکت رساند. به گونه‌ای که هند، همسر ابو سفیان، کینه وی را به دل گرفت و وحشی را واداشت تا در احد به کمین حمزه نشیند و در موقع مناسب با نیزه وی را به شهادت برساند، و او نیز چنین کرد. آنگاه هند بر سر جنازه حمزه آمد و شکم او را پاره

کرد و خواست از جگر حمزه بخورد که در دهانش سنگ شد. رسول خدا-ص در شهادت حمزه، که از چهره‌های شاخص اصحاب بود، بسیار غمگین شد و به او لقب «سید الشهداء» داد. تا چند دهه قبل، مقبره حمزه قبه‌ای داشت که مسلمانان زائر به زیارت آن می‌شتافتند؛ اما دولت سعودی بر اساس معتقدات خود این قبه را ویران ساخت و اکنون اطراف مقبره حمزه، دیواری سیمانی با در و پنجره کشیده شده و راهی به درون آن برای زائران نیست. حسام السلطنه در بیش از صد سال پیش نوشته است: اول وارد بقعه حمزه سید الشهداء شدیم، دهلیزی داشت، از آنجا داخل صحن شدیم. بقعه مبارکه در سمت یسار (چپ) درب صحن واقع است و شبیه به دو تالار تو در تو است که یک شاه‌نشین در وسط داشته باشد. ضریح مبارک در بقعه اول است و از دو طرف شاه‌نشین، راهی به طرف بقعه دوم است. (۱)

مصعب بن عمیر

یکی دیگر از شهدای احد مصعب بن عمیر است. او با این که از اشراف زاده‌های مکه بود، به سوی اسلام شتافت و با وجود همه فشارها و آزارها، رسول خدا-ص و اسلام را تنها نگذاشت. آنگاه که نخستین مسلمانان یثرب، در سال دوازدهم با رسول خدا-ص بیعت کردند، آن حضرت مصعب را به عنوان مبلغ اسلام همراه آنان به یثرب فرستاد و او توانست گروه بسیاری از مردم یثرب را دعوت به اسلام کند. مهمترین ابزار وی قرآن بود و از همین جاست که گفته‌اند: «فتحت المدینة بالقرآن» (مدینه با قرآن فتح شد). قد و قامت مصعب همانند رسول خدا-ص بود و زمانی که به شهادت رسید، قاتل وی گمان کرد رسول خدا-ص را کشته است؛ او از همین رو فریاد زد که محمد را کشته است. همین امر سبب شد تا برخی از مسلمانان از صحنه جنگ بگریزند. آنگاه خداوند به آنها فرمود:

«محمد رسولی همچون رسولان پیشین است؛ آیا اگر بمیرد یا کشته شود، شما به جاهلیت باز می‌گردید؟»

حنظله غسیل الملائکه

حنظله، راد مردی که شب نبرد به کابین ازدواج گام نهاده بود، شب را کنار همسرش ماند و فردا با دلی لبریز از عشق خداوند به آوردگاه نبرد رفت و در جنگ شهد شهادت نوشید.

همان گونه که اشاره شد، در این جنگ حدود هفتاد تن از مهاجر و انصار به شهادت رسیدند؛ کسانی که در روزها سخت به یاری اسلام شتافته و از آن دفاع کردند. چندین خانواده بودند که چند تن از عزیزان خود را در این غزوه از دست داده بودند. مقبره الشهدای احد از مکانهای بسیار مقدس مدینه است.

مساجد و اماکن متبرکه واقع در مسیر و منطقه احد

مسجد البحیر یا مسجد ابا ذر

مسیری که اکنون به نام «طریق سید الشهداء» شهرت دارد، به طور تقریبی همان مسیری است که حضرت از مدینه تا احد طی کرده است.

دو طایفه مهم در مسیر مدینه تا احد زندگی می کردند. ابتدا طایفه بنی عبد اشهل بودند که رسول خدا-ص- توقفی در میان آنان داشت. مسجد آنها همان مسجدی است که امروزه به نام مسجد ابوذر، صحابی راستگوی رسول خدا-ص-، شهرت داشته و در خیابان ابوذر، در فاصله پانصد متری مسجد النبی واقع شده است. نام اصلی این مسجد، مسجد البحیر یا مسجد الاسواف یا مسجد السجده بوده است. (۲) نام سجده از روایتی گرفته شده که از نماز خواندن رسول خدا-ص- در این مکان حکایت دارد و در آن آمده که حضرت سجده طولانی در این مسجد داشته است. بعدها و یا در همان زمان، مسلمانان این مسجد را بر جای سجده رسول خدا-ص- ساختند. معلوم نیست در دوره های بعد به چه دلیل این مسجد به نام ابوذر معروف شده است.

مسجد الدرع

از یادگارهای غزوه احد مسجد الدرع است؛ مسجدی که سر راه رسول خدا قرار داشت. در نقلهای مربوط به مسیر رسول خدا-ص- در جنگ احد، اشاره به بنای کوچکی شده که معروف به شیخین بوده و در اصل تعلق به یک زن و شوهر پیر داشته است. در تاریخ آمده است که رسول خدا-ص- در آنجا توقف کوتاهی داشته اند و برای نماز (درع و) زره خود را در آوردند. مسجد الدرع که اکنون در این مسیر قرار دارد یادگار رسول خدا-ص- در آنجاست. گفته شده حضرت نماز مغرب و عشا را در آنجا خوانده و تا صبح روز بعد ماندند. این مسجد بعدها به نامهایی چون مسجد الدرع، مسجد البدائع و مسجد الشیخین نامیده شده است. (۳)

برخی هم گفته اند عنوان «درع» بدان دلیل است که رسول خدا-ص- در آنجا درع پوشیده است. هر چند این مساله در کتابهای تاریخی نقل شده (۴) اما برخی آن را نپذیرفته و گفته اند که رسول خدا-ص- در مدینه درع پوشیده بودند! (۵) مسجد الدرع حدود سیصد متر مانده به مسجد الاستراحه، در داخل یک فرعی بوده و سمت

چپ کسی است که به سمت احد می‌رود. برابر کوچه‌ای که مسجد الدرع در آن واقع شده پمپ بنزینی است با سرپوش کلاهکی.

مسجد المستراح

در امتداد مسیر رسول خدا-ص-مسجد دیگری قرار دارد که در اصل متعلق به طایفه بنو حارثه بوده است. این طایفه در این ناحیه سکونت داشته و به کشت و زرع مشغول بوده‌اند. این مسجد را مسجد المستراح یا مسجد الاستراحه می‌نامند. رسول خدا-ص-مکرر به مسجد بنو حارثه آمده و در آنجا نماز می‌خوانده‌اند. و نیز گفته می‌شود که مسجد الاستراحه یادگار غزوه احد است. بنای جدید این مسجد اینک کنار خیابان واقع شده و با بنایی عالی و زیباست.

مسجد فسح

زمانی که رسول خدا-ص-به وادی درون کوه احد رفتند، در فاصله تقریبی پانصد تا هفتصد متر در سمت راست این وادی، در پایین کوه، داخل شعبی که نامش شعب جرار بوده، در محلی نماز ظهر و عصر را خواندند. این محل بعدها مسجد شده و به نام «مسجد فسح» شهرت یافت. احتمال می‌رود که نام آن «مسجد سفح» بوده که به معنای مسجد پایین کوه است.

این مسجد از کهن‌ترین مساجد منطقه احد بوده و در روایات امامان شیعه نیز توصیه بسیار به خواندن نماز در آن شده است.

بنای فعلی این مسجد، یک چهار دیواری مخروبه است که اطراف آن را نرده آهنی کشیده‌اند و این نرده هم رو به ویرانی است. در میان مسجد هم که مساحت تقریبی آن بین پانزده تا بیست متر مربع است، هوارهای دیوارهای تخریب شده مسجد ریخته شده است. آشکار است که در تخریب آن تعمداً کار بوده است. پنجاه متر بالاتر از مسجد، در ارتفاع بیست متری، غاری کوچک قرار دارد که گفته‌اند آن حضرت ابتدا در آن غار مخفی شدند. این مطالب مستند تاریخی ندارد گرچه مشهور است. (۶)

مسجد ثنایا

ثنایا به معنای دندان است. گویند که در این نقطه، در جنگ احد، عتبه بن ابی وقاص دندان رسول خدا-ص-را شکست. در این مکان مسجد بوده که تا این اواخر آثار آن وجود داشته و عکسهایی از آن باقی مانده است. محل

آن به طور تقریبی به فاصله دویست تا سیصد متر در شمال شرق مرقد حمزه سید الشهداء بوده است. کنار همین مسجد، سنگی بوده به نام حجر متکا که رسول خدا-ص- در جنگ احد به آن تکیه داد.

در منطقه احد، مسجدی نیز به نام مسجد حمزه وجود دارد که در حال حاضر در غرب مقبره حمزه واقع است. این مسجد از مساجد متبرکه نیست.

همچنین گفته شده که بر بالای کوه رما، مسجد کوچکی بوده است. آن مسجد نیز که اکنون آثاری ندارد، در شمار آثار متبرک نیست. گفتنی است که در بسیاری از اوقات بر روی کوه رما قلعه‌های کوچک و محله‌های دیدبانی ساخته می‌شده که همین امر سبب تخریب این کوه شده است.

رفتن روی کوه رما به هیچ روی مورد توصیه منابع شیعه قرار نگرفته است.

مهراس

در بالای کوه احد محلی است به نام مهراس، جایی که در دل کوه باران از قبل جمع شده است. رسول خدا-ص- با شماری یاران و از جمله امیر مؤمنان-ع- پس از بالا رفتن روی احد آنجا نشستند. امیر مؤمنان-ع- ظرفی آب از مهراس برای شستشوی دهان رسول خدا-ص-، که به دلیل شکسته شدن دندان حضرت خونی بوده، آورد. این آب به دلیل تغییر بو مورد استفاده رسول خدا-ص- که بسیار هم تشنه بود قرار نگرفت. (۷)

در بالای کوه احد، محلی نیز به نام قبه هارون وجود دارد. در نقلها آمده که هارون در سفر حج به اینجا آمده و در اینجا مدفون شده است. دلیلی بر این مطلب وجود ندارد اما این قبه با بنایی مخروبه و دیواری حدود یک متر و نیم باقی مانده است. قبه مزبور در بالاترین نقطه کوه احد است.

الصاعدی از محققان محلی می‌نویسد: در آنجا برخی خطوط کوفی را هم دیده که تنها لفظ الله قابل خواندن بوده است. همچنین کتیبه‌ای با تاریخ ۹۹۳ با نام «محمد علی جرسخانی» بر صخره‌ای در آنجا وجود دارد. وی افزوده که همین نام و تاریخ در مقبره شهدای بدر هم موجود بوده است. (۸)

قبرستانی در سر راه احد بوده که موقعیت آن تقریباً در محل درگیری مسلمانان با مشرکان بوده است. مسافر احد پیش از رسیدن به مقبره الشهداء، این قبرستان را در سمت چپ خود می‌دیده است. گویند که شماری از شهدای احد هم در آن مدفون بوده‌اند. (۹) از آنجا که رسول خدا-ص- فرمود: هر کسی را در هر جا که شهید

شد دفن کنید، احتمال می‌رود که شماری از شهدای احد در آنجا دفن شده باشند. اما شاهد مورد نظر گفته است که سنگ قبری در آنجا نبوده است.

مسجد امیر المؤمنین -ع-

در برخی از منابع حدیثی شیعه مسجدی با نام مسجد امیر المؤمنین -ع- در احد یاد شده است. این مسجد که توصیه به نماز خواندن در آن شده، برابر مقبره حمزه سید الشهداء معرفی شده است. (۱۰) اکنون از چنین مسجدی خبری نیست.

پی‌نوشتها

- ۱- همان، ص ۱۵۴
- ۲- درباره این مسجد نک: المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۳۲۹-۳۲۶، التحفة اللطيفة، ج ۱، ص ۶۷
- ۳- تاریخ المعالم المدینه قدیما و حدیثا، ص ۱۳۳
- ۴- المغازی، ج ۱، ص ۲۱۹
- ۵- المدینه بین الماضي و الحاضر، ص ۳۷۴
- ۶- ابن شبه روایتی نقل کرده و در آن تصریح شده که حضرت داخل این غار در کوه احد نشدند. تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۷۶
- ۷- المغازی، ج ۱، ص ۲۴۹
- ۸- احد، ص ۲۴ و ۲۵
- ۹- سفرنامه مکه، حسام السلطنه، ص ۱۵۴ (سال ۱۲۹۷ ه.ق.)
- ۱۰- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۲۵